

بسمه تعالی

برنامه درسی دوره ابتدایی

مولفان :

سجاد حاتم

دانشجوی دکترای برنامه ریزی درسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.
عضو باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ارومیه.

دکتر علی زینالی

استادیار گروه روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه.

انتشارات ارسطو

(چاپ و نشر ایران)

۱۳۹۶

سرشناسه: حاتم، سجاد، ۱۳۶۰ -
عنوان و نام پدیدآور: برنامه درسی دوره ابتدایی
مشخصات نشر: مشهد: ارسطو، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری: ۲۲۰ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۳۲-۱۶۵-۵
وضعیت فهرست نویسی: فیبای مختصر
شناسه افزوده: زینالی، علی، ۱۳۴۶ -
شماره کتابشناسی ملی: ۴۷۴۸۷۱۳

نام کتاب: برنامه درسی دوره ابتدایی
مولفان: سجاد حاتم - علی زینالی
ناشر: ارسطو (با همکاری سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران)
صفحه آرای، تنظیم: پروانه مهاجر
طراح جلد: رضا طهماسبی
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد
نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۶
چاپ: مدیران
قیمت: ۱۸۰۰۰ تومان
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۳۲-۱۶۵-۵
تلفن های مرکز پخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵
www.chaponashr.ir



انتشارات ارسطو



چاپ و نشر ایران

فهرست عناوین مطالب

صفحه	عنوان
۹	پیشگفتار
۱۱	فصل ۱ برنامه درسی دوره ابتدایی
۱۳	برنامه درسی
۱۵	اهمیت آموزش و پرورش دوره ابتدایی
۱۶	ویژگی‌های دانش‌آموزان دوره ابتدایی
۱۸	مدت تحصیل در دوره ابتدایی در بعضی از کشورهای جهان
۱۹	برنامه درسی دوره ابتدایی
۲۰	ساعات درس هفتگی در کشورهای مختلف جهان
۲۰	روش‌های آموزش و پرورش دوره ابتدایی
۲۳	فصل ۲ تیمز و پرلز و جایگاه ایران
۲۵	انجمن بین‌المللی ارزشیابی پیشرفت تحصیلی
۲۶	معرفی و چارچوب تیمز
۲۸	شرکت در تیمز چه فوایدی دارد؟
۳۰	معرفی و چارچوب پرلز
۳۴	جایگاه ایران در توزیع پیشرفت در ریاضیات تیمز از سال ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۱
۳۵	جایگاه ایران در توزیع پیشرفت در علوم تیمز ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۱
۳۶	جایگاه ایران در توزیع پیشرفت سواد خواندن پایه‌ی چهارم پرلز ۲۰۰۱ الی ۲۰۱۱

۳۹ فصل ۳ برنامه درسی ابتدایی سنگاپور
۴۱ سیستم آموزشی سنگاپور
۴۲ پیشرفت جامع دانش آموزان
۴۴ برنامه درسی جامع
۴۴ برنامه درسی مدارس ابتدایی
۴۵ آموزش مدارس ابتدایی در یک نگاه
۴۷ برنامه‌ی درسی ابتدایی
۴۸ آموزش
۴۸ ارزشیابی
۴۹ پیشرفت حرفه‌ای معلمان
۴۹ همکاری خانواده و مدرسه
۴۹ نتیجه‌گیری
۵۱ فصل ۴ برنامه درسی ابتدایی هنگ‌کنگ
۵۳ اهداف آموزش و پرورش هنگ‌کنگ برای قرن ۲۱
۵۳ اهداف برنامه درسی مدارس
۵۴ هفت هدف یادگیری
۵۵ پنج تجربه‌ی یادگیری ضروری برای پیشرفت یک انسان کامل
۵۶ دانش در حوزه‌های اصلی فعالیت یادگیری
۵۷ حوزه یادگیری اصلی
۵۷ مهارت‌های عمومی
۵۸ ارزش‌ها و نگرش‌ها
۵۹ چهار وظیفه کلیدی (دستیابی به آموزش برای یادگیری)
۶۱ رابطه میان برنامه درسی و ارزشیابی
۶۲ ارزشیابی تکوینی و تراکمی

۶۳ سهم بخش‌های مختلف برای مشارکت در رشد
۶۳ دانش‌آموزان
۶۳ معلمان
۶۴ معلمان ارشد
۶۵ معلم - کتابداران
۶۶ مدیران مدرسه
۶۷ والدین
۶۸ جامعه
۶۹ برنامه درسی مرکزی
۶۹ فعالیت‌های مکمل آموزشی
۶۹ چارچوب برنامه درسی
۷۰ مراحل اصلی
۷۱ حالت‌های برنامه‌ریزی درسی
۷۲ برنامه‌ریزی درسی برای یک مدرسه
۷۳ فصل ۵: برنامه درسی ابتدایی چین
۷۵ شرح و معرفی مختصری از برنامه‌ی درسی فعلی چین
	کشمکش میان نظریه‌های نظام آموزش و پرورش غربی و فرهنگ سنتی چین و
۷۶ سیستم سیاسی
	تناقض میان، نیاز شدید به اصلاحات برنامه درسی و پایین بودن سطح حرفه‌ای
۷۸ معلمان
۷۸ آموزش ضمن خدمت معلمان و تعهد به اجرای برنامه درسی
۷۹ اصلاحات آموزشی و تغییر برنامه درسی در چین
۸۱ سیستم آموزش و پرورش و آموزش و پرورش پایه
۸۲ اصلاحات برنامه درسی پایه
۸۳ اهداف اصلاحات برنامه درسی

۸۶	طراحی مجدد محتوای برنامه درسی
۸۷	اهداف طراحی مجدد محتوای برنامه درسی
۸۸	سازمان‌دهی مجدد محتوای برنامه درسی
۸۹	عدم تمرکز مدیریت برنامه درسی
۸۹	ارزشیابی برنامه درسی
۹۲	نیاز بیشتر برای برنامه درسی متنوع
۹۳	شیوه‌های آزمون-محور غالب
۹۴	تغییر به سوی چارچوب آموزشی یادگیرنده- محور به‌عنوان اصل اصلاح آموزشی در چین
۹۵	استفاده بهتر از زمان آموزش و کاهش حجم یادگیری برای افزایش یادگیری مؤثر
۹۷	شواهدی از موفقیت‌ها و اثرات آن‌ها
۹۹	فصل ۶: برنامه درسی ابتدایی کره
۱۰۱	ویژگی‌های برنامه‌ی درسی
۱۰۲	اصول طراحی برنامه درسی
۱۰۴	سازمان‌دهی و تخصیص زمان
۱۰۵	اولویت‌ها برای سازمان‌دهی و اجرای برنامه درسی مدارس ابتدایی
۱۰۶	ارزشیابی
۱۰۷	ارزشیابی و حمایت برنامه درسی در سطح ملی
۱۰۸	حمایت اداره آموزش و پرورش برای سازمان‌دهی و اجرای برنامه درسی
۱۱۱	اصلاحات آموزش و پرورش در کره
۱۱۴	تحلیل پیشرفت و نتایج آموزش ابتدایی اجباری بعد از جنگ کره
۱۱۹	فصل ۷: برنامه درسی ابتدایی ژاپن
۱۲۱	آموزش و پرورش در ژاپن
۱۲۱	آموزش ابتدایی در ژاپن

۱۲۳ برنامه‌ی درسی ملی استاندارد
۱۲۴ برنامه درسی در مدارس
۱۲۶ اهداف آموزشی مدارس بومی و سازمان‌های برنامه درسی
۱۲۷ چشم‌اندازی برای آینده‌ی هیئت تصمیم‌گیرنده‌ی برنامه‌ی درسی
۱۲۹ فصل ۸: برنامه درسی ابتدایی ایران
۱۳۱ آموزش و پرورش دوره ابتدایی
۱۳۲ مدت تحصیل در دوره ابتدایی
۱۳۲ اهداف دوره ابتدایی
۱۳۹ اصول آموزش و پرورش دوره ابتدایی
۱۴۰ برنامه درسی دوره ابتدایی
۱۴۱ کتاب‌های درسی دوره ابتدایی
۱۴۲ بازنگری در نظام آموزش و پرورش ایران
۱۴۲ نگاهی به تغییر ساختار آموزشی
۱۴۳ تغییر در ساختار یا محتوا
۱۴۵ بازگشت به گذشته یا حرکت به سوی آینده
۱۴۷ فصل ۹: برنامه درسی ملی ایران
۱۴۹ مبانی فلسفی و علمی برنامه درسی ملی
۱۴۹ چشم‌انداز
۱۵۱ اصول ناظر بر برنامه‌های درسی و تربیتی
۱۵۳ رویکرد و جهت‌گیری کلی
۱۵۷ الگوی هدف‌گذاری
۱۶۲ توازن و نسبیت در عناصر پنج‌گانه
۱۶۴ اهداف تفصیلی
۱۶۷ اهداف جزئی

۱۶۹	هدف کلی برنامه‌های درسی و تربیتی
۱۶۹	شایستگی‌های پایه
۱۷۲	حوزه‌های تربیت و یادگیری
۱۹۵	اصول حاکم بر انتخاب راهبردهای یاددهی - یادگیری
۱۹۶	اصول حاکم بر ارزشیابی پیشرفت تحصیلی و تربیتی
۱۹۸	فرآیند تولید و اجرای برنامه‌های درسی و تربیتی
۲۰۰	سیاست‌های تولید مواد و رسانه‌های یادگیری
۲۰۱	ساختار و زمان آموزش
۲۰۳	سیاست‌ها و الزامات اجرایی
۲۰۴	ارزشیابی برنامه درسی ملی
۲۰۷	منابع فارسی
۲۱۱	منابع لاتین

پیشگفتار

ایجاد تغییرات اساسی در چهارچوب نظام آموزشی کشور از سال‌ها پیش مدنظر قرار گرفت؛ چراکه همواره یکی از دغدغه‌های اصلی مسئولان، کارشناسان و متخصصان این حوزه رفع موانع، مشکلات و حرکت در مسیر پیشرفت و ارتقاء آموزش و پرورش به سطحی همسو با کشورهای در حال توسعه بوده است. اما به دلیل برنامه‌ریزی‌های مقطعی و سطحی، عدم ضمانت اجرای کافی برای برنامه‌های در حال اجرا، بی‌توجهی به ایرادهای موجود در برنامه‌های درسی در زمان اجرا و عدم بهره‌گیری کافی از نظرات عوامل تأثیرگذار در امر آموزش و به‌ویژه متخصصان و معلمانی که دارای تجربیات عملی در امر آموزش هستند، خروجی آن از بازده مناسب که مبنی بر کارایی نظام آموزشی در سطوح مختلف آن باشد برخوردار نیست.

بر این اساس در سال ۱۳۸۷ شورای عالی آموزش و پرورش مصوبه‌ای را در این زمینه مطرح و به تصویب رساند که بر اساس آن وزارت آموزش و پرورش موظف شد نظام درسی را بر اساس نتایج آزمون‌های بین‌المللی تیمز و پرلز اصلاح و بازنگری کند. چراکه با وجود اعتبار و ارزش این دو آزمون در بیان مشکلات نظام آموزشی موجود و شرکت ایران از سال ۱۳۷۱ در آن‌ها، اقدامات لازم در جهت اصلاح نظام آموزشی انجام نگرفته و مسئولان پیگیری‌های لازم را نداشته‌اند. در این مصوبه پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش و سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی درسی موظف به اصلاح مواد آموزشی بر اساس نتایج این آزمون‌ها شده‌اند. بدون شک استفاده از نتایج این آزمون‌ها و تجربیات کشورهای دیگر می‌تواند برای نظام آموزشی ما که در آستانه‌ی تحول قرار گرفته است، سودمند باشد.

مطالب این کتاب در ۷ فصل طبقه‌بندی شده است که به ترتیب: در فصل اول مباحثی در ارتباط با آزمون تیمز و پرلز جهت آشنایی کارشناسان، دانشجویان و اساتید حوزه‌ی تعلیم و تربیت مطرح و جایگاه ایران در آزمون تیمز و پرلز در مقایسه با سایر کشورهای شرکت‌کننده مورد مطالعه قرار گرفته است. در فصل‌های بعدی (۲، ۳، ۴، ۵، ۶) به صورت مجزا برنامه‌ی درسی دوره‌ی ابتدایی ۵ کشور سنگاپور، هنگ‌کنگ، چین، کره و ژاپن که در چندین دوره آزمون تیمز و پرلز در رتبه‌های برتر قرار گرفته‌اند، بیان شده است و در فصل هفتم برنامه‌ی درسی ملی ایران گنجانده شده است.

امیدواریم که مباحث مطرح شده در این کتاب گامی هرچند کوچک، اما مؤثر در بازسازی نظام آموزشی کشور بخصوص در مقطع تحصیلی ابتدایی باشد و موضوعات مطرح شده مورد توجه دانشجویان و کارشناسان، مؤلفین و متخصصین حوزه‌ی تعلیم و تربیت کشور قرار بگیرد و جمع‌بندی نکات کلیدی و تأثیرگذار برنامه‌ی درسی دوره‌ی ابتدایی این شش کشور و مقایسه‌ی آن با برنامه‌ی درسی کشورمان به منظور معرفی برنامه‌ی مناسب برای مقطع تحصیلی ابتدایی ایران عزیزمان در نظر گرفته شود.

لازم به ذکر است؛ باتوجه به اینکه بسیاری از مطالب فصول کتاب عیناً از سایت اسناد وزارت آموزش و پرورش کشورهای مدنظر دریافت و ترجمه شده است، در بسیاری از مطالب محتوای کتاب منابع نوشته نشده است. در بسیاری از موارد نیز از بخش قابل توجهی از مباحث کتاب‌های همچون «آموزش و پرورش ابتدایی، راهنمایی و متوسطه» آقای احمد صافی استفاده شده است. فلذا به دلیل استفاده مکرر و ترکیب مطالب محتواهای مختلف باهم منبع اصلی در متن بیان نشده است. اما تمامی منابعی که در محتوا از آنها بهره گرفته شده است به صورت کامل در پایان کتاب وجود دارد.

سجادحاتم^۱ - دکتر علی زینالی^۲

۱. دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی درسی دانشگاه آزاد تهران واحد مرکزی.

sajjadhatam@gmail.com

۲. استادیار گروه روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه.

Zeinali@iaurmia.ac.ir

فصل ۱

**برنامه درسی
دوره ابتدایی**

برنامه درسی دوره ابتدایی^۱

برنامه درسی

در دوران کنونی، برنامه درسی به عنوان رشته‌ای است که در آن زبان^۲ و گفتمان‌های^۳ متفاوتی بکار برده می‌شود که در آن زبان فنی یا برنامه‌ریزی درسی تنها یک زبان یا گفتمان را تشکیل می‌دهد. منظور از گفتمان، متن و بستری است که در آن یک موضوع یا یک رشته مورد توجه قرار می‌گیرد. در دوران معاصر، گفتمان‌های متعدد دیگری به منصف ظهور رسیده که برنامه درسی را در بسترهای مختلفی چون انتقادی، جنسیتی، پدیدارشناسی، هنری، بین‌المللی، نژاد، عرفان و غیره مورد بحث و بررسی قرار داده است که در آن مسائل فنی برنامه درسی یا برنامه‌ریزی درسی تنها یک گفتمان بوده است (فتحی و اجارگاه، ۱۳۹۲).

برنامه درسی اساس و پایه کارهای تربیتی مدارس است. در این معنا، برنامه درسی پلی است میان ایده‌آل‌ها و انتظارات (هدف‌ها) و واقعیت‌هایی که در زندگی مدرسه‌ای اتفاق می‌افتد. به سخن دیگر، برنامه درسی حاصل و ترکیب انتظاراتی است از آنچه کودکان باید یاد بگیرند با آنچه در دنیای واقعیت‌ها در پرتو صرف وقت بیشتری از زندگی‌شان در مدرسه کسب می‌کنند، این مقصود مهم علت وجودی مدرسه است و به این دلیل است که اصلاح و بهبود مستمر وضع تحصیلی در مدارس در اهمیت اول قرار

1. *Elementary Curriculum*

2. *Language*

3. *Discourses*

می‌گیرد. هرچند، اصلاح می‌تواند به طور مستقیم متوجه سایر جنبه‌های مدرسه مانند ساختار سازمانی، منابع مالی، نقش دانش‌آموزان و معلمان و مدیریت مسئولیت‌ها باشد؛ با این وصف همه این جنبه‌ها، در تحلیل نهایی، به قصد اصلاح و بهسازی برنامه درسی مدارس انجام می‌گیرد (تقی‌پور ظهیر، ۱۳۸۹).

برنامه درسی به محتوای رسمی و غیر رسمی، فرآیند محتوا، آموزش‌های آشکار و پنهان اطلاق می‌گردد که بواسطه آنها فراگیر تحت هدایت مدرسه دانش لازم را به دست می‌آورد، مهارت‌ها را کسب می‌کند و گرایش‌ها، قدرشناسی‌ها و ارزش‌ها را در خود تغییر می‌دهد (ملکی، ۱۳۸۳).

برنامه‌ی درسی به مجموعه‌ای هماهنگ از اهداف، سرفصل‌ها، محتوای دروس و روش‌های تدریس و ارزشیابی پیشرفت تحصیلی اطلاق می‌شود (گروه برنامه‌ریزی و هماهنگی دوره ابتدایی، ۱۳۷۹).

آموزش و پرورش فرایندی است که برای تغییر و تعدیل رفتار فراگیران تلاش می‌کند و جهت تحقق اهداف مشخصی به فعالیت می‌پردازد. در این عرصه‌ی پهناور عوامل گوناگونی^۱ تأثیرگذار هستند، اما نقش اساسی بر عهده‌ی برنامه‌ی درسی است که شامل عناصر اهداف، محتوا، روش‌ها و ارزشیابی می‌شود. بعد از اهداف، محتوا یکی از عناصر مهم برنامه‌ی درسی است که می‌تواند از طریق کتاب درسی در نظام تعلیم و تربیت رسمی عرضه شود (وستبورگ، ۱۹۹۱، ص ۷۴۱). محتوای برنامه‌ی درسی به لحاظ نقشی که در دستیابی به هدف‌های برنامه دارد، از اهمیت خاصی برخوردار است. کتاب درسی در واقع محتوای نوشتاری برنامه‌ی درسی می‌باشد. در صورتی که محتوای کتاب هم‌سویی لازم را با اهداف برنامه نداشته باشد، تحقق اهداف آموزشی ممکن نخواهد بود (مرعشی، ۱۳۷۶).

اهمیت آموزش و پرورش دوره ابتدایی

مهم‌ترین دوره تحصیلی در تمام نظام‌های آموزش و پرورش جهان، دوره ابتدایی است؛ زیرا شکل‌گیری شخصیت و رشد همه‌جانبه فرد در این دوره، بیشتر انجام می‌گیرد.

اهمیت آموزش در دوران اولیه به حدی محسوس و شایان توجه است که بازتاب آن در کلیه بحث‌ها و پژوهش‌های علمی و برنامه‌های آموزشی دبستان کاملاً هویداست. آموزش در دوران کودکی از دو جنبه مورد نظر است: یکی حساسیت و سهولت اثرپذیری کودکان از محیط‌های آموزشی و دیگری دوام اثرات و عمق یادگیری‌های آنها در این دوران (آذین‌فر و موسی‌پور، ۱۳۸۵).

دوره ابتدایی در رشد مفاهیم و معانی اموری که کودک در زندگی روزمره با آنها مواجه است، نقش مهمی بر عهده دارد. این دوره تداوم بخش تکوین شناختی، زیستی و اجتماعی کودک که در خانواده پی‌ریزی شده است؛ می‌باشد. همچنین دوره‌ای است که در آن فرصت و موقعیت مناسبی برای تحصیل، تربیت و یادگیری شیوه ارتباط صحیح با دیگران برای کودک فراهم می‌گردد و استعدادهای هر کودک به تدریج شکوفا می‌شود.

از آنجا که شرط ورود به دوره‌های تحصیلی بعدی نیز گذراندن دوره ابتدایی است، سرمایه‌گذاری برای این دوره و توجه به بهبود کمی و کیفی آن، زمینه را برای توفیق دانش‌آموزان در دوره‌های تحصیلی بعدی فراهم کرده و افت تحصیلی و تربیتی آنان را در این دوره کاهش می‌دهد.

معمولاً در اکثر کشورهای دنیا تعداد دانش‌آموزان دوره ابتدایی بیشتر از تعداد دانش‌آموزان سایر دوره‌های تحصیلی است؛ بر این اساس قسمت عمده‌ای از فعالیت‌های تبلیغاتی امروز در دنیا حول و حوش مسایل دوره ابتدایی انجام می‌شود و قسمت عمده‌ای از امکانات و سرمایه‌گذاری‌های کلان و همین‌طور بخش عظیمی از نیروهای انسانی در همین دوره به کار گرفته می‌شود. در بسیاری از کشورهایی که به اهمیت این دوره به خوبی واقف شده‌اند با وجود اینکه امکان دارد از نظر مسائل اجرایی و امکانات از محدودیت کمتری هم برخوردار باشند، اما معلمان دوره ابتدایی و کارگزاران این دوره از

ارزش و حرمت خاصی در میان سایر کارگزاران نظام آموزشی برخوردار هستند. امکانات کمک آموزشی و مسایل مرتبط با فعالیت‌های تربیتی و آموزشی در این دوره متمرکز شده و حتی در بعضی از کشورها مراکز تربیت معلم خاص دوره ابتدایی تشکیل شده و آن را از سایر دوره‌ها جدا کرده‌اند و نیروهای انسانی با این هدف که بتوانند سرمایه‌گذاری بیشتری در این راه انجام دهند و ارزش بیشتری برای فعالیت‌های این دوره قائل شوند، مورد تعلیم و تربیت قرار می‌گیرند. بر همین اساس این دوره به خاطر توجهات شایانی که به آن شده است در سال‌های اخیر به پیشرفت‌های شگرفی در دنیا دست یافته است (نجفی، ۱۳۷۲).

آموزش ابتدایی مسئولیت سنگینی را بر عهده دارد. بین شش تا یازده سالگی، کودک به تجاربی دسترسی پیدا می‌کند که در شناخت او در مورد خود و محیط پیرامونی وی بسیار حائز اهمیت است. از طرف دیگر آموخته‌های دوران کودکی پایه و اساس تجارب آینده هر فرد است. تجربیات کودک دبستانی غالباً عینی و مشهود است و این امر برای ایجاد ارتباط بین کودک و محیط واقعی که در آن زندگی می‌کند لازم و ضروری است. با این وجود، در برنامه درسی دوره ابتدایی باید تجربیاتی را برای کودک به منظور کسب تفکر صوری فراهم نمود. دستیابی به تفکر صوری یکی از هدف‌های آموزش است. دبستان می‌تواند کودک را با تجربیاتی روبه‌رو کند که وی را در نیل به تفکر صوری یاری دهد. این هدف باید در سرتاسر برنامه درسی ابتدایی نفوذ کند. کودکان از طفولیت تا نوجوانی مراحل مختلف رشدی را طی می‌کنند، چنانچه در مراحل رشد کودک تجربیاتی وجود نداشته باشد ممکن است رشد تفکر صوری وی به تعویق افتد (گانیه، ۱۹۶۳، صص ۱۵۳-۱۴۴).

ویژگی‌های دانش‌آموزان دوره ابتدایی

دوره سوم کودکی از حدود شش سالگی تا یازده سالگی است. در این دوره شخصیت کودک سازمان یافته‌تر و پیچیده‌تر می‌شود و از نظر جسمی و توانایی‌های ذهنی و اجتماعی تغییرات مهمی در او بوجود می‌آید؛ از این رو شناخت کودکان دبستانی برای برنامه‌ریزان،

مدیران و معلمان دوره ابتدایی ضرورت دارد.

در گزارش اهداف، ویژگی‌ها و اصول آموزش و پرورش پیش‌دبستانی و دبستانی، اهم ویژگی‌های بدنی و ذهنی کودکان هفت تا ده‌سال به شرح زیر است:

الف) ویژگی‌های بدنی

- هماهنگی چشم و دست کامل می‌شود.
- یادگیری مهارت‌های حرکتی، دقیق‌تر، سریع‌تر و پیچیده‌تر می‌شود.
- ماهیچه‌های کوچک، کاملاً رشد می‌کنند.
- سرعت رشد دختران در این دوره از پسران بیشتر است.
- در پایان این دوره علائم بلوغ (صفات ثانویه) در دختران به تدریج ظاهر می‌شود.
- در کاربرد صحیح و سریع اندام‌های حسی و حرکتی مهارت کافی کسب کرده است.
- رشد جسمی کودک بخصوص از نظر تکامل مراکز عصبی، به جایی رسیده است که می‌تواند به تحریکات رسیده از خارج، پاسخ‌های کاملاً اختصاصی بدهد.

ب) ویژگی‌های ذهنی و تحول روانی

- تقلید در این دوره آگاهانه انجام می‌گیرد.
- خود میان‌بینی یا خودمداری کودک تعدیل می‌شود.
- بزرگ‌سالانی که از نظر او ارزشمند و مورد احترام هستند؛ الگو قرار می‌دهد.
- احساس مالکیت در او قوی می‌شود.
- از تخیل به واقعیت نزدیک می‌شود.
- قدرت تشخیص خوب و بد در او ظاهر می‌شود.

- کم‌کم آرامش و ثبات عاطفی پیدا می‌کند.
 - دارای ابتکار عمل و سلیقه شخصی می‌شود.
 - قواعد را درک کرده و رعایت قاعده در کارها را لازم می‌داند.
 - به مرحله تفکر محسوس می‌رشد.
 - قدرت درک علت امور طبیعی را به تدریج پیدا می‌کند.
 - در این دوره کودک دارای حافظه نیرومندی است.
 - به حرف‌زدن علاقه فراوان دارد.
 - به رفاقت با کودکان دیگر و همسالان علاقه‌مند است.
 - قبل از اجرای هرکاری قادر است طرح و نقشه آن را بریزد.
 - به یادگیری علاقه زیاد دارد.
 - قدرت درک مشکلات پیرامون خود را پیدا می‌کند.
 - کنجکاوی کودک جهت‌دار و هدفمند می‌شود.
- با توجه به ویژگی‌های کودکان در دوره دبستان، تعلیم و تربیت مفاهیم اساسی، تربیت اخلاقی، اجتماعی و جسمانی او ضرورت دارد.

مدت تحصیل در دوره ابتدایی در بعضی از کشورهای جهان

مدت تحصیل در دوره ابتدایی با توجه به اهداف، سیاست‌ها و مقررات در کشورهای مختلف جهان یکسان نیست.

در گزارش دفتر همکاری‌های علمی بین‌المللی وزارت آموزش و پرورش در سال ۱۳۷۶ با عنوان بهره‌گیری از وقت در کلاس درس آمده است مدت تحصیل در دوره ابتدایی در ۱۸۴ کشور جهان از ۳ تا ۱۰ سال در نوسان است.

اکثر کشورها، یعنی حدود ۱۲۶ کشور در حد میانی قرار دارند و دوره ابتدایی در آنها به ۵ تا ۷ سال محدود می‌شود. این در حالی است که دوره ۶ ساله آموزش ابتدایی، بیش از بقیه دوره‌ها، در تمام مناطق جغرافیایی (۸۳ کشور) به چشم می‌خورد. در ۲۲ کشور، آموزش ابتدایی کمتر از ۵ سال و در ۳۶ کشور بیش از ۷ سال است. شایان ذکر است که آموزش ابتدایی بیش از ۷ سال، دوره اول متوسطه را نیز شامل می‌شود.

برنامه درسی دوره ابتدایی

فرآیند یادگیری در هر دوره تحصیلی با عواملی مختلف ارتباط دارد. نقش معلم، ارتباط متقابل دانش‌آموزان، وسایل کمک آموزشی، فضای یادگیری، توانایی‌های یادگیرنده و محتوای برنامه درسی از جمله عواملی هستند که هر کدام به گونه‌ای خاص در یادگیری موثرند. برنامه درسی مجموعه قواعد و ضوابطی است که به مجموعه عوامل و عناصر مرتبط با یادگیری منطبق و سازمان می‌دهد.

اگر آموزش می‌خواهد کودکان را برای دنیای پیچیده آماده کند و به آنها ابزاری بدهد که با آن چالش‌های جدید را درک کرده و قدرت رویارویی با آنها را کسب نمایند؛ سیستم آموزشی باید یک برنامه درسی گسترده‌تر و متناسب با تغییرات و تحولات جهانی را تا حد امکان از همان سال‌های اولیه ارائه دهد. اکنون دیگر برای روبرویی با مشکلات قرن بیست و یک فقط خواندن دروسی همچون ریاضی، علوم و ادبیات کافی نیست، لذا متخصصان تربیتی ارائه مهارت‌ها و زمینه‌های دیگر را نیز در برنامه درسی مدارس ابتدایی پیشنهاد نموده‌اند (فلاحی، ۱۳۸۵).

دستاورد‌های رو به رشد در در عرصه‌های علوم، علوم زیستی و فناوری چهره جدیدی از زندگی را در جهان امروز به نمایش گذاشته است و انسان قرن بیست و یکم هر روز حوادث پیش‌بینی نشده جدیدی را تجربه می‌کند. اخبار روزانه جهان حاوی تهدیدهای جدیدی همچون بحران محیط زیست، بحران مواد اولیه، بحران انرژی و بحران فرهنگی برای ساکنان کره زمین است. زندگی در چنین شرایط ناپایدار، پیچیده و مخاطره‌آمیزی، دانش، مهارت و نگرش‌های ویژه‌ای را طلب می‌کند. کودکان و نوجوانان

جهت رویارویی با دنیای چین متغیر و مبهم با وابستگی‌های متقابل و دگرگونی‌های شتابنده نیازمند آموزش‌هایی هستند که بتواند همه ابعاد جسمی، ذهنی، عاطفی وجود آنها را به صورت هماهنگ توسعه دهد و آنان را با وظایف خود جهت مشارکت مؤثر در سطح محلی، ملی و جهانی آشنا سازد. این مسئله سیاستگذاران نظام‌های آموزشی و به تبع آن برنامه‌ریزان درسی را با چالش‌های جدی در زمینه آموزش و تربیت نسل جدید روبرو ساخته است. از طرف دیگر افزایش حجم دانش، تنوع مهارت‌های اساسی و محدود بودن زمان آموزش، آنها را ملزم به گزینش که بعضاً سرنوشت‌ساز نیز می‌باشد؛ کرده است. تلاش برای پاسخ‌گویی به نیازها و مواجهه با چنین چالش‌هایی، نوآوری در حوزه برنامه درسی را به دنبال داشته است و برنامه‌ریزان درسی دریافته‌اند که دیگر نگاه مکانیکی به برنامه درسی پاسخ‌گو نبوده و نگاه سیستمی کل‌نگر باید جایگزین نگاه تحلیلی و جزءنگر در برنامه درسی شود (احمدی، فروزبخش، ۱۳۸۵).

ساعات درس هفتگی در کشورهای مختلف جهان

به توصیه دفتر بین‌المللی تعلیم و تربیت در خصوص حجم کاری معلمان، بویژه با در نظر گرفتن میانگین ساعات آموزش هفتگی دوره ابتدایی مدارس دولتی، در تعدادی از کشورها تحقیقی انجام گرفته است که بر اساس آن میانگین کل ساعات اختصاص داده شده به آموزش ابتدایی ۲۴/۸ ساعت در هفته است. حداقل میانگین (۲۰/۸ ساعت) در اروپای مرکزی و کشورهای شوروی سابق و حداکثر میانگین (۲۶/۳ ساعت) در کشورهای حاشیه صحرای آفریقا دیده می‌شود. همچنین کشورهای جهان از نظر میزان ساعات اختصاص یافته به آموزش دوره ابتدایی در هفته با هم متفاوت هستند.

روش‌های آموزش و پرورش دوره ابتدایی

از جمله مسائلی که انسان‌ها، در طول دوره زندگی خویش با آن روبرو بوده و پیوسته با آن در حال چالش بوده‌اند، مسائل آموزشی است. امروزه، معضلات آموزشی توجه بیشتری را از طرف مسئولان می‌طلبد. زیرا در عصر حاضر گستره تحولات آنقدر زیاد

است که بنا به قول یکی از متفکران، آنچه در نیمه دوم قرن بیستم اتفاق افتاده است گاه معادل یکصد سال اکتشاف قرون گذشته به حساب می‌آید (احدیان، ۱۳۷۴). هرچه حرکت جوامع در مسیر آینده سرعت بیشتری می‌گیرد، نیازهای آموزشی هم تشدید می‌شوند و اگر کسی ادعا کند «هر آنچه آموختنی بود فراگرفتم» حرفی به گزاف گفته است (شعبانی، ۱۳۷۶)، زیرا تغییراتی که به طور مستمر در جوامع رخ می‌دهند، تمام ابعاد زندگی بشر را تحت تأثیر قرار می‌دهند. هم اکنون ثابت شده است که آموزش، یکی از دلایل رونق اقتصادی جهان بویژه در کشورهای صنعتی از دهه ۱۹۶۰ به بعد بوده است و موجب دو برابر شدن تولید ناخالص داخلی ملی این کشورها شده است (ابراهیم زاده، ۱۳۷۶).

نظریه پردازان، رهبران سیاسی و مذهبی، متخصصان تعلیم و تربیت و گروه کثیری از والدین مسئول و معلمان همواره در برابر این پرسش‌ها قرار گرفته‌اند که چه چیزی باید آموزش داده شود؟ چگونه باید آموزش داده شود؟ چه عواملی در طراحی فرایند یاددهی - یادگیری باید مورد توجه قرار بگیرد (کارشناسان دفتر همکاری‌های علمی و بین‌المللی وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۷۹). بعلاوه، امروز تحولات علمی - فرهنگی و فناوری‌های جدید از جمله تحولات در آموزش‌های عمومی پایه، فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، دیجیتالی و الکترونیکی، بیوتکنولوژی^۱، نانو تکنولوژی^۲، رباتیک^۳، سایبرنتیک^۴ و ... در بسیاری از حوزه‌های علمی امکان دسترسی دانش‌آموزان را بدون هیچ‌گونه محدودیتی به اطلاعات مختلف فراهم کرده است. در چنین شرایطی برنامه‌های درسی ضمن اینکه باید بتوانند به سؤال‌های متفاوت دانش‌آموزان در زمینه‌های مختلف پاسخ قابل قبولی ارائه دهند؛ می‌بایست شرایط ایجاد تحول کیفی در تحصیل و آمادگی برای احراز شغل مولد، بهبود و توسعه دانش و فناوری و خلاقیت را در جامعه فراهم نماید. چراکه امروز دیگر مدارس نمی‌توانند شاهد انتقال صرف مجموعه‌ای از اطلاعات تجویز شده

-
1. *Biotechnology*
 2. *Nanotechnology*
 3. *Robotic*
 4. *Cyberntic*

از معلم به دانش‌آموز در طی یک مقطع ثابت زمانی باشند، بلکه باید بکوشند تا فرهنگ «آموزش برای یادگیری» را ترویج دهند (مرزوقی، قاسمی، ۱۳۸۵).

فصل ۲

تیمز و پرلز و جایگاه ایران

تیمز^۱ و پرلز^۲ و جایگاه ایران

انجمن بین‌المللی ارزشیابی پیشرفت تحصیلی^۳

این انجمن در سال ۱۹۵۹ تأسیس شد و تاکنون ده‌ها مطالعه تطبیقی در زمینه‌های مختلف آموزشی در رشته‌های ریاضیات، علوم، کامپیوتر، علوم اجتماعی، سواد خواندن و ... انجام داده است. این انجمن اطلاعات ارزنده‌ای را برای بهبود فرآیند یاددهی - یادگیری نظام آموزشی کشورها در اختیار آنها قرار داده است. یکی از اهداف این انجمن، ضمن شناسایی نقاط ضعف و قوت نظام آموزشی کشورهای عضو، یافتن راه‌کارهایی برای بهبود و افزایش عملکرد آموزشی مدارس آنها می‌باشد. هدف نهایی این انجمن ارتقای سطح یادگیری در درون نظام‌های آموزشی جهان و بهبود سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های آموزشی مربوط به فرایند تدریس و یادگیری در آن می‌باشد (مرکز ملی مطالعات بین‌المللی تیمز و پرلز، ۱۳۸۴).

مطالعه‌ی بین‌المللی روندهای آموزش ریاضیات و علوم (تیمز) و مطالعه‌ی بین‌المللی پیشرفت سواد خواندن (پرلز) از مهم‌ترین و بزرگ‌ترین مطالعات تطبیقی در قلمرو ارزشیابی پیشرفت تحصیلی است که تحت نظر انجمن بین‌المللی ارزشیابی پیشرفت تحصیلی انجام می‌گیرد. این انجمن که یک نهاد مستقل و معتبر پژوهشی در سطح جهان است با هدف بهبود و ارتقای وضعیت آموزشی کشورهای شرکت‌کننده، توانسته

1. *Trends in International Mathematics and Science Study (TIMSS)*

2. *Progress in international Reading literacy Study (PIRLS)*

3. *International Association for the Evaluation of Educational Achievement (IEA)*

است تاکنون ده‌ها مطالعه تطبیقی در زمینه پیشرفت تحصیلی و سایر زمینه‌ها را به انجام رساند. یافته‌ها و اطلاعات به دست آمده از این‌گونه مطالعات، منبع مهم و تعیین‌کننده‌ای برای کشف و شناسایی نقاط ضعف و قوت نظام‌های آموزشی کشورها در مقیاس ملی و بین‌المللی و ارائه راه‌کارهای علمی و مؤثر در بهبود فرآیند یاددهی-یادگیری است (مرکز ملی مطالعات بین‌المللی تیمز و پرلز، ۱۳۹۱).

معرفی و چارچوب تیمز

تیمز یکی از پروژه‌های انجمن بین‌المللی ارزشیابی پیشرفت تحصیلی است که با چرخه منظم چهارساله در زمینه ارزیابی حوزه‌ی آموزش ریاضیات و علوم پایه‌های چهارم ابتدایی و هشتم، فعالیت خود را از سال ۱۹۹۵ آغاز نمود. هدف از آن، تهیه داده‌ها و اطلاعات مقایسه‌ای در مورد عملکرد آموزشی کشورهای شرکت‌کننده به منظور ارتقاء و بهبود کیفیت فرآیند یاددهی-یادگیری در ریاضیات و علوم است و بر مبنای مطالعات و ارزیابی‌های پیشین، انجمن بین‌المللی ارزشیابی پیشرفت تحصیلی، مدل خود را از برنامه درسی ارائه می‌دهد. در این مدل، به برنامه درسی به‌عنوان عنصر اصلی سازمان دهنده نگریسته می‌شود که فرصت‌های آموزشی لازم را در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌دهد و لذا به بررسی عواملی که بر این فرصت‌ها اثرگذارند می‌پردازد.

این مدل از سه منظر برنامه درسی را مورد بررسی قرار می‌دهد:

۱. برنامه درسی قصد شده: برنامه‌ای که توسط سیستم آموزشی برای یادگیری دانش‌آموزان در نظر گرفته می‌شود.
۲. برنامه اجرا شده: برنامه‌ای که در عمل در کلاس درس به اجرا در می‌آید و تا حدودی از ویژگی‌های معلم و نحوه‌ی تدریس او و محیط‌های آموزشی تأثیر می‌پذیرد.
۳. برنامه کسب‌شده: آنچه دانش‌آموزان یاد گرفته‌اند و نگرش آن‌ها را شکل داده است.

با توجه به این مدل، تیمز به توصیف یادگیری دانش‌آموزان، برنامه‌های درسی کشورهای شرکت‌کننده، اطلاعات پیشینه‌ای مرتبط و تأثیرگذار بر یادگیری دانش‌آموزان می‌پردازد.

اطلاعات در مورد شیوه‌های آموزشی استفاده شده برای اجرای برنامه درسی از طریق پرسش‌نامه‌هایی که توسط معلمان، مدیران و دانش‌آموزان ارزیابی شده تکمیل می‌شود. انجمن بین‌المللی ارزشیابی پیشرفت تحصیلی مسئولیت، هدایت و مدیریت این پروژه را به مرکز مطالعات بین‌المللی^۱ در دانشکده بوستون^۲ محول کرده است.

برای داشتن ارتباط ویژه با تصمیم‌گیری و سیاست‌های اجرایی مدرسه، تیمز دانش‌آموزان را در دو مقطع مهم آموزشی ارزیابی می‌کند:

۱- در پایان سال چهارم از تحصیلات رسمی.

۲- پایان سال هشتم از تحصیلات رسمی.

از آنجا که تیمز تأثیرگذاری آموزش و برنامه آموزشی را بر پیشرفت دانش‌آموزان مطالعه می‌کند، ارزشیابی پیشرفت ریاضیات و علوم در مقطع‌های تحصیلی مشابه در بین کشورها از اهمیت بسیاری برخوردار است؛ یعنی برای مقایسه عادلانه دانش‌آموزان، فرصتی که برای یادگیری علوم و ریاضیات در اختیار داشته‌اند باید برابر باشد.

داده‌های تیمز مکمل مطالعه پیشرفت سواد خواندن انجمن بین‌المللی ارزشیابی پیشرفت تحصیلی در پایه چهارم است. کشورهای شرکت‌کننده در تیمز و پرلز می‌توانند در فواصل زمانی منظم اطلاعاتی در مورد سطح سواد خواندن دانش‌آموزان، دانسته‌ها و توانایی‌های آنها در زمینه ریاضیات و علوم به دست آورند.

تیمز همچنین تکمیل‌کننده مطالعه برنامه‌ریزی برای پیشرفت بین‌المللی

1. International Study Center (ISC)

2. Boston College

دانش‌آموزان (پیزا) وابسته به «سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^۱» می‌باشد که سواد خواندن، ریاضیات و علوم دانش‌آموزان ۱۵ ساله را ارزیابی می‌کند.

در هر دوره تیمز سؤالات آزمون را برای عموم منتشر می‌کند و سپس آنها را با سؤالات جدید جایگزین می‌کند. برای طرح سؤالات جدید مرکز مطالعه تیمز و پرلز با همکاری نمایندگان از کشورهای شرکت‌کننده سؤالاتی را طرح می‌کند که اهداف چارچوب‌ها را مورد ارزیابی قرار دهد و از راهنمائی‌های تیمز پیروی می‌کند. سپس سؤالات توسط تعداد زیادی از کارشناسان امر آموزش، ریاضیات، علوم، سنجش و ارزیابی مورد بررسی گسترده قرار می‌گیرند. این سؤالات به صورت مقدماتی در هر یک از کشورهای شرکت‌کننده مورد آزمون قرار می‌گیرد و سپس قبل از انتخاب برای مجموعه داده‌ها، دوباره توسط کمیته بررسی سؤالات و هماهنگ‌کننده‌های ملی مطالعه بازبینی و بررسی می‌شوند.

شرکت در تیمز چه فوایدی دارد؟

تیمز اطلاعات ارزشمندی برای کشورها فراهم می‌آورد و به آنها این امکان را می‌دهد تا چگونگی آموزش ریاضی و علوم در پایه‌های چهارم و هشتم را در طول زمان زیر نظر گرفته و ارزیابی کنند، دست‌یابی به اطلاعات جامع و از لحاظ بین‌المللی قابل مقایسه در خصوص مفاهیم و فرآیندهای ریاضی و علوم که آموزش داده می‌شوند و اطلاعاتی در خصوص نگرش دانش‌آموزان را برای کشورهای شرکت‌کننده ممکن می‌سازد و به کشورها این امکان را می‌دهد تا میزان پیشرفت خود را در آموزش ریاضیات و علوم در سطح بین‌المللی و در طول زمان ارزیابی نمایند.

- یکی از ویژگی‌های نتایج تیمز این است که کشورها می‌توانند ویژگی‌ها و ابعادی از آموزش که از پایه چهارم به هشتم در دانش‌آموزان رشد پیدا کرده (یا کاهش یافته) را شناسایی و به تحلیل علل آن پردازند.

1. Program for International Students Assessment (PISA)

2. The Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD)

- اطلاعات پیشینه‌ای تیمز به کشورها کمک می‌کند تا بافتی را که دانش‌آموزان در آن به یادگیری می‌پردازند، بهتر بشناسند و با مقایسه این بافت با کشورهای دیگر به شناسایی متغیرهای اثرگذار و میزان تأثیرگذاری آن‌ها در برنامه درسی، آموزش و منابع آموزشی بپردازند.
- اطلاعات جامع، کامل و قابل مقایسه در سطح بین‌الملل در مورد آنچه دانش‌آموزان در پایه‌های چهارم و هشتم در زمینه مفاهیم ریاضیات و علوم، فرآیندها و گرایش‌ها یادگرفته‌اند، به دست آورند.
- پیشرفت یادگیری ریاضیات و علوم را در یک فاصله زمانی مشخص در مورد دانش‌آموزان پایه چهارم و هشتم به طور بین‌المللی ارزیابی می‌کنند.
- جنبه‌های رشد دانش و مهارت‌های مربوط به ریاضی و علوم دانش‌آموزان را از پایه چهارم تا پایه هشتم مشخص می‌کنند.
- تأثیرگذاری نسبی آموزش و یادگیری در پایه چهارم در مقایسه با پایه هشتم را مورد بررسی قرار دهند. زیرا گروه دانش‌آموزان پایه چهارم دوباره به عنوان دانش‌آموزان پایه هشتم ارزیابی می‌شوند.
- کشورهای شرکت‌کننده بافت‌ها و موقعیت‌هایی را که به یادگیری دانش‌آموزان کمک می‌کنند؛ بشناسند. تیمز انجام مقایسه‌های بین‌المللی را در میان متغیرهای شاخص و کلیدی سیاست‌های برنامه آموزشی، آموزش و منابعی که منجر به پیشرفت دانش‌آموزان می‌شوند؛ امکان‌پذیر می‌سازد.
- با استفاده از تیمز مطالب و موضوعات سیاست داخلی را نشان می‌دهند. برای مثال تیمز برای کشورهای شرکت‌کننده این فرصت را فراهم می‌کند تا به بررسی عملکرد زیرگروه‌های جمعیت مورد ارزیابی بپردازد. کشورهای شرکت‌کننده می‌توانند سؤالات مربوط به راهکارهای ملی (گزینه‌های ملی) را به عنوان بخشی از مجموعه اطلاعات، اضافه کنند.

از دیگر نتایج شرکت در تیمز، بررسی تغییرات و تأثیر این تغییرات در کشورها در طول زمان است. با این نگاه امیدواریم شرکت در تیمز ۲۰۱۵ بتواند نقاط قوت تغییرات ایجاد شده در سیستم آموزشی از سال ۱۳۹۰ به بعد را شناسایی نماید.

معرفی و چارچوب پرلز

مطالعه‌ی بین‌المللی پیشرفت سواد خواندن (پرلز)، مطالعه‌ی وسیعی است که سواد خواندن نوآموزان در سراسر جهان را مورد بررسی قرار می‌دهد. این مطالعه با هدف سنجش پیشرفت سواد خواندن دانش‌آموزان و جمع‌آوری اطلاعاتی در مورد تجارب یادگیری خواندن آن‌ها در خانه و مدرسه طرح‌ریزی شده است و میزان سواد خواندن را در دانش‌آموزان که بیشترین تعداد آنها ۹ ساله‌ها هستند را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. این سن در اکثر کشورها پایه چهارم است. انتخاب جمعیت فوق به این علت است که این مقطع مرحله گذرای مهمی از نظر رشد کودکان در مهارت خواندن تلقی می‌شود. در اکثر کشورها انتظار می‌رود که کودکان تا پایان پایه چهارم ابتدایی، چگونگی خواندن را یاد گرفته باشند.

نخستین ارزیابی پرلز در سال ۲۰۰۱ با هدف فراهم کردن گرایش‌های خواندن در یک چرخه پنج ساله با شرکت ۳۵ کشور به اجرا در آمد و طبق برنامه‌ریزی، ارزیابی‌های بعدی نیز به فاصله‌ی هر ۵ سال یکبار اجرا می‌شود. ۴۵ کشور در پرلز ۲۰۰۶ و ۲۰۱۱ شرکت کرده‌اند. بر اساس این طرح، آزمونی با هدف سنجش سواد خواندن از گروهی از دانش‌آموزان پایه چهارم ابتدایی که در واقع نماینده دانش‌آموزان کشور خود هستند، به اجرا در می‌آید. به‌منظور جمع‌آوری اطلاعاتی درباره عوامل تأثیرگذار بر یادگیری خواندن در بافت خانه و مدرسه، پرسشنامه‌هایی توسط دانش‌آموزان شرکت‌کننده در آزمون، والدین، معلمان و مدیران مدرسه آن‌ها تکمیل می‌گردد که بسیاری از عوامل مؤثر در توانایی و مهارت خواندن دانش‌آموزان است.

چهار فرآیند تعیین شده در چارچوب پرلز عبارتند از:

- تمرکز بر اطلاعات صریحاً بیان شده و بازیابی آنها.
- دستیابی به استنباط‌های کاملاً روشن.
- تفسیر و تکمیل ایده‌ها و اطلاعات.
- بررسی و ارزیابی محتوا، زبان و عناصر مربوط به متن.

یکی از اهداف مهم پرلز، بهبود و توسعه ارزیابی متون خواندن از طریق تأمین اطلاعات در مورد فرآیندهای درک مطلب و نیز اهداف خواندن است. از این رو مرکز مطالعه بین‌المللی پرلز، کار خود را با بررسی امکان درجه‌بندی داده‌های سال ۲۰۰۱ از رهگذر هر چهار فرآیند تعیین شده آغاز کرد. با این حال، لازم بود جهت تکمیل درجه‌بندی، فرآیندها به طور دقیق در قالب دو معیار- یکی برای اهداف اطلاعاتی و دیگری برای هدف ادبی- ادغام شوند.

اهداف مطالعه پرلز عبارتند از:

- بررسی عملکرد دانش‌آموزان پایه چهارم ابتدایی در زمینه توانایی خواندن و بررسی عوامل زمینه‌ساز و مؤثر بر چگونگی کسب موفقیت دانش‌آموزان در خواندن، شامل تجارب یادگیری، خواندن در خانه و چگونگی آموزش در مدرسه.
- بررسی روند پیشرفت خواندن در دانش‌آموزان با طراحی مطالعه در طی دوره‌های پنج ساله.
- آشکار شدن تفاوت‌های عملکردی نظام‌های آموزشی کشورها.
- ارائه راهبردها و تفسیرهایی جهت بهبود نظام‌های آموزشی و یادگیری توانایی خواندن.

تحقیقات آموزشی و به‌ویژه در سطح بین‌المللی و بر اساس چارچوب‌های علمی و استانداردهای جهانی، منبعی مهم برای تولید دانش، سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و

تصمیم‌گیری مؤثر به حساب می‌آید. از این رو، مطالعه بین‌المللی پیشرفت سواد خواندن یکی از مطالعات مهمی است که نتایج آن می‌تواند در شناخت مشکلات و کاستی‌ها، بهبود کیفیت نظام آموزشی کشورها و کشف راهکارهای ارتقای سواد خواندن در دانش‌آموزان، تعیین‌کننده باشد؛ زیرا تحقیقات آموزشی، زمینه‌هایی را فراهم می‌آورد که برنامه‌ریزان و تصمیم‌گیران بتوانند با فهم بهتر مشکلات و اتخاذ راهبردهای مناسب، در بهبود بخشی کیفیت یادگیری مشارکت نمایند. در واقع، این نوع مطالعات مشخص می‌کند که چه فرصت‌هایی برای دانش‌آموزان باید فراهم شود تا آنها بهتر بتوانند در فرآیند فهمیدن، استنباط و قضاوت در خواندن متون، مهارت پیدا کنند.

از زمان تأسیس و توسعه آموزش‌های عمومی و با الزامی یا اجباری کردن آموزش برای تمام شهروندان به تدریج جوامع نسبت به عملکرد آموزشی نیز حساس شدند. به‌خصوص با ارتقای سطح سواد عمومی، خانواده‌ها داوطلب مشارکت بیشتری در تعیین سرنوشت آموزشی فرزندان خود شدند و در مقابل، انتظار پاسخ‌گویی از نظام‌های آموزشی در جوامع ایجاد شده را داشتند. این در حالی بود که مراجع رسمی نیز به میزان بودجه‌هایی که به آموزش اختصاص دادند و به نسبت ضرورت‌هایی که در جامعه‌ی بشری برای توسعه سواد عمومی پیدا شد، خود را موظف به پاسخ‌گویی دیدند. همین نیاز به پاسخ‌گویی، از جمله دلایل اصلی بررسی برنامه‌های آموزشی و درسی و نیز تغییر و اصلاح آن‌ها در محیط‌های آموزشی گردید. در واقع، نظام‌های آموزشی انتظار داشته و دارند که به پشتوانه عملکرد دانش‌آموزان، بتوانند هم به مخاطبان خود پاسخ داده و هم فرصت مناسبی برای ارزیابی مؤلفه‌های آموزشی خود به وجود آورند. این ارزیابی‌ها شامل برنامه‌های درسی، مواد آموزشی، روش‌های تدریس و روش‌های ارزشیابی است. در نتیجه، نظام‌های آموزشی و برنامه‌های اجرایی آن در معرض بررسی‌های موشکافانه هستند تا بدین وسیله مشکلات آموزشی شناسایی و رفع گردند (رفیع‌پور و گویا، ۱۳۸۹).

نتایج به‌دست‌آمده از آزمون‌های بین‌المللی تیمز و مطالعات انجام‌شده بر اساس آن‌ها در داخل کشور از قبیل کیامنش (۱۳۷۷)، کیامنش و نوری (۱۳۷۶)، کیامنش و خیریه (۱۳۷۹)، کلدوی (۱۳۷۸) و مبشر (۱۳۷۸) نشان‌دهنده‌ی آن است که کودکان ایرانی

با وجود آنکه عموماً در مدرسه و خانه پرکارند، اما عملکرد قابل قبولی در آزمون‌های به‌عمل آمده نداشته‌اند. در واقع، مشاهده می‌شود که آموزش بر اساس برنامه‌های جاری، قابلیت‌هایی را که نیاز هر شهروند هزاره‌ی سوم است را برآورده نمی‌کند؛ قابلیت‌هایی چون انتخاب‌گری، نقادی، حل مسئله، خلاقیت، خود تنظیمی^۱، استقلال فکری و یادگیری مادام‌العمر.

امروزه فرایند توسعه و جهانی شدن و فناوری اطلاعات، جوامع مختلف را احاطه کرده است. نظام‌های آموزشی به‌عنوان پیشاهنگان توسعه باید قادر به پاسخ‌گویی به نیازهای زمان در هزاره‌ی سوم باشند و خود را با شرایط دگرگون شونده‌ی بین‌المللی سازگار کنند. نظام آموزشی ایران در راه رسیدن به این اهداف با مشکلات فراوانی روبه‌رو است که تغییر و تحول در ساختار، برنامه‌ها، اهداف و روش‌ها را به‌عنوان ضرورتی اجتناب‌ناپذیر به یاری می‌طلبد. نظام آموزشی کشور ما برای اینکه بتواند در هزاره‌ی سوم به نیازهای زمان و فناوری اطلاعات پاسخ دهد، ناچار می‌بایست قادر به سازگاری با شرایط دگرگون شونده داخلی و بین‌المللی باشد. متأسفانه نظام آموزشی ما نتوانسته است افرادی تربیت کند که در موقعیت‌های گوناگون بتوانند از طریق ابداع و نوآوری به تولید علم و فناوری مبادرت ورزند (طالبیان و تصدیقی، ۱۳۸۵).

کشور جمهوری اسلامی ایران از سال ۱۳۷۰ هجری شمسی (۱۹۹۱ میلادی) رسماً به عضویت انجمن بین‌المللی ارزشیابی پیشرفت تحصیلی درآمد و تاکنون در بیشتر مطالعات تیمز و پرلز انجام گرفته توسط این انجمن شرکت داشته است.

تحلیل داده‌های مطالعه‌ی تیمز و پرلز به‌ویژه در پایه چهارم، فرصت بسیار مناسب، مغتنم و تعیین‌کننده‌ای است تا پژوهشگران و کارشناسان آموزشی با بررسی رابطه عملکرد دانش‌آموزان در درس علوم و ریاضیات و سواد خواندن، نقاط ضعف و قوت نظام آموزشی را از سطح برنامه‌ریزی تا اجرا و عملکرد، مورد مشاهده قرار دهند.

جایگاه ایران در توزیع پیشرفت در ریاضیات تیمز از سال ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۱

در رتبه‌بندی کشورها برای ریاضیات پایه چهارم در سال ۱۹۹۵ با میانگین نمره مقیاس تیمز (۵۲۰)، کشور ایران با کسب نمره‌ی ۳۸۷ در بین ۲۶ کشور شرکت‌کننده، در جایگاه ۲۵ قرار گرفت.

در سال ۱۹۹۹ کشور ایران در ریاضیات پایه چهارم ابتدایی شرکت نداشت.

در رتبه‌بندی کشورها برای ریاضیات پایه چهارم در سال ۲۰۰۳ با میانگین نمره مقیاس تیمز (۴۹۵)، کشور ایران با کسب نمره‌ی ۳۸۹ در بین ۲۵ کشور شرکت‌کننده، در جایگاه ۲۲ قرار گرفت.

در رتبه‌بندی کشورها برای ریاضیات پایه چهارم در سال ۲۰۰۷ با میانگین نمره مقیاس تیمز (۵۰۰)، کشور ایران با کسب نمره‌ی ۴۰۲ در بین ۳۶ کشور شرکت‌کننده، در جایگاه ۲۸ قرار گرفت.

در رتبه‌بندی کشورها برای ریاضیات پایه چهارم در سال ۲۰۱۱ با میانگین نمره مقیاس تیمز (۵۰۰)، کشور ایران با کسب نمره‌ی ۴۳۱ در بین ۵۰ کشور شرکت‌کننده، در جایگاه ۴۳ قرار گرفت.

در رتبه‌بندی کشورها برای ریاضیات پایه هشتم در سال ۱۹۹۵ با میانگین نمره مقیاس تیمز (۵۱۹)، کشور ایران با کسب نمره‌ی ۴۱۸ در بین ۴۱ کشور شرکت‌کننده، در جایگاه ۳۷ قرار گرفت.

در رتبه‌بندی کشورها برای ریاضیات پایه هشتم در سال ۱۹۹۹ با میانگین نمره مقیاس تیمز (۴۸۷)، کشور ایران با کسب نمره‌ی ۴۲۲ در بین ۳۸ کشور شرکت‌کننده، در جایگاه ۳۳ قرار گرفت.

در رتبه‌بندی کشورها برای ریاضیات پایه هشتم در سال ۲۰۰۳ با میانگین نمره مقیاس تیمز (۴۶۷)، کشور ایران با کسب نمره‌ی ۴۱۱ در بین ۴۶ کشور شرکت‌کننده، در جایگاه ۳۴ قرار گرفت.

در رتبه‌بندی کشورها برای ریاضیات پایه هشتم در سال ۲۰۰۷ با میانگین نمره مقیاس تیمز (۵۰۰)، کشور ایران با کسب نمره‌ی ۴۰۳ در بین ۴۹ کشور شرکت‌کننده، در جایگاه ۳۴ قرار گرفت.

در رتبه‌بندی کشورها برای ریاضیات پایه هشتم در سال ۲۰۱۱ با میانگین نمره مقیاس تیمز (۵۰۰)، کشور ایران با کسب نمره‌ی ۴۱۵ در بین ۵۰ کشور شرکت‌کننده، در جایگاه ۴۰ قرار گرفت.

مشابه دوره‌های قبل، ۵ کشور آسیایی سنگاپور، هنگ‌کنگ، چین، جمهوری کره و ژاپن از نظر عملکرد به ترتیب جایگاه ۱ تا ۵ جدول را به خود اختصاص دادند.

جایگاه ایران در توزیع پیشرفت در علوم تیمز ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۱

در رتبه‌بندی کشورها برای علوم پایه چهارم در سال ۱۹۹۵ با میانگین نمره مقیاس تیمز (۵۰۱)، کشور ایران با کسب نمره‌ی ۳۸۰ در بین ۲۶ کشور شرکت‌کننده، در جایگاه ۲۵ قرار گرفت.

در سال ۱۹۹۹ کشور ایران در علوم پایه چهارم ابتدایی شرکت نداشت.

در رتبه‌بندی کشورها برای علوم پایه چهارم در سال ۲۰۰۳ با میانگین نمره مقیاس تیمز (۴۸۹)، کشور ایران با کسب نمره‌ی ۴۱۴ در بین ۲۵ کشور شرکت‌کننده، در جایگاه ۲۲ قرار گرفت.

در رتبه‌بندی کشورها برای علوم پایه چهارم در سال ۲۰۰۷ با میانگین نمره مقیاس تیمز (۵۰۰)، کشور ایران با کسب نمره‌ی ۴۳۶ در بین ۳۶ کشور شرکت‌کننده، در جایگاه ۲۷ قرار گرفت.

در رتبه‌بندی کشورها برای علوم پایه چهارم در سال ۲۰۱۱ با میانگین نمره مقیاس تیمز (۵۰۰)، کشور ایران با کسب نمره‌ی ۴۵۳ در بین ۵۰ کشور شرکت‌کننده، در جایگاه ۳۸ قرار گرفت.

در رتبه‌بندی کشورها برای علوم پایه هشتم در سال ۱۹۹۵ با میانگین نمره مقیاس تیمز (۵۱۶)، کشور ایران با کسب نمره‌ی ۶۳ در بین ۴۱ کشور شرکت‌کننده، در جایگاه ۳۸ قرار گرفت.

در رتبه‌بندی کشورها برای علوم پایه هشتم در سال ۱۹۹۹ با میانگین نمره مقیاس تیمز (۴۸۸)، کشور ایران با کسب نمره‌ی ۴۸ در بین ۳۸ کشور شرکت‌کننده، در جایگاه ۳۱ قرار گرفت.

در رتبه‌بندی کشورها برای علوم پایه هشتم در سال ۲۰۰۳ با میانگین نمره مقیاس تیمز (۴۷۴)، کشور ایران با کسب نمره‌ی ۵۳ در بین ۴۶ کشور شرکت‌کننده، در جایگاه ۳۱ قرار گرفت.

در رتبه‌بندی کشورها برای علوم پایه هشتم در سال ۲۰۰۷ با میانگین نمره مقیاس تیمز (۵۰۰)، کشور ایران با کسب نمره‌ی ۵۹ در بین ۴۹ کشور شرکت‌کننده، در جایگاه ۲۹ قرار گرفت.

در رتبه‌بندی کشورها برای علوم پایه هشتم در سال ۲۰۱۱ با میانگین نمره مقیاس تیمز (۵۰۰)، کشور ایران با کسب نمره‌ی ۷۴ در بین ۵۰ کشور شرکت‌کننده، در جایگاه ۲۳ قرار گرفت.

مشابه دوره‌های گذشته ۵ کشور آسیای سنگاپور، هنگ‌کنگ، چین، جمهوری کره و ژاپن از نظر عملکرد جزو یکی از ۹ کشور صدر جدول بودند.

جایگاه ایران در توزیع پیشرفت سواد خواندن پایه‌ی چهارم پرلز ۲۰۰۱ الی ۲۰۱۱

در رتبه‌بندی کشورها در توزیع پیشرفت سواد خواندن در سال ۲۰۰۱ با میانگین نمره مقیاس تیمز (۵۰۰)، کشور ایران با کسب نمره‌ی ۱۴ در بین ۳۵ کشور شرکت‌کننده، در جایگاه ۳۲ قرار گرفت.

در رتبه‌بندی کشورها در توزیع پیشرفت سواد خواندن در سال ۲۰۰۶ با میانگین نمره

مقیاس تیمز (۵۰۰)، کشور ایران با کسب نمره‌ی ۴۲۱ در بین ۴۵ کشور شرکت‌کننده، در جایگاه ۴۰ قرار گرفت.

در رتبه‌بندی کشورها در توزیع پیشرفت سواد خواندن در سال ۲۰۱۱ با میانگین نمره مقیاس تیمز (۵۰۰)، کشور ایران با کسب نمره‌ی ۴۵۷ در بین ۴۵ کشور شرکت‌کننده، در جایگاه ۳۸ قرار گرفت.

اما با وجود عدم شرکت ژاپن و کره، کشورهای هنگ‌کنگ، سنگاپور و چین با هم یکی از ۹ جایگاه صدر جدول را به خود اختصاص داده‌اند.

فصل ۳

برنامه درسی ابتدایی
سنگاپور

برنامه درسی ابتدایی سنگاپور

چشم‌انداز وزارت آموزش و پرورش^۱ سنگاپور، مدارس متفکر^۲ و یادگیری ملی^۳ است. به‌منظور آماده‌سازی نسلی متفکر و شهروندانی که در قبال رشد مداوم سنگاپور واکنش نشان دهند؛ این وزارت دائماً برنامه‌ی درسی خود را جهت اطمینان‌بخشی به این امر که مهارت‌ها و دانش در مدارس موجب رویارویی با چالش‌های قرن ۲۱ می‌شود، اصلاح کرده و تغییر می‌دهد.

سیستم آموزشی سنگاپور

سیستم آموزشی سنگاپور در تلاش است تا آموزشی کامل و جامع به دانش‌آموزان ارائه دهد، این موضوع با توجه به ویژگی‌های چند فرهنگی و چند نژادی سنگاپور، سیاست دوزبانه، یک از ویژگی کلیدی سیستم آموزشی سنگاپور محسوب می‌شود. طبق سیاست دوزبانه؛ هر دانش‌آموز، زبان انگلیسی را به‌عنوان زبان عمومی، فرا می‌گیرد. دانش‌آموزان علاوه بر زبان انگلیسی، زبان مادری خود (چینی، مالایی یا تامیل) را جهت حفظ هویت قومی، فرهنگ، میراث و ارزش‌هایشان، نیز فرامی‌گیرند.

1. Ministry of Education (MOE)

2. Thinking Schools

3. Learning Nation

پیشرفت جامع دانش آموزان

نتایج موردنظر آموزش و پرورش^۱ برای تربیت دانش آموزانی کمال یافته از نظر اخلاقی، روحی، جسمی، اجتماعی و زیبایی، با استفاده از هشت مهارت و ارزش به وجود می آید.

هشت مهارت و ارزش اصلی به شرح زیر هستند:

۱. توسعه و رشد شخصیت.
۲. مهارت های مدیریت فردی.
۳. مهارت های تعاملی و اجتماعی.
۴. حساب و ادبیات.
۵. مهارت های ارتباطی.
۶. مهارت های اطلاعاتی.
۷. مهارت های تفکر و خلاقیت.
۸. مهارت های کاربرد دانش (عمل).

دانش آموزان در آخر آموزش دوره ی ابتدایی، متوسطه و پیش دانشگاهی، این هشت مهارت اصلی و ارزش ها را به دست می آورند (جدول ۱).

جدول (۱): برونداد مطلوب آموزش و پرورش

دانش آموزان در انتهای دوره ابتدایی (اولیه)	دانش آموزان در انتهای دوره آموزش متوسطه (ثانویه)	دانش آموزان در انتهای دوره پیش دانشگاهی
توانایی تمایز میان درست و اشتباه را دارند.	کمال اخلاقی دارند.	انعطاف پذیر و ثابت قدم هستند.
مشارکت و مشورت با دیگران را فرا گرفته اند.	نسبت به دیگران حس مراقبت و مسئولیت دارند.	دارای حس مسئولیت پذیری اجتماعی هستند.
توانایی ایجاد رابطه ای دوستانه با دیگران را کسب کرده اند.	توانایی کار گروهی دارند و به هر مشارکت یا تعاملی احترام می گذارند.	آنچه را که به دیگران الهام می شود یا موجب تشویق و تحریک آنها می شود را درمی یابند.
در مورد اتفاقات از کنجکاوی لازم برخوردارند.	خلاق و مبتکر هستند.	روح کارآفرینی و خلاقیت دارند.
توانایی تفکر و اثبات خود را دارند.	زیربنایی جامع برای آموزش های بعدی خود پردازش می کنند.	توانایی تفکر مستقل و خلاقانه دارند.
در کارهای خود، غرور پیدا می کنند.	توانایی خود را باور دارند.	به دنبال بهترین ها هستند.
عادت های سالم را پرورش داده اند.	قدر زیبایی های خود را می دانند.	میل و رغبت به زندگی دارند.
عاشق سنگاپور هستند.	در مورد سنگاپور می دانند و به آن را باور دارند.	آنچه را که موجب هدایت و پیشرفت سنگاپور می شود را درمی یابند.

برنامه درسی جامع^۱

برنامه درسی ملی سنگاپور در تلاش است تا استعدادهای کودکان را پرورش داده و یادگیری مادام‌العمر را توسعه دهد. دانش‌آموزان از طریق تجارب گسترده به توسعه‌ی مهارت‌ها و ارزش‌هایی موردنیاز برای زندگی خود می‌پردازند. آموزش کامل و جامع شامل ادبیات، حساب، دوزبانگی، علوم انسانی، زیبایی‌شناسی، تربیت‌بدنی، تعلیمات مدنی، اخلاق و آموزش و پرورش ملی است. در طول سال‌ها، برنامه درسی به‌منظور تنظیم ارزش‌ها، دانش و شایستگی‌ها، مورد بررسی قرار گرفته است و درست در همان زمان، نیازهای دانش‌آموزان را با توجه به توانایی و استعدادهای مختلف آن‌ها تأمین می‌کند. به‌منظور توانمندسازی دانش‌آموزان جهت حصول به نتایج یادگیری در مورد محتوای موضوعات و نتایج موردنظر آموزش و پرورش، سه حوزه‌ی گسترده در نظر گرفته شده است که آن سه حوزه شامل برنامه درسی، استراتژی‌های تدریس و ارزشیابی است (تصویر ۱).

محتوا شامل اهداف، مطالب درسی، مهارت‌ها، شایستگی‌ها، ارزش‌ها و نگرش‌ها است و مناسب‌ترین استراتژی‌های تدریس برای مدیریت کلاس درس، شیوه‌ی تدریس و منابع یاددهی - یادگیری طراحی شده است. ارزشیابی آنچه دانش‌آموزان باید فرا بگیرند و آنچه فرا گرفته‌اند نیز از طریق ارزشیابی‌های مستمر و پایانی سنجیده می‌شود.

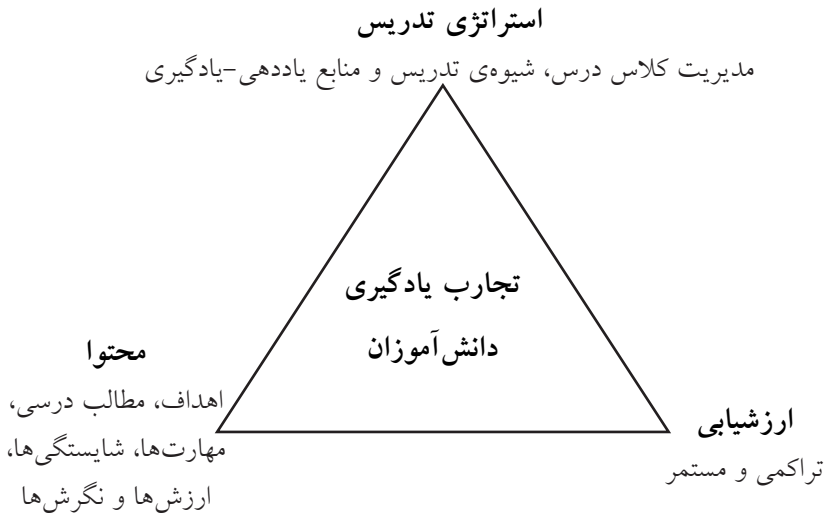
برنامه درسی مدارس ابتدایی

دانش‌آموزان در مقطع ابتدایی که یک دوره‌ی ۶ ساله است، درک قابل توجهی از زبان انگلیسی، زبان مادری و ریاضیات پیدا می‌کنند. علاوه بر این دانش‌آموزان، علوم تجربی، مطالعات اجتماعی، تعلیمات دینی و اخلاق، موسیقی، هنر و صنعت، آموزش سلامت و تربیت‌بدنی را نیز یاد می‌گیرند. در پایان دوره‌ی ۶ ساله، دانش‌آموزان در آزمون پایان دوره‌ی ابتدایی^۲ را که توانایی آن‌ها را برای ورود به دوره‌ی آموزش متوسطه (راهنمایی)

1. Broad-based Curriculum

2. Primary School Leaving Examination (PSLE)

می‌سینجد؛ شرکت کرده و از طریق این آزمون جایگاه آن‌ها در مدارس دوره‌ی آموزش متوسطه مشخص می‌شود.



تصویر (۱): تجارب یادگیری دانش‌آموزان

آموزش مدارس ابتدایی در یک نگاه

- شش سال آموزش اجباری.
- برای شهروندان سنگاپور هیچ‌گونه شهریه‌ای وجود ندارد؛ به‌استثنای شهریه متفرقه ماهانه استاندارد که برابر با ۶/۵ دلار و هزینه دیگری نیز برای مدارس دریافت می‌شود.
- بر اساس هر موضوع معمولاً به کودک ترکیبی از موضوعات پایه یا استاندارد، بسته به توان وی پیشنهاد می‌دهند.
- کودک به مشارکت در فعالیت‌های آموزشی مشترک و برنامه‌های مشارکتی در اجتماع تشویق می‌شود.
- در انتهای شش سال، دانش‌آموزان برای آزمون پایان دوره آموزش ابتدایی ثبت‌نام می‌کنند.

موضوعات استاندارد در آزمون پایان دوره آموزش ابتدایی شامل:

انگلیسی، زبان مادری، ریاضیات، علوم.

موضوعات اصلی و بنیادی در آزمون پایان دوره آموزش ابتدایی شامل:

انگلیسی پایه، زبان مادری پایه، ریاضیات پایه، علوم پایه.

موضوع انتخابی در آزمون پایان دوره‌ی آموزش ابتدایی شامل:

زبان مادری در سطحی بالاتر.



تصویر (۲): برنامه درسی مدارس ابتدایی

حلقه‌ی مرکزی برنامه درسی ابتدایی (تصویر ۲)، که شامل مهارت‌های زندگی است؛ اطمینان می‌دهد که دانش‌آموزان مهارت‌ها و ارزش‌های شنیداری را برای تبدیل شدن به شهروندانی فعال و بزرگ‌سالانی مسئول در طول زندگی به دست خواهند آورد. در حلقه‌ی میانی برنامه درسی ابتدایی، مهارت‌های دانشی در جستجوی توسعه‌ی تفکر، پردازش و مهارت‌های ارتباطی دانش‌آموزان است. دانش‌آموزان را قادر به تحلیل و کاربرد اطلاعات و ارائه‌ی روش‌های مؤثر برای افکار و ایده‌هایشان می‌سازد و از موضوعاتی که پایه‌ی آن‌ها مهارت است؛ تشکیل می‌شود. حلقه‌ی خارجی برنامه درسی ابتدایی، شامل موضوعاتی است که پایه آن محتویات و مطالب آموزشی همچون: زبان‌ها، هنرها و ریاضیات و علوم را پوشش داده و اطمینان می‌دهد که دانش‌آموزان در مقایسه با سایر حوزه‌های مطالعاتی پیش‌زمینه‌ی قوی در مطالب آموزشی خواهند داشت.

برنامه‌ی درسی ابتدایی

برنامه‌ی درسی ملی سنگاپور از طریق آماده‌سازی دانش‌آموزان برای داشتن پایه‌ای قوی در رشته‌های اصلی ادبیات، حساب و علوم به دلیل اطلاعاتی که برای آینده فراهم می‌کنند، به صورت مداوم در حال حرکت است. مطالعه علوم انسانی موجب توسعه توانایی دانش‌آموزان برای درک و دریافت دیدگاه‌های مختلف، پرورش حساسیت نسبت به امورات فرهنگی و آگاهی‌های مدنی می‌شود.

ساختارهای برنامه درسی ملی از طریق تمرکز زدایی برنامه درسی اجازه می‌دهد تا نیازهای دانش‌آموزان ضعیف نیز تأمین شود. موضوعات خاص و مشخصی به‌عنوان مجموعه‌ای از نتایج یادگیری اجازه می‌دهد بدون داشتن برنامه درسی از پیش تعیین شده جهت نوآوری در کلاس‌ها، برنامه درسی جدیدی دوباره طراحی شود. این امر، انعطاف‌پذیری و استقلال بیشتری را برای مدارس در طول زمان برنامه‌ریزی شده، فراهم می‌کند. زمان بیشتری نیز در برنامه برای توسعه مهارت و نگرش‌های دانش‌آموزان فراهم می‌شود. وزارت آموزش و پرورش با انعطاف‌پذیری در برابر ادغام موضوعات، توسعه یک درک جدید را امکان‌پذیر می‌سازد.

آموزش

دامنه‌ی متنوعی از آموزش‌ها جهت تأمین نیازهای مختلف دانش‌آموزان، افزایش تجربه‌ی یادگیری و تشویق آن‌ها برای فراگیری تعامل با یکدیگر و پیشرفت ایجاد شده است. در این راستا آموزش‌های مشخصی مانند یادگیری پژوهش - محور^۱ وجود دارد که دانش‌آموزان را قادر به یافتن معانی عمیق‌تری از یادگیری می‌کند.

وزارت آموزش و پرورش از مدارس جهت استفاده از آموزش‌های متنوع مانند بسته‌های آموزشی برای ارائه‌ی برنامه درسی حمایت می‌کند. معلمان نیز از طریق مشارکت در اجتماعات و انجمن‌های یادگیری، تجارب آموزشی خود را به اشتراک می‌گذارند. وزارت آموزش و پرورش و عوامل مختلف بیرونی در تلاش‌های مدرسه و موقعیت‌های آن در استفاده از آموزش مؤثر، سهیم هستند.

ارزشیابی

ارزشیابی ملی به‌منظور تعیین استانداردها، اهداف و معیارها همواره وجود دارد. حالت‌های مختلف ارزشیابی، قالب‌ها و موارد آن به‌طور منظم بررسی می‌شوند. تمرکز بیشتر در نقش ارزشیابی یادگیری از طریق ارزشیابی تکوینی^۲ خواهد بود. ارزشیابی سطح علمی معلمان در راهبردهای ارزشیابی از طریق ارائه‌ی رهنمودها و نمونه‌هایی که در اسناد برنامه‌ی درسی و بسته‌های آموزشی وجود دارد، انجام می‌شود. موارد ارزشیابی در موقعیت‌های واقعی ایجاد شده و برای آماده‌سازی بهتر دانش‌آموزان جهت مواجهه با مسائل مهم و پیچیده‌ای که ممکن است در آینده با آن روبرو شوند، حالت‌های متنوعی از ارزشیابی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

1. Research-centered

2. Formative assessment

پیشرفت حرفه‌ای معلمان

پیشرفت حرفه‌ای معلمان، هم‌زمان با ظهور و بروز برنامه درسی که شامل یادگیری جدید و مطابق با نیازهای آینده دانش‌آموزان است؛ امری حیاتی و مسلم بوده و معلمان نیاز دارند تا خود را با توانایی‌های لازم جهت راهنمایی و تسهیل در امر یادگیری دانش‌آموزان، مجهز کنند. جهت تأمین نیاز گروه‌های متمایز دانش‌آموزان، مطابق با توانایی و سبک یادگیری آن‌ها، معلمان نیز به مهارت‌های آموزشی متفاوت و متمایز مجهز شوند. علاوه بر این، لازم است معلمان برای ارتقای یادگیری دانش‌آموزان، توانایی خود را در زمینه فناوری‌های جدید افزایش دهند. آن‌ها به عمل‌گرایانی منعکس‌کننده تبدیل شده‌اند که قادر به افزایش توانایی‌هایی خود از طریق تحقیق و یافته‌هایی تحقیقاتی برای بهبود شیوه‌های کلاس‌داری هستند.

همکاری خانواده و مدرسه

والدین به‌عنوان هدایتگر اصلی رشد کودک خود هستند و نقش یک مشاور را در مأموریت آماده‌سازی جوانان برای آینده ایفا می‌کنند. تا زمانی که فرزندان بتوانند از آموزش ابتدایی واقعی و متعادلی کاملاً بهره‌مند شوند به حمایت والدین نیاز است. والدین و مدارس به‌عنوان مشاوران و همراهان تعلیم و تربیت فرزند به شمار می‌روند. والدین به عنوان کاپیتان اصلی رشد فرزندانشان در یک سفر دریایی هستند. پیشرفت دانش‌آموزان اساساً در خانه و مدرسه ایجاد می‌شود و زمانی که این دو محیط باهم هماهنگ باشند، فرزندان بیشترین بهره را خواهند برد. همکاری لحظه‌به‌لحظه با مدارس، به والدین برای درک بهتر نیازها و پیشرفت کودک، کمک می‌کند و از این طریق می‌توانید مراقبت، حمایت، تشویق و انگیزه‌های موردنیاز دانش‌آموز را در خانه تأمین کنید.

نتیجه‌گیری

به‌منظور آماده‌سازی دانش‌آموزان برای تأمین نیازهای ملی و جهانی قرن ۲۱، وزارت آموزش و پرورش به فرآیند سیستم آموزشی، جهت مرور برنامه‌ی درسی و ارزشیابی تکیه

کرده است.

آنچه حائز اهمیت است این بوده که وزارت آموزش و پرورش برنامه‌ی درسی که متعادل، دقیق، مرتبط و پاسخ‌گو به نیازهای قرن ۲۱ است را تأمین می‌کند.

معلم‌ان برای درک و دریافت مهارت‌ها باید به آموزش تکیه کنند. ارزشیابی زمانی معتبر بوده و انجام می‌شود که دانش‌آموزان با مهارت‌ها و نگرش‌های جدید خود جهت رویارویی با مسائل و موضوعات جدید آشنا شوند.

فصل ۴

برنامه درسی ابتدایی

هنگ کنگ

برنامه درسی ابتدایی هنگ کنگ

اهداف آموزش و پرورش هنگ کنگ برای قرن ۲۱

توانمندسازی افراد جهت پیشرفت در زمینه‌های اخلاق، هنر، تربیت بدنی، مهارت‌های اجتماعی و زیبایی‌شناسی با توجه به ویژگی‌های فردی، به صورتی که قادر به یادگیری طولانی‌مدت، تفکر انتقادی و اکتشافی، آمادگی برای پذیرش و انطباق با تغییرات محیط باشند و برای گسترش آزادی و دموکراسی در جامعه تلاش نماید و در جریان‌هایی که در مورد آینده ملت و در مقیاس بزرگ‌تر یعنی در جهان تأثیرگذار باشد، شرکت نمایند.

اهداف برنامه درسی مدارس

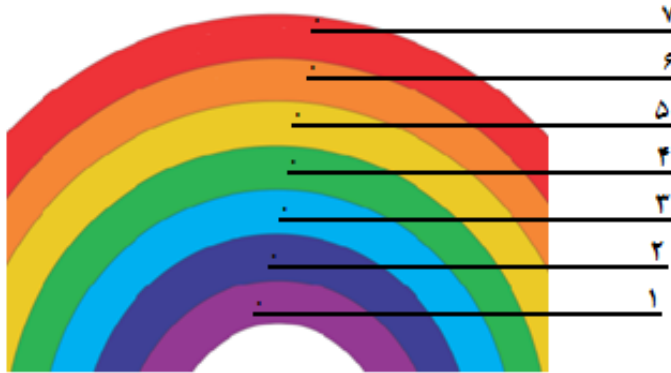
برنامه درسی مدارس بهتر است به گونه‌ای باشد که تمامی دانش‌آموزان را با تجارب لازم یادگیری برای زندگی و با هدف رشد یک انسان کامل در زمینه‌های علم اخلاق، هوش، مهارت‌های جسمی، اجتماعی و زیبایی‌شناسی مطابق با پتانسیل‌های بالقوه‌ی آن فرد، آماده سازد و پرورش دهد؛ بنابراین، همه دانش‌آموزان، تبدیل به اعضای فعال، مسئول و نقش‌پذیر در جامعه، کشور و جهان می‌شوند. برنامه درسی مدارس باید به دانش‌آموزان در جهت نحوه یادگیری از طریق جمع‌آوری ارزش‌های مثبت، نگرش‌ها برای یادگیری مادام‌العمر و پیشبرد مهارت‌های عمومی در جهت حصول و کسب دانش، کمک کند. برای مواجهه با چالش‌های قرن بیست‌ویک، این خصوصیات برای رشد یک انسان کامل، لازم و ضروری است. یک برنامه درسی باکیفیت برای قرن بیست‌ویک باید دربردارنده

رهنمودهایی برای تدریس و یادگیری از طریق یک چارچوب منسجم و منعطف باشد که به راحتی تغییرات را بپذیرد و نیازهای مختلف دانش‌آموزان و مدارس را تأمین کند.

هفت هدف یادگیری

اهداف یادگیری که باید دانش‌آموزان در طی ۱۰ سال و در راستای اهداف آموزش و پرورش، اهداف کلی آموزش مدارس و شورای برنامه‌ریزی درسی^۱ به دست آورند (تصویر ۱) به شرح زیر است:

۱. نقش و مسئولیت‌های خود را به‌عنوان یکی از اعضای خانواده، جامعه و ملت تشخیص داده و برای تأمین رفاه آن تلاش می‌کند.
۲. درک هویت ملی و مشارکت در جهت کمک به جامعه و ملت.
۳. رشد عادت مطالعه به‌صورت مداوم و مستقل.
۴. شرکت فعال و داوطلبانه در بحث‌ها، زبان انگلیسی و چینی.
۵. توسعه تفکر خلاق و تسلط در مهارت‌های یادگیری مستقل (تفکر انتقادی، فن‌آوری اطلاعات، حساب و مدیریت).
۶. دارا بودن دانش مورد نیاز پایه در هشت حوزه اصلی یادگیری.
۷. ایجاد یک شیوه زندگی سالم و افزایش علاقه به زیبایی‌شناختی و فعالیت‌های بدنی.



تصویر (۱): ترتیب و اولویت‌بندی هفت هدف یادگیری

پنج تجربه‌ی یادگیری ضروری برای پیشرفت یک انسان کامل

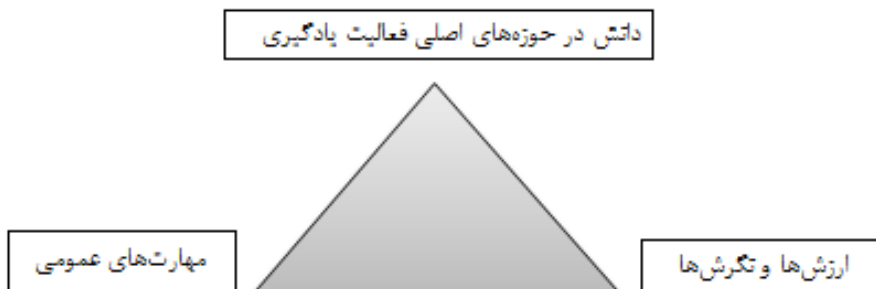
- آموزش تعلیمات مدنی و اخلاق.
- پرورش فکری.
- خدمات اجتماعی.
- رشد جسمی و زیبایی‌شناختی.
- تجارب شغلی (برای دانش‌آموزان دوم و سوم متوسطه).

چارچوب برنامه درسی دارای سه بخش به هم پیوسته است:

- حوزه‌های اصلی فعالیت یادگیری.
- مهارت‌های عمومی.
- ارزش‌ها و نگرش‌ها.

همان‌طور که در (تصویر ۲) نشان داده شده است. چارچوب برنامه‌ی درسی طوری طراحی شده که مسیرهای مختلفی برای درک وسعت متغیر و عمق محتوا و کاربرد آسان

راهبردهای یادگیری، متناسب با نیازهای فردی را فراهم می‌سازد.



تصویر (۲): چارچوب برنامه‌ی درسی

دانش در حوزه‌های اصلی فعالیت یادگیری^۱

دانش در حوزه‌های اصلی فعالیت یادگیری به هشت حوزه‌ی زیر تقسیم‌بندی می‌شود:

۱. آموزش زبان چینی.

۲. آموزش زبان انگلیسی.

۳. آموزش ریاضیات.

۴. آموزش مسائل فردی، اجتماعی، علوم انسانی.

۵. آموزش علوم تجربی.

۶. آموزش فناوری.

۷. آموزش هنر.

۸. آموزش تربیت‌بدنی.

1. Key Learning Areas (KLAs).

حوزه یادگیری اصلی^۱

حوزه یادگیری اصلی، بخش مهم برنامه درسی مدرسه است و بر اساس مفاهیم مرتبط با رشته‌های اصلی دانش که می‌بایست توسط همه دانش‌آموزان کسب شود، است. حوزه اصلی یادگیری زمینه‌ای برای پیشرفت و عملکرد فعالیت‌های عمومی (برای مثال، خلاقیت و مهارت‌های ارتباطی، تفکر انتقادی و همکاری) نگرش‌ها و ارزش‌های مثبت از طریق استفاده مناسب از استراتژی‌ها و فعالیت‌های یاددهی - یادگیری فراهم می‌کند. علاوه بر این، به‌عنوان یک بافت برای ساختار دانش جدید و پیشرفت درک به کار می‌رود. مطالعاتی که در هر حوزه اصلی یادگیری ارائه شده، ممکن است در سطح دانشگاهی، اجتماعی یا عملکردی، تمرینی و یا ترکیبی از این‌ها باشد و این امر بستگی به هدفی دارد که می‌تواند به‌صورت موضوع واحد، تکلیف درسی یا سایر حالت‌های یادگیری باشند.

مهارت‌های عمومی

مهارت‌های عمومی برای یادگیری امری ضروری هستند. آن‌ها از طریق یاددهی - یادگیری و دریافت موضوع‌های مختلف، در زمینه حوزه‌های اصلی فعالیت یادگیری توسعه می‌یابند و از یک موقعیت یادگیری به موقعیت یادگیری دیگر قابل انتقال هستند. این مهارت‌ها شامل موارد زیر است:

۱. مهارت‌های همکاری.
۲. مهارت‌های ارتباطات.
۳. مهارت‌های تفکر و خلاقیت.
۴. مهارت‌های فناوری اطلاعات.
۵. مهارت‌های ریاضی.

۶. مهارت‌های حل مسئله.
۷. مهارت‌های مدیریت فردی.
۸. مهارت‌های مطالعه.

ارزش‌ها و نگرش‌ها

ارزش‌ها، نظام صریح و یا غیرصریح باورهای هستند که دانش‌آموزان توسعه می‌دهند و همان چیزی است که تصمیم‌گیری دانش‌آموزان را هدایت می‌کند؛ زیرا نگرش‌ها، موقعیت‌های شخصی نسبت به وظایف خاص محسوب می‌شوند. برای شروع اولویت‌بندی، می‌بایست به توسعه‌ی ارزش‌ها و نگرش‌های مثبت مانند مسئولیت‌پذیری، تعهد، احترام به دیگران و هویت ملی در برنامه‌ی کوتاه‌مدت (۲۰۰۱ تا ۲۰۰۶) نسبت داده شود. آن‌ها می‌توانند از طریق تعلیمات مدنی و اخلاقی (یکی از چهار وظیفه‌ی کلیدی) و همچنین حوزه‌های اصلی فعالیت یادگیری در موضوع‌های مناسب و از طریق روش‌های یاددهی-یادگیری مناسب، به شکوفایی برسند. برای استفاده از چارچوب آموزشی پیشرو، جهت برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی آموزش مدرسه‌ای، مدارس باید اطمینان داشته باشند که تاریخ و فرهنگ چین به‌عنوان مؤلفه‌ی اصلی یادگیری در این برنامه‌ریزی گنجانده شده است. در زیر معیارهایی برای کمک به مدارس جهت حصول به موارد گفته شده فوق، معرفی و پیشنهاد شده است:

- استفاده از زبان چینی به‌عنوان رسانه آموزشی در امر یاددهی-یادگیری تاریخ و فرهنگ چین در ۹ سال آموزش عمومی.
- ترکیب فرهنگ و هویت ملی به‌عنوان یکی از شش استاندارد مطالعات عمومی به‌عنوان راهنمای برنامه درسی مدارس ابتدایی در طول شش سال آموزش ابتدایی.
- مطالعه‌ی فرهنگ و تاریخ چین توسط دانش‌آموزان تمام مدارس از طریق محتوای ضروری برای یادگیری فردی، اجتماعی و علوم انسانی و محتوای مربوط به سایر حوزه‌های فعالیت یادگیری.

- حفظ تاریخ چین به عنوان یک موضوع مستقل در مراحل کلیدی ۳ و ۴.
- استفاده از تاریخ و فرهنگ چینی به عنوان موضوع اصلی مطالعه برای رویکرد یک تاریخ (مطالعه‌ی تاریخ چین و تاریخ دنیا از طریق رویکرد موضوع واحد تاریخ و فرهنگ) در سطح دوم و سوم متوسطه.
- ممکن است یک چهارم زمان برنامه درسی یادگیری فردی، اجتماعی و علوم انسانی برای فرایند یاددهی-یادگیری فرهنگ و تاریخ چین در سطح دوم و سوم متوسطه، با صرف نظر از رویکرد سازمان‌دهی شده برنامه درسی مدرسه اختصاص داده شود.

چهار وظیفه کلیدی (دستیابی به آموزش برای یادگیری)

چهار وظیفه‌ی اصلی جهت کمک به دانش‌آموزان برای توسعه‌ی توانایی‌های یادگیری مستقل در حوزه‌های یادگیری اصلی وجود دارد. این چهار وظیفه‌ی برنامه‌ی درسی مدارس عبارت‌اند از:

۱. تعلیمات اجتماعی، مدنی و اخلاق.
۲. خواندن برای یادگیری.
۳. یادگیری پروژه‌ای.
۴. فناوری اطلاعات برای یادگیری تعاملی.

رابطه‌ی میان چهار وظیفه کلیدی

چهار وظیفه کلیدی می‌تواند به عنوان استراتژی‌های یاددهی-یادگیری مجزا جهت کسب اهداف یادگیری خاص یا توسعه پتانسیل‌های دانش‌آموزان در جنبه‌های دیگر استفاده شود. گاهی ممکن است که بیش از یک وظیفه برای رسیدن به اهداف آموزشی با یکدیگر ادغام شوند. برای مثال، یادگیری پروژه‌ای همواره شامل خواندن برای یادگیری و

احتمالاً فناوری اطلاعات برای یادگیری تعاملی است و این در صورتی است که اطلاعات باید جستجو شود و تعامل میان دانش‌آموزان و معلمان در اینترنت وجود داشته باشد. همکاری میان دانش‌آموزان در چنین بافت یادگیری، موجب پیشرفت خود مدیریتی^۱ و سایر کیفیت‌هایی می‌شود که از طریق تعلیمات مدنی و اخلاقی رشد کرده‌اند. چهار وظیفه کلیدی باید به‌راحتی در یاددهی - یادگیری حوزه‌های یادگیری اصلی متفاوت، جهت افزایش توانایی‌های دانش‌آموزان برای تولید دانش، توسعه مهارت‌های عمومی و رشد نگرش‌ها و ارزش‌های مثبت به کار رود.

منطق انتخاب چهار وظیفه اصلی برای برنامه درسی مدرسه

- چهار وظیفه اصلی به توسعه توانایی‌های یادگیری مستقل در میان دانش‌آموزان کمک می‌کند بنابراین می‌توانند به اهداف یادگیری مختلف در هشت حوزه اصلی یادگیری و سایر بافت‌های یادگیری دسترسی پیدا کنند.
- تعلیمات مدنی و اخلاقی یکی از پنج تجربه یادگیری لازم است. پیشرفت و توسعه ارزش‌ها و نگرش‌های مثبت، مبانی مؤثری برای یادگیری بیشتر دانش‌آموزان فراهم می‌کنند.
- خواندن برای یادگیری جهت ارتقای فرهنگ خواندن در مدارس لازم است. این امر موجب افزایش رقابت بین دانش‌آموزان و علاقه به خواندن می‌شود که برای یادگیری مادام‌العمر لازم است.
- یادگیری پروژه‌ای^۲ یک روش یاددهی - یادگیری قوی است که به دانش‌آموزان در جهت توسعه مهارت‌های عمومی، ادغام و اعمال دانش در حوزه یادگیری اصلی کمک می‌کند.
- فناوری اطلاعات به توسعه لیاقت‌ها و شایستگی‌های مورد نیاز جهت دسترسی

1. Self-management

2. Project Learning

به اطلاعات و پردازش مؤثر و ارتقای تعامل میان افراد مختلف در نقاط مختلف دنیا کمک می‌کند.

- چهار وظیفه اصلی به یکدیگر مرتبط هستند. کاربرد یکی از آن‌ها می‌تواند به تقویت یادگیری وظیفه دیگری کمک کند؛ بنابراین یک تأثیر مفید کلی بر یادگیری دانش‌آموز دارد.

برنامه‌ریزی برای چهار وظیفه اصلی

پذیرش روش‌های مناسب در زمان برنامه‌ریزی برای چهار وظیفه اصلی و کاربرد آن‌ها در تسهیل یادگیری حائز اهمیت است. تمرکز استفاده از چهار وظیفه اصلی نباید سازماندهی ظاهری فعالیت‌هایی باشد که ممکن است بدون داشتن اثرات مثبت در یادگیری، تلاش مضاعف نیاز داشته باشد. مدارس باید نقاط قوت خود را بشناسند و هرکدام از وظایف اصلی را در زمان شروع استفاده کنند. وارد کردن تمام چهار وظیفه اصلی به هرکدام از حوزه‌های یادگیری اصلی که موجب تقویت معلمان و دانش‌آموزان می‌شود، لازم است.

رابطه میان برنامه درسی و ارزشیابی

برنامه درسی آن چراکه باید دانش‌آموزان از نظر اهداف یادگیری بیاموزند را تعیین می‌کند (برای مثال: دانش، مهارت، ارزش‌ها و نگرش‌ها). روش‌های ارزشیابی مورد استفاده جهت جمع‌آوری شواهد یادگیری دانش‌آموزان باید به گونه‌ای طراحی شود که دانش‌آموزان به آنچه انتظار دارند؛ به آن برسند. دانش‌آموزان به اهداف یادگیری و مطالب آموزشی دسترسی داشته باشند و بعد از آن بازخوردها به معلم و دانش‌آموز داده می‌شود تا در مورد چگونگی پیشرفت یادگیری و تدریس تصمیم‌گیری نماید؛ بنابراین ارزشیابی بخش جداناپذیر برنامه درسی، تدریس و یادگیری و چرخه بازخورد است.

ارزشیابی تکوینی^۱ و تراکمی^۲

ارزشیابی تکوینی (مستمر) به منظور پیشرفت یادگیری در تدریس کلاس روزانه و تدریس در طول ترم و سال است، این ارزشیابی می‌تواند به جمع‌آوری اطلاعات در هر زمانی که یادگیری از سوی دانش‌آموز انجام می‌شود؛ پردازد. روش‌هایی مثل طرح سؤال، تکالیف، مشاهدات، برای اهداف ارزشیابی مد نظر می‌باشند. تحقیقات نشان می‌دهد که تأثیر ارزشیابی در شرایطی که دانش‌آموزان بازخورد کیفی دریافت می‌کنند، بیش از نمره (بازخورد کمی) است.

ارزشیابی تراکمی (پایانی) برای ارزشیابی آنچه دانش‌آموزان یاد گرفته‌اند و این که چقدر به اهداف خود رسیده‌اند لازم است؛ به بیان دیگر تصویری از نتیجه یادگیری از طریق این ارزشیابی به دست می‌آید. ارزشیابی تراکمی اغلب از طریق آزمون‌های تشریحی در آخر واحد تدریس / ترم مدرسه و یا سال انجام می‌شود. ارزشیابی به‌عنوان یک مرحله مجزا در انتهای چرخه یادگیری و تدریس در نظر گرفته شده و نتایج ارزشیابی دانش‌آموز در قالب نمره گزارش می‌شود.

توسعه سیاست متعادل ارزشیابی مدرسه

ارزشیابی به‌منظور یادگیری و ارزشیابی تغییرات اساسی ایجادشده در شیوه‌های آموزش مدرسه برای افزایش یادگیری و به‌منظور برنامه‌ریزی و برقراری تعادل بیشتر بین نیازهای یادگیری، بحث، به اشتراک‌گذاری و نیازهای توافقی معلمان هر مدرسه است؛ مکانیسم‌ها و سیاست ارزشیابی مرتبط می‌بایست در تمام سطوح مدرسه کار شود. بخش‌های زیر چگونگی تنظیم موضوعات اصلی مرتبط با مدرسه را مشخص می‌کند.

1. Formative Assessment

2. Summative Assessment

سه‌م بخش‌های مختلف برای مشارکت در رشد

دانش‌آموزان

- مسئولیت‌پذیری و کنترل یادگیری. به‌عنوان مثال توسعه گستره مطالعاتی، برنامه‌ریزی برای مطالعات خود و سازمان‌دهی گروه‌های مطالعه.
- برقراری ارتباط میان انتظارات دانش‌آموز و معلم و نشان دادن بهترین روش برای یادگیری.
- متفکر بودن و پذیرش یک برنامه درسی متعادل با وجود تغییرات موجود در آن.
- مشارکت با مدرسه، معلمان و سایر بخش‌ها جهت پیشرفت فردی دانش‌آموزان. به‌عنوان مثال با مشارکت فعال و بانگیزه در بحث‌های کلاسی، فعالیت‌های آموزشی و خدماتی برنامه، در کمک به همکلاسی‌های خود مانند یک خواهر یا برادر بزرگ‌تر عمل نماید.
- برقراری ارتباط و انتقال نیازها و مشکلات به والدین و سایر سرپرستان دانش‌آموز و ایجاد یک رابطه مثبت بین دانش‌آموز از طریق تعامل فعال با سایر بخش‌های مدرسه.

معلمان

- تقویت و پیشرفت در مهارت‌های عمومی و به‌خصوص در زمینه‌ی تفکر انتقادی، خلاقیت و مهارت‌های ارتباطی از طریق یادگیری و تدریس حوزه‌های یادگیری اصلی.
- کاربرد استراتژی‌های مختلف ارزشیابی و تدریس جهت تشویق دانش‌آموزان برای یادگیری بهتر.
- توجه به دانش‌آموزان و کمک به آن‌ها در جهت بهبود یادگیری از طریق منابع

- یادگیری و تدریس مناسب در حمایت از تغییرات آموزشی.
- توسعه برنامه شخصی پیشرفت حرفه‌ای و یادگیری مادام‌العمر با هدف کنار هم نگه داشتن آخرین پیشرفت‌ها و تغییرات.
 - همکاری با اساتید دانشگاهی یا نمایندگان حمایت‌کننده آموزش خارج از مدرسه، در آماده‌سازی درس و بررسی استراتژی‌هایی که اثر مثبت بر یادگیری داشته‌اند.
 - همکاری با صنف کارگران جامعه جهت آموزش یادگیری مادام‌العمر در میان دانش‌آموزان.
 - بازخورد اعمال روزانه و آمادگی برای بحث در مورد موضوعات دانش و تجربه با معلمان دیگر.
 - برقراری تعامل با والدین جهت شرح برنامه درسی و سیاست یادگیری و جلب حمایت و یاری آن‌ها جهت ارتقای یادگیری دانش‌آموز.
 - کمک به والدین جهت درک اهداف ارزشیابی، نقاط ضعف و قوت کودکان و نشان دادن این نکته که نمره لزوماً میزان یادگیری و پیشرفت فرزندان را نشان نمی‌دهد.

معلمان ارشد^۱

- رؤسای ادارات، سرگروه‌های برنامه آموزشی و مدیر جلسات، همگی معلمان ارشد مدارس هستند.
- توسعه‌ی برنامه‌ها برای حوزه‌های یادگیری اصلی و حوزه آموزش در تعامل با حوزه‌های یادگیری اصلی و موضوعات موردنیاز و هدایت برنامه‌ی درسی در مدارس.
- ایجاد فشار بر مدیران مدرسه در جهت اجرای طرح‌های آموزشی و مدیریت

- قوانین و بکارگیری منابع موجود در حمایت از پیشرفت‌های آموزشی.
- حمایت از استقلال و قضاوت حرفه‌ای در بهبود آموزش و یادگیری.
- برنامه‌ریزی پیشرفت حرفه‌ای معلمان که از روش‌های مختلف مثل کارگاه، مشاهده دانش‌آموزان شرکت‌کننده در پژوهش، مشارکت درسی و غیره استفاده می‌کنند.
- برنامه‌ریزی و توسعه توانایی‌های حرفه‌ای معلمان با استفاده از روش‌های مختلف مانند کارگاه‌های آموزشی، مشاهده عملکرد همکاران، شرکت در اقدام پژوهشی، آماده‌سازی درس‌های مشترک و غیره.
- کسب اطمینان از هماهنگی و تعامل نزدیک با همکاران از طریق بحث در مورد مسائل، دانش و تجربه با اعضای حوزه‌های یادگیری اصلی و سایر بخش‌های مدرسه.
- ارزیابی و رشد از طریق ارائه‌ی بازخورد مناسب به معلمان.

معلم - کتابداران^۱

- به‌منظور کمک به دانش‌آموزان برای استفاده درست از کتابخانه، شیوه‌های زیر برای یادگیری چگونه یادگرفتن می‌باشند:
- تأمین دسترسی آسان با اطلاعات به اشکال و روش‌های مختلف.
 - توسعه برنامه‌های تحقیقاتی متنوع جهت افزایش یادگیری فردی دانش‌آموزان.
 - توسعه استراتژی‌ها جهت رشد علاقه در یادگیری، خواندن و گنجاندن عادت خواندن در میان دانش‌آموزان.
 - همکاری و تعامل با معلمان در برنامه‌ریزی، تدریس و ارتقای منابع کتابخانه مطابق

اهداف برنامه درسی مدارس.

- توضیح و توسعه استفاده از حوزه وسیع منابع اطلاعات به عنوان بخشی از یادگیری و تدریس.
- توسعه خدمات کتابخانه در مدارس، برای مثال: با اضافه کردن ساعات کاری با کمک سایرین.
- تسهیل توسعه اطلاعات درون مدرسه و کنار هم قرار دادن آخرین پیشرفت‌های آموزشی و فناوری به منظور اطمینان از موجودیت و حفظ منابع کتابخانه و اهداف تدریس.

مدیران مدرسه

پیشرفت و توسعه برنامه درسی مدرسه از طریق موارد ذیل:

- تنظیم و تعیین اولویت‌ها با توجه به نیازهای دانش‌آموزان، مأموریت و وضعیت مدرسه.
- توسعه و گسترش خدمات دانش‌آموزی برای پیشرفت کامل انسان و یادگیری مادام‌العمر.
- تسهیل در ساختن محیط یادگیری خوب و مناسب.
- جهت رشد در رهبری برنامه‌ی درسی در حوزه‌های یادگیری اصلی و برای یادگیری مادام‌العمر از طریق تأمین زمان و مکان برای معلمان جهت همکاری با یکدیگر (برای مثال، داشتن یک‌زبان ثابت برای به اشتراک گذاشتن تجارب و آماده‌سازی درس از طریق همکاری با یکدیگر) و تشویق آن‌ها برای شرکت در تمام برنامه‌های متنوع پیشرفت حرفه‌ای.
- تنظیم اهداف و برنامه‌ریزی برای تغییر سازمانی، جهت تأمین نیازها.

- توسعه و حمایت از سنجش‌هایی که به بهبود یادگیری دانش‌آموزان کمک می‌کند. برای مثال، از طریق تخصیص منابع (زمان، افراد، سرمایه) به پروژه‌های باارزش، کاهش وظایف غیرحرفه‌ای معلمان، حمایت از استقلال حوزه‌های یادگیری اصلی جهت پذیرفتن برنامه‌ی درسی.
- ارتباط مؤثر با کارکنان، دانش‌آموزان و والدین در مورد موضوعاتی که با اصول یادگیری در تضاد هستند و اعلام آمادگی برای رشد و پیشرفت.
- به اشتراک گذاشتن دانش و تجربه با مدارس دیگر و سازمان‌های مرتبط.

والدین

- حمایت از برنامه‌ریزی درسی مدارس به شیوه‌های مختلف. برای مثال، کمک به کتابخانه‌ی مدرسه، نظارت بر صرف ناهار، مشارکت در هزینه‌ها، تنظیم فعالیت‌های آموزشی در مدرسه، سخنرانی در انجمن‌های مدرسه و غیره.
- برقراری ارتباط با مدرسه در مورد تغییرات و نیازهای دانش‌آموزان. برای مثال، برقراری جلسه با والدین در مورد آخرین پیشرفت‌های آموزشی و بحث پیرامون چگونگی پیشرفت فرزندان در ارتباط با معلم کلاس.
- به اشتراک گذاشتن ارزش‌های چگونگی یادگیری و حمایت از دانش‌آموزان و مدرسه از طریق اعمال فشار کمتر بر فرزندان. برای مثال، کسب نمره‌ی بالا در آزمون‌ها.
- ایجاد و توسعه شبکه‌ای از والدین برای به اشتراک گذاشتن تجارب، در افزایش رشد و یادگیری فرزندان و کسب و فراگیری دانش، استراتژی و فنون از طریق گروه‌های حمایتی مختلف به‌منظور کمک به فرزندان جهت توسعه یادگیری خارج از محیط مدرسه.
- تکمیل کار مدرسه در آموزش اخلاق. برای مثال، با صبر و تحمل در گوش

فرا دادن به دیدگاه‌های فرزندان و درک زمانی که آن‌ها برای رسیدن به انتظاراتشان ناکام مانده‌اند.

- توسعه مهارت‌های والدین که موجب شکوفایی یادگیری و پیشرفت فردی می‌شود.
- توسعه فرهنگ مشارکت والدین در فرآیند پیشرفت برنامه درسی مدرسه.

جامعه

- تأمین و دسترسی به منابع جامعه و خدمات حمایتی که موجب تقویت برنامه‌ی مدارس با هدف افزایش یادگیری و پیشرفت دانش‌آموز می‌شود.
- از طریق کمک‌های مالی و تسهیلاتی جامعه، حمایت از عملکردهای مدرسه و یادگیری مادام‌العمر با تأمین تجارب یادگیری مناسب برای دانش‌آموزان انجام می‌گیرد.
- تشویق و حمایت از یادگیری مؤثر و آموزش با ترویج شیوه‌های مناسب در مدرسه.
- تشویق برای همکاری بیشتر سازمان‌های مؤثر در رشد و توسعه‌ی جامعه، مدارس بومی، مراکز خدماتی خانواده و مؤسسات خصوصی/ دولتی، جهت تسهیل و افزایش رضایت‌بخش فعالیت مدرسه.
- حمایت از رشد و توسعه‌ی یک بانک اطلاعاتی که منابع مطالب تدریس و یادگیری را برای مدارس، بدنه‌های حمایتی و انجمن‌های مدیریت مدرسه فراهم کند.

برنامه درسی مرکزی^۱

برنامه‌ی درسی مرکزی که از سوی انجمن تدوین برنامه درسی برای مدارس پیشنهاد شده، شامل اهداف آموزشی مدارس، پنج تجربه یادگیری ضروری، چارچوب‌های آموزشی هشت حوزه یادگیری اصلی و مطالعات عمومی مدارس ابتدایی است. الزامات دیگر شامل تخصیص زمان دروس به هرکدام از حوزه‌های یادگیری اصلی و نیازهای خاص حوزه‌های یادگیری اصلی، هسته اصلی، مؤلفه‌های لازم یادگیری است.

فعالیت‌های مکمل آموزشی^۲

فعالیت‌هایی هستند که تجارب یادگیری را در داخل یا خارج از کلاس از جمله محیط واقعی جامعه و محل کار در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌دهند. قبلاً این فعالیت‌ها به‌عنوان فعالیت‌های آموزشی اضافی شناخته می‌شدند. آن‌ها بخش جدای ناپذیر برنامه‌ی درسی مدارس هستند و یادگیری کلاسی رسمی را تکمیل می‌کنند.

چارچوب برنامه درسی^۳

چارچوب برنامه درسی یک ساختار حمایتی جهت کمک به مدارس با هدف برنامه‌ریزی و توسعه برنامه درسی آن‌ها است. مؤلفه‌های اصلی شامل:

- مفاهیم و دانش، مهارت‌های عمومی، نگرش‌ها و ارزش‌های مرتبط با هر حوزه‌های یادگیری اصلی.
- چارچوب برنامه درسی آنچه را که دانش‌آموزان باید بدانند را تنظیم می‌کند و به مدارس و معلمان انعطاف‌پذیری و حس مالکیت، جهت برنامه‌ریزی و توسعه

1. Central Curriculum

2. Co-curricular Activities

2. Curriculum Framework

3. Key Stages (KS)

انواع حالت‌های مختلف آموزشی جایگزین به‌منظور تأمین نیازهایشان را می‌دهد.

مراحل اصلی^۱

چهار مرحله تحصیلی از ابتدایی تا دبیرستان شامل:

مرحله اول دبستان (اول تا سوم دبستان).

مرحله دوم دبستان (چهارم تا ششم).

مرحله سوم دبیرستان یا متوسطه (هفتم تا نهم).

مرحله چهارم دبیرستان یا متوسطه (دهم تا دوازدهم).

محیط یادگیری

محیط یادگیری بیانگر یادگیری در خانه، مدرسه و جامعه است.

اهداف یادگیری

آنچه دانش‌آموزان باید بدانند و بتوانند در هر مرحله از حوزه‌های یادگیری اصلی و مراحل مختلف مدرسه، اجرا کنند. اهداف توسط معلمان به‌عنوان یک فهرست منابع برای برنامه درسی و برنامه‌ریزی درسی و به‌عنوان منابع، استاندارد کیفیت جهت قضاوت (ارزشیابی عمومی) یادگیری دانش‌آموز به‌جای سنجش بازده آن‌ها به کار می‌رود.

مقاصد یادگیری

مقاصد یادگیری به تنظیم اهداف و مسیرهای انتظارات عمومی از دانش‌آموزان در یادگیری حوزه‌هایی یادگیری اصلی می‌پردازد.

حالت‌های برنامه‌ریزی درسی

رویکردهای مختلفی از سوی مدارس جهت برنامه‌ریزی و توسعه برنامه‌ی درسی پیرامون چارچوب آموزشی با هدف تأمین نیازها پذیرفته شده است. برای مثال:

(۱). یک موضوع مطالعاتی ترکیبی با مقیاس سازمان‌دهی شده پیرامون مفاهیم اصلی، مهارت‌ها، ارزش‌ها و نگرش‌ها در چارچوب آموزشی است.

(۲). ترکیب مؤلفه‌های یادگیری درون یک موضوع، حوزه‌ی یادگیری اصلی یا موضوع‌های جانبی (حوزه‌ی یادگیری اصلی که از مفاهیم اصلی، مهارت‌ها، ارزش‌ها و نگرش‌ها، استفاده می‌کند).

(۳). فعالیت‌های آموزشی مشترک، خدمات جامعه و تجارب کاری مرتبط که کامل‌کننده تدریس و یادگیری در کلاس هستند.

(۴). مؤلفه‌های هسته‌ای حوزه‌های یادگیری اصلی / موضوع چارچوب آموزشی.

معیارهای کیفیت^۱

معیار، از اهداف یادگیری حوزه‌های یادگیری اصلی برای معلمان جهت قضاوت (ارزشیابی کلی) در مورد یادگیری دانش‌آموزان به‌جای سنجش بازده گرفته می‌شود.

برنامه‌ی درسی مدرسه محور^۲

همزمان با ثبت‌نام، دانش‌آموزان برای رسیدن به اهداف و مقاصد آموزشی تشویق می‌شوند. سنجش‌ها ممکن است شامل تنظیم مجدد مقاصد یادگیری، تنوع و تغییر سازمان‌دهی مطالب، مطالعات انتخابی، یادگیری، تدریس و استراتژی‌های ارزشیابی باشد؛ بنابراین برنامه درسی مدرسه محور برونداد و نتیجه یک تعادل میان رهنمود حاصل در

1. Quality Criteria

2. School-based Curriculum

«شورای تدوین برنامه‌ی درسی^۱» و استقلال حاصل از مدارس و معلمان است.

پروژه‌ی بذر^۲

تحقیق و توسعه پروژه‌های مشترک برای:

- تولید بذر تجارب مفید برای منبع مطالعاتی مدارس، معلمان و جامعه.
- توسعه گروه شاخصی از افراد به‌عنوان نمایندگان و رهبران تغییر برنامه درسی (برای مثال، معلمان، مدیران مدرسه، معلم- کتابداران) جهت افزایش ظرفیت برای اعمال اصلاحات.
- اقدام به توسعه برنامه درسی مدرسه محور و برنامه‌ریزی درسی برای یک مدرسه کامل.

برنامه‌ریزی درسی برای یک مدرسه

کمک به دانش‌آموزان در جهت حصول به هفت هدف یادگیری است. در واقع یک برنامه درسی متعادل و بسیار گسترده که هشت حوزه یادگیری اصلی و پنج تجربه یادگیری لازم را از طریق برنامه تقویم آموزشی مدرسه و تنظیمات زمانی و تنظیم اولویت‌های که مقاصد کوتاه‌مدت مدرسه را پوشش داده است؛ را شامل می‌شود. در فرآیند برنامه‌ریزی، مدارس باید پیشرفت‌های اندک در طراحی آموزشی، ارتباط میان حوزه‌های یادگیری اصلی و انعطاف‌پذیری در یادگیری و استراتژی‌های ارزشیابی و تدریس را در نظر بگیرند.

1. Curriculum Development Council (CDC)

2. Seed' Project

فصل ۵

برنامه درسی ابتدایی

چین

برنامه درسی ابتدایی چین

شرح و معرفی مختصری از برنامه‌ی درسی فعلی چین

آموزش و پرورش کودکان رده سنی ۳ تا ۶ سال، اساساً با برنامه‌های تمام مدت روزانه در کودکانستان‌ها اجرا و تأمین می‌شود. در مناطق حومه و دور از شهر گاهی یک دوره یک‌ساله پیش‌دبستان نیز وجود دارد. شیرخوارگاه‌ها نیز کودکان زیر ۳ سال را تحت نظارت مقامات آموزشی نگهداری می‌کنند.

چین از سال ۱۹۸۰، اقدام به اجرا و تنظیم سیاست‌ها و اصلاحاتی در زمینه برنامه درسی کرد. تئوری‌های نظریه‌پردازان خارجی همچون نظریات دیوئی^۱، مونتسوری^۲، برنفن‌برنر^۳، برونر^۴ و خصوصاً پیازه^۵ و ویگوتسکی^۶ در سیستم آموزشی چین رشد و توسعه پیدا کردند. این نظریه‌ها سیستم آموزشی چین را به چالش کشیدند و اصلاحات

-
1. Dewey
 2. Montessori
 3. Bronfenbrenne
 4. Bruner
 5. Piaget
 6. Vygotsky

برنامه درسی دوره پیش دبستان به مرور در مقیاس وسیعی توسعه یافت. تأثیرگذارترین مقیاس و سنجش این اصلاحات، قوانین کار کودکان است که در سال ۱۹۸۹ توسط وزارت سابق آموزش و پرورش مطرح شد. قوانین، به سرعت و به طور وسیع در کشور گسترش یافت. طبق این مستندات، برنامه درسی دوره پیش دبستان می‌بایست تأکید خود را از توسعه مهارت‌های دانش‌آموز و استانداردهای آموزشی یکنواخت، به آموزش مستقل و متنوع، تغییر دهد. به منظور حل این مشکل، وزارت آموزش و پرورش در سال ۲۰۰۱ (نسخه‌ی آزمایشی) رهنمودهایی را برای آموزش در کودکان مطرح کرد. رهنمودها، فاصله و خلأ ما بین نظریه‌های در حال پیشرفت و وضعیت موجود را در نظر می‌گیرد و با بیان الزامات و پیش‌نیازهای خاص و مطالب آموزشی مناطق مختلف، راه‌حل‌های امید بخشی ارائه می‌دهد.

جنبش اصلاحی در حال رشد و گسترش است. رویکردهای درسی و آموزشی روزبه‌روز متنوع‌تر می‌شوند و با جوامع آزاد دیگر همخوانی پیدا می‌کنند. بسیاری از برنامه‌های درسی جدید در ایالت، شهرهای بزرگ و یا حتی شهرهای کوچک در سطح پیش دبستان توسعه یافته‌اند. بسیاری از کودکانها، صرف‌نظر از توان یا عدم توانایی بخش اجرایی منطقه‌ای، به توسعه سیستم آموزشی مدارس خود نیاز دارند.

کشمکش میان نظریه‌های نظام آموزش و پرورش غربی و فرهنگ سنتی چین و سیستم سیاسی

سه موضوع فرهنگی مجزا وجود دارد - فرهنگ سنتی، فرهنگ کمونیست و فرهنگ غربی - که به منظور شکل‌گیری زندگی مردم چین و جوانب مختلف آموزش دوره‌ی ابتدایی کودکان، با یکدیگر ترکیب شده‌اند (وانگ^۱ و اسپوک^۲، ۲۰۰۰). هر کدام از این سه موضوع، جنبه‌های مختلف آموزش دوره‌ی ابتدایی کودک را تشکیل داده است. از آنجایی که تأثیر فرهنگ کمونیست در جوانب عملی آموزش دوره‌ی کودکان، مثل یک

1. Wang

2. Spodek

سازمان، اهداف برنامه‌ی درسی و محتوای آن مشهود است، فرهنگ سنتی نیز تأثیر عمیقی بر مبنای ایدئولوژی و فلسفی کودکان مثل جلوه‌نمایی کودک، یادگیری، پیشرفت و نشان دادن روابط مناسب میان معلم و دانش‌آموز داشته است.

تناقض میان اجرای برنامه درسی و نابرابری عظیم منابع آموزش و پرورش در اوایل دوران کودکی^۱ ایجاد شده از سوی تفاوت‌های اقتصادی و منطقه‌ای

آموزش دوره پیش‌دبستان در چین، اجباری نیست. تنها، ۱/۳٪ از کل هزینه‌ی ملی آموزش صرف آموزش و پرورش در اوایل دوران کودکی می‌شود و بیشتر آن برای مناطق توسعه‌یافته به کار می‌رود. در چین، تقریباً ۲۵٪ کودکان امکان تحصیل در دوره پیش‌دبستانی را ندارند و تقریباً ۵۰٪ از دانش‌آموزان برنامه ۳ ساله‌ی آموزش و پرورش در اوایل دوران کودکی را سپری نکرده‌اند. به دلیل تفاوت‌های عظیم منطقه‌ای و اقتصادی، اختلافات منابع عظیم که میان مناطق ساحلی و داخلی چین، مناطق پیشرفته و درحال توسعه، شهرهای متمدن و روستاهای دورافتاده وجود دارد؛ مناطق دورافتاده و روستایی در تأمین منابع مورد نیاز فعلی خود، عقب مانده‌اند: پرداخت‌های آموزشی محدود، کمبود مدرس واجد شرایط و باتجربه، حقوق پایین کارمندان، محیط آموزشی خشک و بی‌روح و عدم حمایت والدین بخشی از مشکلات هستند.

عدم ثبات میان فلسفه آموزش و سیستم رسمی امتحانات مدارس

تعلیم و تربیت مدارس، ارتباط نزدیکی با سیستم رسمی امتحانات دارد. عملکرد دانش‌آموزان در امتحان ورودی دانشگاه، تعیین‌کننده سرنوشت آینده آن‌ها برای کسب یک مدرک قابل قبول و مشخص است. بسیاری از والدین، عملکرد فرزندان خود را در امتحانات با آموزش دوران ابتدایی آن‌ها مرتبط می‌دانند.

تناقض میان، نیاز شدید به اصلاحات برنامه درسی و پایین بودن سطح حرفه‌ای معلمان

میزان و سطح حرفه‌ای معلمان پیش‌دبستان به اندازه‌ای که بتواند نیازها و الزامات برنامه درسی فعلی را تأمین کند، نیست. معمولاً یک رهنمود تعمیم داده می‌شود درحالی‌که راهنمایی شفاف و واقعی در مورد چگونگی عملکرد، ارائه نمی‌دهد. سطح حرفه‌ای و روش‌های آموزش مؤسسات آموزشی، دارای مشکلات زیادی است.

طرح اقدام ملی برای اجرا

دولت چین طرح ملی پیشرفت و اصلاحات آموزشی متوسط و طولانی‌مدت (۲۰۲۰-۲۰۱۰) که به طراحی کوتاه‌مدت مسیر آموزش چین برای ده سال آینده می‌پردازد را مطرح کرده است. طرح ملی، اهداف مربوط به آموزش پیش‌دبستان تا اواخر سال ۲۰۲۰ چین را از جمله برنامه‌های خود می‌داند.

این طرح عنوان می‌کند که چین باید به تقویت وظایف حکومت در مورد پیشرفت آموزش پیش‌دبستان بپردازد. یک سیستم خدماتی مربوط به آموزش و پرورش در اوایل دوران کودکی، طوری تنظیم شده که به مناطق روستایی، ضعیف و دور افتاده در جهت پیشبرد آموزش پیش‌دبستانی و کسب اطمینان از حقوق کودکان محروم، یاری می‌رساند. طبق ایده مطرح شده در این طرح، استراتژی‌های اجرای برنامه درسی فعلی باید تنظیم شود.

آموزش ضمن خدمت معلمان و تعهد به اجرای برنامه درسی

در تاریخ ۳ نوامبر ۲۰۱۰، انجمن ایالتی چین پنج مقیاس را برای آموزش دوره دبستان مطرح کرد که یکی از آن‌ها تقویت ساختار معلمان آموزش پیش‌دبستان است. مقیاس‌های واقعی شامل: تشخیص یک نسبت منطقی میان معلم، کودک، جامعه معلمان مجرب برای کودکان‌های دولتی، بهبود و پیشرفت سیستم آموزش معلمان پیش‌دبستان و غیره است.

بعضی از استراتژی‌های آموزش معلم که از سوی چندین سازمان اجرایی بومی حمایت شده‌اند، به شرح زیر است:

- ثبت منابع درسی و آموزشی متعدد و تشویق معلمان به استفاده از آن.
- تمرکز بیشتر بر عملکرد در موقعیت مناسب برای کودکان‌های سطح بالا، به جای پرداختن به تئوری با استفاده از مطالعات فردی، آموزش اصول تحقیق در مهدکودک و مستندسازی رفتار کودکان و مربیان برای انعکاس نحوه تدریس و غیره است.
- برای مهدکودک‌های مناطق در حال توسعه و یا روستایی، می‌بایست تهیه و تدوین منابع درسی با ساختار قوی که دسترسی آسانی به آن داشته باشد، مورد توجه قرار گیرد.

مطالبی در مورد ارزشیابی برنامه درسی

- خط و مشی آموزش در مهدکودک (نسخه آموزشی) مختصراً به چندین روش و قانون برای ارزشیابی برنامه درسی اشاره می‌کند.
- خط و مشی بر این باور است که ارزشیابی برنامه درسی می‌بایست اساساً با دوره آموزش معلمان مرتبط باشد.
 - خط و مشی نشان می‌دهد که رفتارها و پیشرفت کودک، مهم‌ترین شاخص ارزشیابی است؛ بنابراین، مشاهده، مکالمه و مستندسازی از جمله روش‌های ارزشیابی بسیار مهم محسوب می‌شوند.

اصلاحات آموزشی و تغییر برنامه درسی در چین

حوزه گسترده تغییرات اجتماعی-اقتصادی، اصلاحات برنامه درسی مدارس در چین به‌عنوان بخش جدای ناپذیر اصلاحات آموزشی دستگامی، پس از سال ۱۹۹۶، دچار تغییر

شد. از زمانی که جمهوری چین در سال ۱۹۴۹ هفت اصلاح اساسی در برنامه درسی مدارس خود گنجانند، تغییر برنامه درسی در این دهه بی سابقه بود. هیچ گاه قبل از اینکه اصلاح برنامه درسی از سوی دولت چین تعیین شود تا این اندازه قابلیت تغییر نتایج تحقیقاتی و تجارب عملی از جوامع بین‌المللی را نداشته است؛ از یک سو مشارکت بسیار فعال از جانب جوامع بومی مثل معلمان، دانش‌آموزان، والدین و از سوی دیگر بخش‌های علمی و تجاری مشاهده می‌شود.

اصلاح با یک مطالعه سنجشی آغاز شد. با پیشرفت وزارت آموزش و پرورش، آموزش پایه در جولای ۱۹۹۶ و اواخر ۱۹۹۷ سازمان یافت و این سازمان‌دهی بر مبنای اجرای طرح برنامه درسی اجباری ۱۹۹۲ بود که شامل بیش از ۱۶۰۰۰ دانش‌آموز و بیش از ۲۰۰۰ معلم در ۹ استان بود؛ علاوه بر این موجب هدایت کارمندان و کارکنان به جامعه آموزشی و علمی-بهداشتی انجمن مشاوره سیاسی ملی شد. همچنین، اصلاح برنامه درسی بر پایه‌ی مطالعات مقایسه‌ای بود که از سوی جوامع دانشگاهی در مورد پیشرفت برنامه درسی انجام گرفت. استراتژی و تجارب کشورهای دیگر نیز نظیر انگلستان، آمریکا، کانادا، آلمان، ژاپن، استرالیا، کره جنوبی، تایلند، روسیه، سوئد، فنلاند، نیوزیلند، هند، برزیل و مصر که در تلاش‌اند تا از اصلاحات در جهت توسعه برنامه درسی پایه‌ی خود، بهره‌مند شوند؛ مورد استفاده قرار گرفت.

بنابر یک مطالعه مقایسه‌ای انجام‌گرفته، جنبش برنامه درسی مدارس در چین، بیشترین معنا را دارد؛ زیرا از یک سو موجب تسهیل درک بهتر بزرگ‌ترین سیستم آموزشی دنیا در بافت اجتماعی-اقتصادی و تغییرات سیاسی-فرهنگی و از سوی دیگر موجب گسترش چارچوب‌های ذهنی تحقیقاتی برنامه درسی مدارس به‌عنوان یک استراتژی مؤثر در جهت حصول به اهداف «آموزش و پرورش برای همه»^۱ در پیشرفت کلی کیفیت در آموزش تمام سطوح نقش ایفا می‌کند.

در همین راستا یک مطالعه مقایسه‌ای بین‌المللی با هدف بررسی اطلاعات آموزشی و

تغییر برنامه درسی و تأثیر آن در پیشرفت برنامه درسی چین از سوی سازمان بین‌المللی یونسکو نیز اجرا شده است.

سیستم آموزش و پرورش و آموزش و پرورش پایه

آموزش و پرورش پایه^۱ در چین شامل دوره‌ی ۳ ساله پیش‌دبستان^۲، ۶ سال آموزش ابتدایی (دور اول و دوم ابتدایی)^۳، ۳ سال آموزش متوسطه سطح پایین (دور اول متوسطه)^۴ و ۳ سال آموزش متوسطه سطح بالا (دور دوم متوسطه)^۵ تشکیل شده است. بین سال‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰، خصوصاً در مناطق روستایی برای آموزش ابتدایی پنج‌ساله جایگزینی پیدا شد.

اهداف سیاست آموزشی ایالتی این است که دانش‌آموزان را قادر سازد تا اینکه در تمام زمینه‌های اخلاقی، ذهنی، جسمی، ابعاد زیبایی و در قالب مهارت‌های زندگی پیشرفت کنند و به شهروندان اجتماعی مجرب که صاحب اندیشه، تحصیل‌کرده (بافرهنگ)، با اخلاق و منظم هستند، تبدیل شوند.

تحت نظر انجمن ایالتی^۶ به‌عنوان قدرت مرکزی، وزارت آموزش و پرورش مسئولیت برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های آموزش و اجرای آن را بر عهده دارد. آموزش بالاتر در سطح شهری-ایالتی و ملی اجرا شده و دائماً مورد بررسی و نظارت قرار می‌گیرد.

آموزش اجباری در چین، ۹ سال به طول می‌انجامد. کودکان در ۶ سالگی وارد مدرسه‌ی ابتدایی می‌شوند، قبل از دبستان، کودکان ممکن است چندین سال خود را در مرحله پیش‌دبستان بگذرانند. آموزش اجباری به دوره‌ی ۶ ساله دبستان و ۳ ساله‌ی اول متوسطه تقسیم می‌شود. در طول اتمام آموزش اجباری ۹ ساله، دانش‌آموزان برای

1. Basic Education
2. pre-school education
3. primary education
4. lower secondary (junior high school)
5. upper secondary (senior high school)
6. State Council

آزمون‌های ورودی دوره سه‌ساله دوم دوره آموزش متوسطه آماده می‌شوند.

اصلاحات برنامه درسی پایه

در کشوری مثل چین با چنین جمعیت انبوهی، انتقال حجم عظیم جمعیت برای منابع انسانی غنی و بهبود کیفیت آموزشی پایه، امری لازم و ضروری است. در سال ۲۰۰۰، ۸۵٪ از کل جمعیت کشور چین آموزش اجباری ۹ ساله را دریافت کردند که در سال ۲۰۰۴، ۹۰٪ جمعیت چین به این هدف رسیدند. در سال ۱۹۹۰، اجلاس «آموزش و پرورش برای همه» که در جومتین^۱ برگزار شد، «تأمین نیازهای یادگیری پایه» و «توسعه آموزشی پایه باکیفیت بالا» را مدعی شد. انجمن ایالتی در سال ۱۹۹۹، سومین جلسه آموزشی ملی و جلسه کارگاه آموزش ملی را در سال ۲۰۰۱ برگزار کرد که در آن با توصیف اهداف و اطلاعات در اجرای باکیفیت آموزش برای همه پرداخت. در سال ۲۰۰۰، انجمن ایالتی برنامه عملیاتی، احیای مجدد آموزش را عنوان کرد که در جامعه آموزشی، اجرای پروژه آموزشی باکیفیت برای ارتقای کیفیت آموزش عموم شهروندان و ظرفیت ابتکار ملی نامیده شد. برنامه درسی و سیستم ارزیابی به منظور تشکیل چارچوب آموزشی مدرن و استانداردهای مطلوب آموزشی، روش‌های تدریس، سیستم ارزشیابی جدید و آموزش معلمان در اوایل سال ۲۰۰۰، می‌بایست اصلاح شود. سیستم برنامه درسی پایه، می‌بایست حول محور برنامه درسی ۱۰ ساله بچرخد.

در سال‌های ۱۹۹۶، ۱۹۹۸، ۲۰۰۰ و ۲۰۰۲، وزارت آموزش و پرورش^۲ ارزیابی آموزش اجباری ۹ ساله و برنامه درسی دبیرستان‌های چین را مطرح کرد و پس از سال ۱۹۹۰ پژوهشی بر مبنای آموزش پایه و اصلاحات برنامه درسی در بیش از ۲۰ منطقه انجام داد. این پژوهش نشان می‌دهد که اصلاحات در تمام مناطق بر نحوه آموزش شهروندان مجرب، پیشرفت آگاهی و ظرفیت یادگیری دانش‌آموزان در تمام طول زندگی، پیشبرد روحیه ابتکاری دانش‌آموزان، اصلاح سیستم آموزش معلمان و تبدیل آن به جامعه

1. Jomtien

2. Ministry of Education (MOE)

یادگیری با محوریت پیشرفت دانش‌آموزان، تمرکز می‌کند. از طریق اصلاحات آموزشی جدید، چین بر بهبود کیفیت آموزش پایه، برجسته‌سازی سنت‌های فرهنگی چین و درک دانش‌آموزان از فرهنگ چین و دیگر فرهنگ‌های متفاوت، کمک کرده است. انتظار می‌رود که دانش‌آموزان بتوانند به یادگیری ارزش‌های انسانی مشترک، یادگیری برای زندگی^۱، یادگیری برای هم‌زیستی^۲ و یادگیری برای یادگیری^۳ دست یابند.

اهداف اصلاحات برنامه درسی

برای تمدنی که از دانش مشتق گشته و با چالش‌های قرن ۲۱ روبرو شده است؛ تغییر اهداف آموزشی و انتظارات ملت از آنچه آموزش پایه تأمین می‌کند؛ لازم و ضروری است. یک دیدگاه یادگیری جامع و کامل باید بتواند هر فرد را به کشف، تقویت و غنی‌سازی پتانسیل‌های خود در جهت دسترسی به گنج نهفته درون تشویق کند. این به معنای فراتر رفتن از دیدگاه ابزاری آموزش به‌عنوان یک فرایند است تا بتوانیم به اهداف خاصی (در قالب مهارت‌ها، ظرفیت‌ها با پتانسیل اقتصادی) که بر پیشرفت یک انسان کامل تمرکز می‌کند، نائل شویم. به‌طور خلاصه، یادگیری برای زندگی، آموزش به‌عنوان ابزاری برای رسیدن به رشد انسان، یک فرایند بسیار شخصی و فردی است و درست در همان زمان، فرایندی از تعاملات اجتماعی محسوب می‌شود.

آموزش و پرورش در چین در طول دو دهه اخیر به سمت اصول بنیادی هدایت شده است؛ این اصول توسط افرادی نظیر دنگ ژیوپینگ^۴ مطرح شد. ژیوپینگ عقیده داشت که آموزش بهتر است به‌سمت مدرنیسم هدایت شود و مدرنیسم به سمت جهان خارج و آینده حرکت کند. مآ هدف آموزش و پرورش توانمندسازی دانش‌آموزان جهت یادگیری شیوه‌های فعال و پویا، پیشرفت اخلاقی، ذهنی و جسمی در تمام زمینه‌ها و تبدیل شدن به

1. learning to be

2. learning to live together

3. learning to learn

4. Deng Xiaoping

نسل جدیدی با ایده‌ها، ارزش‌های اخلاقی و اصول فرهنگی است. در برخی از مستندات پیشرفت نگرش‌ها و مهارت‌های شغلی و زیبایی نیز گنجانده شده است. علی‌رغم تنوع در اظهار سیاست اهداف آموزشی، دو مؤلفه اصلی باید شناسایی شود؛ یکی تأکید بر پیشرفت همه جانبه تمام دانش‌آموزان و دیگری تغییر تمرکز از دانش بنیادی، پایه و پیشرفت مهارت‌های پایه به سمت پیشرفت ارزش‌ها، نگرش‌ها و فراگیری تفکرات سیاسی ایدئولوژیکی با رویکردهای انسان‌گرایی واقعی و پیشرفت انسان است. از این رو اطلاعات برنامه درسی فعلی بر اساس تعریف مجدد اهداف آموزشی در سایه فرآیند آموزش و خصوصاً آموزش پایه است.

بر اساس تعریف مجدد در تغییر بافت‌های فرهنگی و اجتماعی - اقتصادی و انعکاس نیازهای «آموزش کیفیت محور» برنامه‌ی درسی مقطع عمومی جدید اهداف خود را معرفی کرده است:

- رشد حس میهن‌پرستی، تولید گروهی و مشترک، عشق به اجتماع و حفظ سنت‌های فرهنگ ملی.
- پیشرفت و رشد آگاهی، حس دموکراسی اجتماعی، قانون و هنجارهای اجتماعی.
- رشد چشم‌انداز دنیای سالم، چشم‌انداز زندگی و ارزش‌های آن.
- رشد حس مسئولیت‌پذیری اجتماعی و تعهد نسبت به مردم.
- ترویج روحیه خلاق، توانایی عملکرد، لیاقت‌ها و شایستگی‌های علمی و انسانی و آگاهی‌های محیطی.
- رشد دانش بنیادی، مهارت‌ها و رویکردهایی برای یادگیری، از طریق زندگی.
- رشد بدن سالم، کیفیت روانی، ارج نهادن به زیبایی و اصول و روش‌های زندگی سالم.

اهداف برنامه درسی دوره دوم آموزش متوسطه نیز موارد زیر را در نظر گرفته است:

- رشد ظرفیت و قابلیت برای یادگیری مستقل، افزایش آگاهی شغلی، مشارکت، برنامه‌ریزی شغلی.

- خودشناسی و احترام به دیگران، یادگیری تعامل و همکاری با دیگران، رشد روحیه کار تیمی.

- درک تنوع فرهنگ‌ها و روشن‌فکری نسبت به دنیای بیرون.

به‌منظور انعکاس اصل گنجایش در تأمین نیازهای یادگیری هر پایه، حداقل استانداردهای برنامه درسی ملی مراعات شده است. تغییر برنامه درسی برای بهبود کیفیت آموزش، طراحی و اجرا شده است و این در حالی است که کشور بیشترین و بالاترین اولویت‌های خود را برای جهانی‌سازی آموزش اجباری ۹ ساله خود مد نظر قرار داده است.

تمام برنامه‌ها درسی قبلی در چین با نظم خاصی برای یادگیری موضوعات درسی دانشگاهی تنظیم شده بودند؛ بنابراین متون و برنامه درسی مورد استفاده بدون توجه به تساوی حقوق همه کودکان، جوانان و بزرگسالان در زمینه آموزش پایه، تنها به تکمیل دانش ساختاری خود می‌پرداختند.

برنامه درسی مقطع جدید، اهداف خود را از ماهیت آموزش پایه‌های ۹ ساله که مشمول همه انسان‌هاست، در بر گرفته است؛ بنابراین، در مرحله اول، برنامه درسی مقطع جدید به‌منظور اطمینان بخشی در زمینه ابعاد متنوع طراحی و اجر شده، نسبت به برنامه قبلی این تفاوت را داراست که نیازهای یادگیری تمام کودکان مقطع را بدون در نظرگیری استانداردهای بسیار سخت آموزشی، تأمین می‌کند. در مرحله دوم، برنامه درسی مورد نظر باید بتواند مطالب اصلی، اساسی و محدود یادگیری را برای رشد و پیشرفت دانش‌آموز فراهم کند. در مرحله سوم، هدف از برنامه درسی، طراحی یک زیربنا برای یادگیری پس از دوره مدرسه و در طول دوره زندگی (یادگیری مادام‌العمر) است.

- برنامه درسی مقطع جدید هدف سه‌بعدی زیر را تعریف کرده است:
- انتخاب مناسب مطالب آموزشی که شامل دانش‌بنیادی و مهارت‌های اصلی و پایه باشد و منعکس‌کننده پیشرفت اجتماعی، علمی-فنی و تنوع فرهنگی بوده و به‌گونه‌ای با تجربیات دانش‌آموزان مرتبط باشد.
 - ادغام ارزش‌های آموزشی در طول تمام دوره‌های یادگیری موضوعات درسی.
 - توجه به رویکردها و فرآیندهای یادگیری، تشویق رشد و توسعه استراتژی‌های یادگیری فعال و مستقل.
- از نقطه نظر دیگر، یک هدف اصلی برنامه درسی، طراحی برنامه درسی موضوع-محور از سه بعد است که عبارت‌اند از: دانش و مهارت، فرآیندها و رویکردها و ارزش‌های نگرشی-عاطفی^۱، حصول به این هدف آموزشی اساساً موجب تغییر منظم حوزه آموزشی و دانشگاهی در پنج دهه آینده خواهد شد.

طراحی مجدد محتوای برنامه درسی

استانداردهای آموزشی ملی در سایه تأکید بر ترکیب ارزش‌های نگرشی-عاطفی، فرآیندها- رویکردها و ابعاد دانش-مهارت مطالب درسی بوده است. پیشرفت سریع علوم و فناوری‌ها موجب افزایش تنش میان گسترش غیرعادی دانش و ظرفیت انسان به‌منظور جذب و فراگیری آن شده است. در این شرایط آموزش باید به‌طور خاص بتواند نقشه‌هایی از یک جهان پیچیده پر از آشفتگی‌ها را ترسیم کند و مردم را قادر سازد در این آشفتگی‌ها راه خود را پیدا کنند. (دلورس^۲ و همکارانش ۱۹۹۶).

1. Affective/attitudinal

2. Delors

۱- اهداف طراحی مجدد محتوای برنامه درسی

یکی از اهداف اصلاحات برنامه درسی فعلی تغییر مطالب درسی از سطوح دارای دشواری‌های زیاد، جزئی‌گرایی، تک‌بعدی، قدیمی بودن و تمرکز بر دانش نوشته شده کتابی و رسمی، به سمت تقویت ارتباطات مطالب درسی و آموزشی به منظور رشد و توسعه زندگی فردی و فناوری اجتماعی مدرن با توجه ویژه به علایق یادگیری دانش‌آموزان و تجارب آنها و انتخاب دقیق دانش بنیادی و مهارت‌های لازم برای یادگیری مادام‌العمر، از جمله برنامه‌های اصلاحات محسوب می‌شود.

از اهداف دیگر اصلاحات برنامه درسی، تغییر نگرش آموزشی به تمرکز مطلق بر انتقال و استقرار دانش، تأکید جدید بر شکل‌گیری نگرش یادگیری فعال، توانمندسازی فرآیند فراگیری دانش پایه و مهارت‌های اصلی به شکل یک فرآیند یادگیری، نحوه یادگیری و توسعه ارزش‌های درست و مناسب به صورت هم‌زمان است.

طراحی مجدد مطالب آموزشی در سایه اهداف اصلاحات آموزشی فوق، توسط استانداردهای آموزش ملی که برنامه درسی قبلی را با موضوعات خاص و ویژه جایگزین کرده است.

ارسال ۲۰۰۱ وزارت آموزش و پرورش ۱۸ استاندارد آموزش ملی برای دوره آموزش اجباری و ۱۶ استاندارد آموزشی برای دور دوم آموزش متوسطه را در قالب تنظیمات آموزشی اجباری و طرح آموزش دبیرستان‌های دور دوم آموزش متوسطه (بزرگ‌سالان) توسعه داد.

استانداردهای مطالب آموزشی، اهداف آموزشی را تشخیص می‌دهند و اجرا می‌کنند و طرح کلی، انتخاب و سازمان‌دهی دانش موضوع محور، مهارت‌ها و مؤلفه‌های نگرشی-عاطفی را تعریف می‌کند؛ آن‌ها چارچوب‌های ادراکی و مبانی را برای پیشرفت کتب درسی و اجرای برنامه درسی تأمین می‌کنند.

۲- سازمان‌دهی مجدد محتوای برنامه درسی

چارچوب سازمان‌دهی مجدد محتوای برنامه درسی به صورت موارد زیر تعریف می‌شود:

- سطوح - مراحل آموزش و پرورش: بر اساس ویژگی‌های رشد روحی و جسمی دانش‌آموز در سنین مختلف، استانداردهای مطالب درسی در قالب پایه و دوره آموزش و پرورش تعریف می‌شوند. برای مثال استانداردهای برنامه درسی ریاضی به ترتیب در سه سطح تنظیم می‌شود: ۱-۳، ۴-۶، ۷-۹ و استانداردهای زبان ادبیات چینی در چهار سطح ۱-۲، ۳-۴، ۵-۶، ۷-۹ و استانداردهای علوم در دو سطح برای پایه‌های ۳-۶ و ۷-۹.

- حوزه‌های یادگیری: این موضوع به شدت اما به گونه‌ای متفاوت با محتوای تدریس مرتبط است، این اصطلاح گاهی در یادگیری‌های دانش‌آموزان استفاده می‌شود. برای مثال، استانداردهای ریاضی شامل چهار حوزه یادگیری می‌شوند. اعداد و جبر، فضا و گرافیک، آمار و احتمالات و تمرین و کاربرد جامع.

- عناوین یادگیری: تأمین‌کننده تمرکز موضعی و بیان‌کننده دامنه طراحی محتوا و سازمان‌دهی آن است. برای مثال، استانداردهای آموزشی تاریخ و جامعه، ۶ عنوان یادگیری، شامل؛ ما در جامعه رشد می‌کنیم، اقتصاد، سیاست و فرهنگ اطراف ما، تاریخ و فرهنگ چین، تاریخ و فرهنگ جهان و تحقیق‌های اجتماعی، مهارت‌ها و رویکردها است.

ترکیب سه مؤلفه‌ی اساسی محتوای برنامه درسی: تجارب زندگی دانش‌آموز، معلومات رشته و رشد اجتماعی - فنی (فن‌آورانه)

برنامه درسی در سرتاسر محتوای خود به استانداردهای آموزشی ملی جدید برای تقویت ارتباطات فراگیری دانش، رشد مهارت‌ها به عنوان تجارت زندگی دانش‌آموزان و ماهیت اجتماعی، اصلاحات آموزشی در جهت رشد خلاقیت، روح ابتکار و توانایی‌های

عملیاتی به عنوان شایستگی‌های اصلی برای آینده شهروندان چینی کمک کرده است. این کار از طریق دوره پیشنهادی جدید، فعالیت‌های عملیاتی جامع که برای دوره دوم آموزش متوسطه اجباری است؛ به بهترین شیوه انجام می‌شود.

عدم تمرکز مدیریت برنامه درسی

به منظور تضمین و بهبود توجه برنامه درسی به تقاضاهای مناطق مختلف، مدارس و دانش‌آموزان، این اصلاحات آموزشی جدید در سطح مدیریت ملی، سطح بومی و سطح مدرسه‌ای قرار می‌گیرد.

وزارت آموزش و پرورش یک برنامه کلی از آموزش پایه، سایت‌های اجرایی، موضوعات ساعت کلاسی و سیستم ارزشیابی جدید، طراحی و ثبت کرده است و اداره‌های آموزش و پرورش ایالتی، طرحی برای اجرای برنامه درسی ملی پایه‌گذاری کرده و برنامه‌های درسی بومی را توسعه داده‌اند. پس از حسابرسی و تأیید وزارت آموزش و پرورش، اداره‌های ایالتی می‌توانند استانداردها و برنامه درسی در حوزه‌ی ایالتی را اجرا کنند.

علاوه بر برنامه درسی بومی و ملی، مدارس می‌توانند برنامه درسی را مطابق با رسم و سنت یا مزایایی که مدرسه دارد و یا طبق علاقه و خواست دانش‌آموزان انتخاب کند و توسعه دهد. بخش‌ها و ادارات آموزش و پرورش در تمام سطوح باید توسعه و اجرای برنامه درسی را کنترل و نظارت کنند. مدارس حق انعکاس مسائل و مشکلات در فرآیند اجرای برنامه درسی بومی و ملی را دارند.

ارزشیابی برنامه درسی

در سال ۲۰۰۲: ارزشیابی اجرای برنامه درسی در نواحی آزمایشی ایالتی.

در سال ۲۰۰۳: ارزشیابی اجرای برنامه درسی در نواحی آزمایشی ایالتی و ارزشیابی کاربرد استانداردهای برنامه درسی برای هریک از مدارس.

در سال ۲۰۰۴: ارزشیابی آزمایشی برنامه درسی جدید در ۷ ایالت.

در سال ۲۰۰۴، وزارت آموزش و پرورش در بخش آموزش پایه و ارزشیابی‌ها، سینارهای ملی متعددی با مقامات، محققان، معلمان و مدیران مدارس برگزار کرد و بازده و برونداد ارزشیابی از ارزشیابی برنامه درسی و تلاش‌های اصلاحات آموزشی در سال‌های گذشته را به صورت موارد زیر بیان نمود:

۱- درک مناسب آموزش و پرورش عمومی و چارچوب برنامه درسی جدید از سوی بزرگان امر آموزش و معلمان.

اخیراً چین، طراحی سیاستی را برای سیستم برنامه درسی به اتمام رسانده است و اسناد تصمیمات شورای دولتی در مورد اصلاحات آموزش و پرورش عمومی و پیشرفته، طرح اصلاحات برنامه درسی پایه و استانداردهای آن را برای هر موضوع پایه‌گذاری کرده است.

در مورد اصلاحات آموزشی، هیچ‌گونه تفاوتی ما بین اعتماد به نفس (خودباوری) معلمان شهری و روستایی دیده نشده است. آمار نشان می‌دهد که بیش از ۹۰٪ معلمان در مناطق شهری و روستایی برای اصلاحات، خیلی مطمئن و مطمئن هستند؛ که از میان آن‌ها ۱۱/۳٪ بیان کردند که تصور می‌کنند اهداف اصلاحی می‌تواند کاملاً اجرا شود، ۴۳/۹٪ بیان کردند اساساً و از پایه اجرا می‌شود و ۳۷/۹٪ بیان کردند با تلاش زیاد قابل اجرا است؛ بنابراین اکثریت معلمان نسبت به برنامه درسی جدید، نگرش مثبتی دارند.

مفاهیم اساسی برنامه درسی جدید و ارزش‌های اصلی به‌خوبی در عملکردهای آموزش نشان داده شده است. معلمان کار خود را با هدایت از وضعیت روحی دانش‌آموزان، نگرش‌ها و ارزش‌های آن‌ها در مورد انتقال دانش و مهارت‌ها آغاز می‌کنند. محتوای دیسپلین - محور، دیگر در مرکز توجه قرار نمی‌گیرد. برنامه درسی با پیشرفت اجتماعی و علایق و تجارب دانش‌آموزان مرتبط است و همین امر به دانش‌آموزان دانش

و مهارت‌های اصلی را برای یادگیری مادام‌العمر القا می‌کند و ظرفیت آن‌ها را برای جمع‌آوری اطلاعات، کسب دانش، تجزیه و تحلیل مسائل، تعامل و همکاری، بالا می‌برد. در ارزشیابی‌ها درمی‌یابیم که ۷۲/۸٪ از معلمان تصور می‌کنند که اساساً می‌توانند با روش‌های تدریس برنامه درسی جدید، اکتشاف جدید، تعامل و همکاری را اجرا کنند و ۲۱/۶٪ معلمان کاملاً مطمئن به اجرا و تنها ۰/۷٪ از معلمان به ناتوانی عملکرد برنامه اعتقاد دارند.

۲- تغییر اساسی در نحوه یادگیری دانش آموزان

ارزشیابی همچنین به ارائه تغییرات اساسی در نحوه یادگیری دانش‌آموزان می‌پردازد. در حدود ۷۵/۹ درصد، مشارکت و عملکرد فعال دانش‌آموزان در کلاس درس دیده می‌شود و این در حالی است که تنها ۰/۷ درصد به تعاملات کم بین معلم- دانش‌آموز اشاره کرده‌اند.

۳- شایستگی‌های حرفه‌ای معلمان به شدت توسعه یافته است.

توانایی‌های حرفه‌ای معلمان در ۳ زمینه‌ی زیر به شدت توسعه یافته است؛

- مفاهیم آموزشی معلمان. این مفاهیم اهداف آموزشی جدید و مفاهیمی از برنامه درسی دانش‌آموز، نبوغ و ساختار را ارائه داده‌اند.
- ارزشیابی و کیفیت. مفاهیم آموزشی معلمان برای برنامه‌ی درسی پس از آموزش ضمن خدمت توسعه یافته است چراکه پس از آموزش ضمن خدمت تنها ۱/۳٪ تصور می‌کردند که نتیجه نگرفتند و یا بازده کار پایین بوده است.
- نقش حرفه‌ای معلم و روش‌ها و فنون تدریس تغییر کرده است. معلم از یک مدرس به یک تسهیل‌کننده، هماهنگ‌کننده و شرکت‌کننده در فرآیند یادگیری دانش‌آموزان تبدیل شده است.

طبق دو سنجش به عمل آمده قبل و بعد از اصلاحات آموزشی جدید، تعامل میان

معلمان به شدت افزایش یافت و فرهنگ تعامل و همکاری پایه‌گذاری شده است و ۹۵/۵٪ از کل معلمان اظهار کردند که نسبت به قبل، با همکاران خود تعامل بیشتری برقرار می‌کنند. معلمان این برنامه درسی را به‌عنوان یک سکوی پرش برای پیشرفت می‌دانستند. بخش آموزش پایه در وزارت آموزش و پرورش از مارس تا آگوس ۲۰۰۳ سازمان‌دهی شد. یک مطالعه سنجش ملی جهت ارزیابی بازده اصلی اصلاحات آموزشی که شامل بیش از ۶۸۸۶ معلم در ۴۲ ناحیه آزمایشی واقع در ۲۹ ایالت بود اجرا شد. نتایج سنجش شامل موارد زیر بود:

تقریباً ۹۶٪ معلمان که مورد سنجش قرار گرفتند؛ سطوح بالا یا نسبتاً بالایی از درک چارچوب ادراکی استانداردهای برنامه‌ی درسی جدید را نشان دادند. ۸۱٪ معلمان معتقدند که اهداف ادراکی همان‌طور که با استانداردهای آموزشی جدید تعریف شده، می‌توانند با تلاش حاصل شوند و در نهایت ۹۳/۸٪ معلمان به سه بعد (دانش، مهارت و ارزش‌ها) برای توصیف اهداف آموزشی، از یک دیدگاه برخوردارند.

نیاز بیشتر برای برنامه درسی متنوع

اگرچه کتاب‌های درسی تنها نسخه‌ی آموزشی تجویز شده نیستند، اما اساساً جزء اصلی‌ترین موارد محسوب می‌شوند. در دو سنجش ملی سازمان‌یافته وزارت آموزش و پرورش از میان پاسخ‌های داده‌شده به سؤالات، مهم‌ترین و اولین مشکل در اجرای برنامه درسی، مشکل عدم وجود منابع درسی شناخته شد (ژر، ۲۰۰۶). علی‌رغم تغییر سیاست مرکزی، همان یک نسخه از کتاب‌های درسی برای تمام دروس، که تقریباً برای نیم‌قرن ادامه داشت و نسخه‌های چندگانه‌ی کتب درسی به‌عنوان نتیجه تغییرات و پیشرفت سیستمی کتاب‌های درسی مدارس، اجتناب‌پذیر بود، ۱۹۷ عنوان کتاب قابل قبول از کتاب‌های درسی، با میانگین ۸ کتاب برای هر موضوع در مقطع عمومی و ۶۷ موضوع برای کتاب‌های مقطع ۱۲-۱۰ متوسطه، با میانگین ۴/۵ کتاب برای هر موضوع (یو^۱،

1. Zhu

2. You

۲۰۰۶)، که در این میان یک نیاز برای منابع آموزشی متنوع، خصوصاً برای آموزش چند رسانه‌ای را مطرح می‌کرد.

معلمان نیاز به ظرفیت‌سازی طولانی‌مدت و یادگیری تخصصی دارند تا اینکه به تسهیل‌کنندگان یادگیری و مجریان برنامه‌های درسی تبدیل شوند.

اگرچه ۹۸/۶٪ از معلمان مدارس ابتدایی و ۹۵/۲٪ معلمان دوره آموزش اول متوسطه (راهنمایی) و ۸۳/۵٪ معلمان دوره‌ی آموزی دوم متوسطه (دبیرستان)، دوره آموزشی مورد نیاز را گذرانده‌اند؛ اما سطح قابل قبول همچنان پایین‌تر از کشورهای پیشرفته است. یک آموزش مدرسه‌ای نرمال، یک سطح آموزش ۲ ساله، برای معلمان دوره آموزش ابتدایی، یک سطح آموزش ۲ تا ۳ ساله، برای معلمان دوره آموزش اول متوسطه (راهنمایی) و یک سطح آموزش ۴ ساله (کارشناسی)، برای معلمان دوره آموزش دوم متوسطه (دبیرستان) مد نظر قرار می‌دهد. از آنجایی که ۵۵۴۱۰۰۰ معلم مدرسه (تقریباً ۵٪) در حرفه خود هنوز به سطح قابل قبول آموزشی نرسیده‌اند، برای مدارس روستایی باز هم یک کمبود جدی از معلمان واجد شرایط وجود دارد و بیشتر معلمان در حال خدمت این مناطق، به شدت به مدارس و همکاری آن‌ها برای کسب آمادگی در مقابل تغییرات آموزشی نیاز دارند. باید به این موضوع نیز توجه داشت که تنها یک آموزش مقطعی، جهت تأمین نیازهای روبه رشد برنامه‌های درسی در حال تغییر، کافی نخواهد بود.

شیوه‌های آزمون-محور^۱ غالب

شیوه‌های آزمون-محور غالب با هدف برنامه درسی که اساس آن شایستگی‌ها، توانایی‌های فردی برای آموزش با کیفیت باشد؛ در کشمکش است. علی‌رغم چرخش درباره تغییر برنامه درسی به سمت پیشرفت انسانی، بیشتر والدین همچنان انتظارات خود را نسبت به تحصیلات دانشگاهی با کیفیت که از طریق مدارس و آزمون‌های ورودی انجام

می‌شود؛ برای فرزندان حفظ کرده‌اند. از آنجایی که تفاوت زیادی میان مدارس روستایی و شهری، مناطق شرقی و غربی و میان مدارس وجود دارد، رقابت شدید از سوی والدین دانش‌آموزان برای مناطق محدود در مدارس محدود باهدف پیشرفت از یک سطح به سطح دیگر و تنها به دلیل ارزیابی معلم و مدارس برای عملکرد آینده، همچنان ادامه دارد. همگی تحت تأثیر فشار زیاد تمرینات مرور دروس و حفظ کردن دانش تنها به منظور کسب آمادگی برای آزمون‌های سطوح بالاتر که به سنجش بازده و برونداد یادگیری به جای تغییرات رفتاری در ارزش‌ها و نگرش‌ها می‌پردازد، قرار می‌گیرند.

تغییر به سوی چارچوب آموزشی یادگیرنده - محور^۱ به عنوان اصل اصلاح آموزشی در چین.

دولت چین از طریق وزارت آموزش و پرورش و بخش‌های آموزش پایه در آماده‌سازی و طراحی اطلاعات آموزشی، یک چارچوب سیاست‌گذاری مرتبط که در آن دانش‌آموزان در قالب فرآیند یادگیری و تدوین قرار داشته باشند تنظیم کرده است و در این چارچوب تأکید را بر این امر قرارداد داده که برنامه درسی مدارس باید به گونه‌ای باشد که به نیازهای یادگیری مختلف دانش‌آموزان پاسخ داده و ویژگی‌های دانش‌آموزان جامعه را منعکس کند. از سوی دیگر استراتژی و روش‌های مختلف یادگیری و تدریس کلاسی از طریق اعمال تغییرات در ساختار برنامه درسی، استانداردهای آموزشی محتوای درسی، پیشرفت کتب درسی و ارزشیابی برنامه درسی، پاسخگویی قوی و مناسبی برای ویژگی‌های دانش‌آموزان جامعه باشد.

ابعاد سه‌گانه دانش - مهارت، فرآیند - رویکردها و نگرشی‌ها - عواطف، به عنوان ارزش‌های جداناپذیر برنامه درسی بوده است و فرآیند تدریس به تغییرات و در تأکید بیش از حد بر رشد شناختی و شیوه‌های آزمون - محور کمک کرده است. با استفاده از تغییرات طراحی شده، یک تغییر اساسی در برنامه درسی دیسیپلین - محور^۲ یا دانش -

1. Learner-centered

2. discipline-based

محور^۱ گذشته انجام گرفته است و این برنامه به برنامه درسی یادگیرنده-محور که هدف آن کمک به پیشرفت همه‌جانبه تمام دانش‌آموزان به‌عنوان عضوی از اجتماع است منجر می‌شود. پیشرفت حاصل در اصلاحات برنامه درسی چین در واقع آشکارسازی چارچوب اظهارات داکار^۲ است. از نظر داکار محیط یادگیری مناسب یکی از اجزای لازم برای آموزش با کیفیت است (یونسکو، ۲۰۰۵)، تنها برنامه‌ی درسی یادگیرنده-محور مناسب و مرتبط می‌تواند از ارائه بهترین آموزش اطمینان حاصل کند. پیشرفت واقعی در برنامه درسی چین زمانی اتفاق افتاد که ترکیب آموزش نگرشی-عاطفی و ارزش‌ها در نواحی آموزشی به‌منظور تسهیل یادگیری در چگونگی هم‌زیستی بهتر در صلح و آرامش صورت پذیرفت. در عصری که روزه‌روز کشمکش‌ها در حال افزایش است؛ معلمان موظف هستند که به دانش‌آموزان احترام و چگونگی شرایط و برخورد کشمکش‌ها را از طریق صلح آموزش دهند.

استفاده بهتر از زمان آموزش و کاهش حجم یادگیری برای افزایش یادگیری مؤثر

برنامه‌ی درسی عمومی و استاندارد در چین، با حجم سنگین مطالب درسی برای یادگیری به‌عنوان نتیجه برنامه درسی دیسپلین-محور دانشگاه و بررسی شیوه‌های آزمون آن‌ها، تعریف و نشان داده می‌شود. غالباً یک موضوع عمده در طول بحث‌های سیاست‌گذاری اصلاحات برنامه درسی قبلی وجود داشته است. در طی اصلاحات آموزشی در اواسط سال ۱۹۶۰، آخرین مدیر وزارت مائوزدانگ^۳ دستورالعملی مبنی بر کاهش حجم مطالب درسی برای یادگیری به‌منظور یادگیری بهتر و فعال‌تر دانش‌آموزان صادر کرد. یکی از اهداف ناخواسته اصلاحات آموزشی، رها کردن دانش‌آموزان از انجام تمرین‌های تکراری به خاطر عملکرد بهتر در آزمون‌ها و بهبود بهره‌وری، از زمان آموزش

1. *knowledge-centered*

2. *Dakar*

3. *Mao Zedong*

با هدف یادگیری فعال‌تر است.

زمان آموزش، جنبه‌ای از برنامه درسی است که به توجه زیاد و ویژه‌ای نیاز دارد؛ چراکه مدت زمان مورد نیاز برای حصول به اهداف آموزشی از اهمیت قابل توجهی برخوردار است و یک شاخص قوی برای نشان دادن میزان دسترسی دانش‌آموزان به فرصت‌های یادگیری است. تحقیقات در مدارس نشان‌دهنده رابطه‌ای دوطرفه قابل قبول میان زمان آموزش، نتایج و دستاوردهای دانش‌آموز، هم در سطح ابتدایی و هم در سطوح بالاتر (ثانویه) است. اساساً این رابطه در کشورهای در حال توسعه قوی‌تر ظاهر می‌شود (یونسکو، ۲۰۰۵). بانک جهانی تخمین می‌زند که ۸۵۰ تا ۱۰۰۰ ساعت مؤثر (نه لزوماً ساعت‌های کاری) مدارس در سال به صورت بهینه و مطلوب در مدارس ابتدایی عمل می‌کنند (بانک جهانی، ۲۰۰۴).

نسبت زمان آموزش موردنظر (حداکثر میزان تنظیم‌شده در برنامه درسی ملی) به زمان تخصیص یافته برای یادگیری واقعی در مدارس، یکسان نیست. در واقع زمان یادگیری مدارس نسبت به زمانی که در حقیقت دانش‌آموزان برای یادگیری (زمان برای تکالیف) و سؤالات دانشگاهی (زمان یادگیری مطالب دانشگاهی) سپری می‌کنند؛ متفاوت است (یونسکو، ۲۰۰۵). این امر نشان می‌دهد که میزان زمان آموزش عنوان شده در برنامه درسی چندان اهمیتی ندارد بلکه بهترین شیوه استفاده از زمان برای اهداف مورد نظری است که اهمیت دارند. در مقایسه با برنامه درسی سال ۱۹۹۲، برنامه جدید به کاهش مدت زمان کلی کلاس‌ها از ۱۰۱۶۲ ساعت به ۹۵۲۲ و کاهش ۶۲۰ ساعت برای سیستم مدارس ۳-۶ و ۸۴۴ ساعت برای سیستم مدارس ۴-۵ پرداخته است. میزان ساعت‌های هفتگی برای مدارس ابتدایی از ۳۲ به ۲۸ ساعت کاهش یافته است (ژائو، ۲۰۰۶). زمان آموزش صرف شده برای موضوع‌های دانشگاهی نسبت به موضوع‌های غیردانشگاهی خاص و فعالیت-محور^۲ کاسته شده است. ساعت‌های کلاسی بیشتر به این هدف اختصاص یافته‌اند که دانش‌آموزان فعالیت و آزادی بیشتری برای انتخاب موضوعات یادگیری داشته باشند.

1. Gao

2. activity-based

شواهدی از موفقیت‌ها و اثرات آن‌ها

طبق ارزشیابی‌های ملی انجام‌شده در سال ۲۰۰۴، نتایج ارزشیابی اولیه اجرای برنامه درسی مثبت و دلگرم‌کننده است. چارچوب ادراکی و اصول هدایت‌کننده برنامه درسی جدید از سوی جامعه‌ی آموزش و پرورش در سطح گسترده‌ای موردقبول واقع شده است. بیش از ۹۰٪ معلمان مدارس مطمئن هستند که اهداف آموزشی با تلاش قابل دستیابی هستند. ۷۴/۸٪ از معلمان نسبت به کتاب‌های درسی جدید احساس قابل‌قبولی دارند؛ درحالی‌که ۲۳/۲٪ از معلمان با کتاب‌های درسی احساس و ارتباط بسیار خوبی برقرار کرده‌اند.

تقریباً ۹۳/۸٪ معلمان از طرح برنامه درسی در سه بعد مطرح‌شده حمایت می‌کنند. ۹۶٪ معلمان اصول و رویکردهایی که استانداردهای آموزشی آن‌ها را تعریف کرده‌اند را به خوبی تشخیص داده‌اند؛ ۷۲/۸٪ معلمان به توانایی اعمال تغییرات تحصیلی در یاددهی-یادگیری^۱ و آموزش بر اساس یادگیری تعاملی و فعال اعتقاد دارند؛ ۲۱/۶٪ از معلمان بر این باورند که می‌توانند کاملاً این برنامه را اجرا کنند و تنها ۰/۷٪ تصور می‌کنند که به‌هیچ‌عنوان نمی‌توانند به اهداف مورد نظر دسترسی پیدا کنند. اصلاحات آموزشی تغییرات ناشی از یادگیری را در زندگی دانش‌آموزان ایجاد کرده است. ۷۵/۹٪ دانش‌آموزان می‌توانند در کلاس و فعالیت‌های یاددهی-یادگیری حضور فعال داشته باشند و تنها ۰/۷٪ آن‌ها به‌ندرت با سایر دانش‌آموزان و معلمان تعامل برقرار می‌کنند و تنها بر روی سخنان مطرح‌شده در کلاس تمرکز می‌کنند (ژو^۲، ۲۰۰۴). علاوه بر این، نیروی آموزشی مرکزی در شورای ایالتی و وزارت آموزش و پرورش نیز اظهارات و پیشنهادهای مثبتی را ارائه داده‌اند. اثرات اصلاحات آموزشی کاملاً مشهود است و تغییرات بسیاری را در کلاس‌های درس ایجاد کرده است و همین امر تغییرات مثبتی را به آموزش پایه القا نموده است که اثرات آن به مرور خود را نشان خواهند داد (همان منبع).

1. Teaching-learning

2. Zhu

نکته پایانی این که در مقایسه‌ی تجارب اصلاحات آموزشی چین با سایر کشورها، باید این موضوع را در نظر داشته باشیم که یافته‌های حاصل در کشور چین را نمی‌توان به دلیل شرایط خاص هر یک از کشورها، به آنها تعمیم داد.

فصل ۶

برنامه درسی ابتدایی

کره

برنامه درسی ابتدایی کره

ویژگی‌های برنامه‌ی درسی

این برنامه‌ی درسی در ماده ۲-۲۳ قانون آموزش ابتدایی و متوسطه طراحی شده و یک برنامه ملی است که به اجرای اهداف آموزش مدارس ابتدایی و متوسطه کمک کرده و استانداردهای عمومی را برای برنامه درسی این گونه مدارس فراهم می‌کند.

ویژگی‌های این برنامه درسی به شرح زیر است:

- به دنبال نقاط مشترک در سطح ملی و تنوع در سطح منطقه‌ای، مدرسه‌ای و فردی است.
- دانش‌آموز-محور^۱ است، به تسهیل خلاقیت و استقلال دانش‌آموز کمک می‌کند.
- از طریق همکاری مدارس، کارمندان آموزش و پرورش، معلمان و دانش‌آموزان و والدین شکل می‌گیرد.
- هدف آن ساختن یک مدرسه برنامه درسی-محور^۲ در سیستم آموزش و پرورش است.

1. student-centered

2. curriculum-centered

- از اهداف آن حفظ و کنترل کیفیت فرآیند و نتیجه آموزش و پرورش است.
- چارچوب برنامه درسی طراحی شده در آموزش و پرورش کره به تمام شهروندان برای کنترل و هدایت زندگی از طریق پیشبرد مهارت‌های استقلال طلبانه کمک می‌کند.
- بر اساس اهداف آموزش و پرورش، اهداف برنامه درسی دارای چشم‌اندازی برای دانش‌آموزان به شرح زیر است:
 - فردی که به دنبال رشد فردی و حرفه‌ها در سطحی مطلوب است.
 - فردی که خلاقیت را همراه با تفکرات جدید و چالش‌ها را همراه با قابلیت‌های اساسی نشان دهد.
 - فردی که بر اساس درک دانش فرهنگی و ارزش‌های کثرت‌گرایی زندگی شرافتمندانه‌ای دارد.
 - فردی که در پیشرفت جامعه به‌عنوان عضوی که با جهان در تعامل است، مشارکت دارد.

اصول طراحی برنامه درسی

- به‌منظور تحقق اهداف برنامه درسی، اصول طراحی این برنامه به شرح زیر است:
 - ساختن برنامه‌ای برای پرورش افرادی خلاق که همواره در کارها به مشورت با دیگران می‌پردازند.
 - طراحی برنامه‌ای مشترک برای دانش‌آموزان پایه اول تا نهم و انتخاب یک برنامه برای پایه‌های ۱۰ تا ۱۲.
 - اجتناب از عدم انعطاف‌پذیری در سازمان‌دهی و اجرای برنامه درسی و پیاده‌سازی برنامه درسی با همکاری بین مدارس با سطوح و درجات مختلف.

- موضوع‌های برنامه درسی مشترک، مجدداً جهت گردآوری و هم‌خوانی و قرابت آن با اهداف آموزشی سازمان‌دهی می‌شوند.
- در نظر گرفتن نقاط قوت دانش‌آموزان، استعداد و حرفه آینده آن‌ها که بر این اساس برنامه انتخابی به ۴ رشته‌ی موضوعی تقسیم می‌شود و پیشنهادهایی برای تکمیل واحدها ارائه می‌دهد.
- تنظیم مطالب مورد مطالعه به صورت منطقی، کاهش موضوع‌های مورد نیاز برای هر ترم و افزایش دوره‌هایی جهت اجرای فعالیت‌های یادگیری معنادار.
- ترکیب فعالیت‌های اختیاری قبلی و فعالیت‌های خارج از برنامه جهت تشکیل فعالیت یادگیری خلاق با هدف تمرین و تعامل با دیگران.
- تقویت سیستم مدیریت کیفیت برنامه درسی از طریق ارزشیابی برنامه درسی، بهبود و ارزشیابی درسی و سنجش ملی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان.
- سازمان‌دهی و اجرای برنامه درسی از طریق سطوح آموزشی مدارس ابتدایی که بر یادگیری دانش‌آموزان، پرورش استعدادها برای زندگی و شکل‌گیری رفتار روزانه تمرکز دارد.

در آموزش و پرورش مدارس ابتدایی، دانش‌آموزان می‌خواهند:

۱. دانش‌آموزان از طریق تجارب یادگیری فراوان به جسم و ذهن خود امکان رشد و تعادل می‌دهند و درک کلی از امورات مختلف دنیا پیدا می‌کنند.
۲. توانایی‌های پایه‌ای خود را برای تأیید و حل مشکلات در طول یادگیری و زندگی افزایش می‌دهند و تصور خود را از تجارب جدید بهبود می‌بخشند.
۳. درک بیش‌ازپیش فرهنگ ملی و لذت بردن از آن.
۴. ابزار تجارب و افکار به شیوه‌های مختلف، از جمله هم‌دردی و حمایت از همکاری با دیگران.

سازمان‌دهی و تخصیص زمان

سازمان‌دهی

- برنامه درسی مدارس ابتدایی شامل موضوعات و فعالیت‌های تجارب یادگیری خلاق است.
- برنامه درسی از زبان کره‌ای، آموزش اخلاقیات، مطالعات اجتماعی و ریاضیات، دوره علمی- عملی و تربیت‌بدنی، هنر (موسیقی و هنرهای زیبا) و انگلیسی تشکیل شده است.

مدارس ابتدایی

- اهداف آموزشی برای مدارس ابتدایی از زبان کره‌ای، ریاضیات، انضباط در زندگی، زندگی هوشمندانه و زندگی رضایت‌بخش تشکیل شده است.
- فعالیت‌های یادگیری تجربی خلاق که از فعالیت‌های مستقل، باشگاهی، خدمات اجتماعی و حرفه‌ای تشکیل شده است.

اختصاص زمان

- مدت زمان هر ساعت آموزش کلاسی معمولاً ۴۰ دقیقه است. اگرچه می‌توان آن را طبق آب‌وهوا و فصل، پیشرفت دانش‌آموزان، ویژگی‌های محتوای درسی و موقعیت کلاس تغییر داد.
- مدت زمان تخصیص یافته برای هر موضوع برای بازه زمانی دوساله است (که هر سال تحصیلی ۳۴ هفته دارد) است.
- تعداد کلی واحدهای مشخص شده برای هر مجموعه، کمترین ساعات مورد نیاز است.
- از آنجای که ساعات کلاسی استاندارد برای رده سوم و چهارم زبان کره‌ای

نشان‌دهنده ساعات کاهش یافته است و آن‌هم به دلیل وجود ۵ روز در هر هفته کلاسی است که ممکن است مدرسه ۴۴۲ ساعت به‌عنوان ساعات استاندارد کلاسی داشته باشد.

- ساعات کلاسی برای علوم اقتصاد، تنها شامل ساعات کلاسی اقتصاد پایه پنجم و ششم می‌شود.

اولویت‌ها برای سازمان‌دهی و اجرای برنامه درسی مدارس ابتدایی

- مدرسه می‌تواند به سازمان‌دهی و اجرای برنامه‌های تنظیم‌شده برای پایه اول که ورودی‌های جدید هستند؛ با استفاده از واحدهای فعالیت‌های تجربی یادگیری خلاق برای برنامه‌ریزی فعالیت آموزشی خود پردازند.

- مدرسه به اجرا و سازمان‌دهی برنامه‌ای می‌پردازد که دانش‌آموزان، ویژگی‌ها و رفتار روزانه پایه را از طریق فعالیت‌های آموزشی تأیید کنند.

- تمام برنامه‌هایی که به‌صورت پایه و اساسی طراحی می‌شود به شیوه‌ای سازمان‌دهی شده فراگرفته می‌شوند و استفاده روزافزون از زبان کره‌ای را مدنظر قرار می‌دهند. علاوه بر این برنامه‌های جداگانه‌ای می‌تواند برای دانش‌آموزان که زبان کره‌ای نمی‌دانند یا توانایی‌های ریاضی ندارد، تنظیم و اجرا شود.

- بسته به شرایط مدرسه یا نیاز دانش‌آموزان و یا درخواست والدین، مدرسه می‌تواند ساعات کلاسی را در ۲۰٪ از موضوعات مرتبط تنظیم نماید.

- با توجه به ویژگی‌های هر موضوع، مدارس ابتدایی می‌تواند تعداد موضوعاتی را که هر ترم تدریس می‌شوند، از طریق تکالیف اضافه برای اتمام ترم، کاهش دهد.

- اطلاعات و فن‌آوری ارتباطات^۱ آموزش و پرورش، سلامت آموزش و پرورش، ویژگی‌های شخصی‌بینی‌ها و آموزش و پرورش کلاسیک از طریق رهنمودهای

دستگاهی با استفاده از موضوع‌های مرتبط و تخصیص زمان برای یادگیری تجربی خلاق، اجرا می‌شود.

- چنانچه دانش‌آموزی نتواند موضوعی را به اتمام برساند، مدیران آموزش و پرورش و اولیاء مدرسه از طریق برگزاری دوره‌های یادگیری اضافی، آن را جبران می‌کنند.
- در مواردی از سازمان‌دهی و اجرای برنامه درسی که کلاس‌ها با هم ترکیب و ادغام شده‌اند (کلاس‌های چندپایه) مطالب آموزشی را می‌توان با تمرکز بر روی موضوعات مشترک محتوای کتاب‌ها و واحدهای درسی ارائه نمود.
- مدرسه برنامه درسی را که دانش‌آموزان می‌بایست در طول هر ترم یا سطح فرا بگیرند را معرفی می‌کند.

ارزشیابی

مدرسه خود به ارزشیابی شایستگی، اعتبار و اثربخشی برنامه درسی می‌پردازد، مشکلات را پیدا می‌کند؛ روش‌هایی را برای حل مشکلات ارائه می‌دهد و روش‌هایی را برای پیشرفت دوره، برای برنامه درسی سال بعد ارائه می‌کند.

فعالیت‌های ارزشیابی مدرسه موارد زیر را در نظر می‌گیرد:

- ارزشیابی یک فرآیند آموزشی به‌منظور کسب اطمینان از حصول به اهداف آموزشی از سوی دانش‌آموزان است.
- مدرسه با استفاده از روش‌ها و ابزارهای ارزشیابی مختلف، نتیجه را بررسی می‌کند و به‌منظور پیشبرد کیفیت آموزش کلاس میزان دسترسی به هدف از سوی دانش‌آموز و کاربرد دانش توسط آن را کنترل می‌کند.
- ارزشیابی برنامه درسی به شیوه‌ای مناسب و به روش توصیفی و یا به‌صورت تشریحی به‌جای استفاده از روش چهارگزینه‌ای انجام می‌شود.
- ارزشیابی آزمایش و تمرینات هم با استاندارد ارزشیابی که اهداف به‌صورت

- جزء به جزء مطرح شده است با توجه به ویژگی‌های موضوع مدنظر انجام می‌شود.
- ارزشیابی موضوع‌هایی که به ارزش‌ها، عملکرد و خلاقیت اهمیت می‌دهند با استفاده از معیارها و استانداردهای رتبه‌بندی شده انجام می‌شود.
- مدرسه و معلم، مطالب درسی و مهارت‌هایی که در مدرسه تدریس شده‌اند را ارزشیابی می‌کنند، می‌بایست مراقب باشند که مهارت‌ها و مطالبی که دانش‌آموزان شانس برای یادگیری آن‌ها در مدرسه ندارند و باید از طریق روش‌های آموزشی خارج از مدرسه فرا بگیرند را ارزشیابی نکنند.
- با توجه به ارزشیابی فعالیت‌های یادگیری تجربی خلاق، مدرسه مطالب آموزشی اصلی را برای ارزشیابی تهیه و استفاده می‌کند.

ارزشیابی و حمایت برنامه درسی در سطح ملی

- حمایت مالی و اجرایی به منظور برقراری تعامل میان فعالیت برنامه درسی از سوی ایالت و سازمان‌دهی و اجرای فعالیت از جانب مدرسه است.
- ارزشیابی دوره‌ای نتایج یادگیری، مؤسسات آموزشی و مدارس، سازمان‌دهی، اجرای برنامه درسی برای حفظ کیفیت برنامه.
- ارزشیابی از دانش‌آموزان طبق موضوع و سطح موردنظر به منظور ارزشیابی از نتایج یادگیری و استفاده از نتایج برای رشد و متناسب نمودن برنامه درسی.
- ارزشیابی دوره‌ای مدرسه و اداره آموزش و پرورش مربوطه به منظور شناسایی موقعیت سازمان و اجرای برنامه درسی و چگونگی حمایت اداره آموزش و پرورش از برنامه‌ها.
- فعالیت‌های تحقیقاتی به منظور ارزشیابی شایستگی و اثربخشی سازمان‌دهی و اجرای برنامه درسی و سیستم حمایتی آن.
- روش‌های مختلف حمایتی در سطح ملی می‌بایست در زمینه‌ی مدرسه‌ای مورد

مطالعه و بررسی قرار گیرد تا از تحقق اهداف برنامه درسی و فعالیت‌های ارزشیابی اطمینان حاصل گردد.

- پیشبرد و ارائه یک استاندارد ارزشیابی برای هر موضوع که امکان ارزشیابی هماهنگ و مطابق با اهداف برنامه درسی را فراهم کند.
- توسعه روش‌های ارزشیابی مختلف، فرآیندها و ابزارهایی که می‌توان از آن‌ها برای هر موضوع استفاده کرد.

حمایت اداره آموزش و پرورش برای سازمان‌دهی و اجرای برنامه درسی

حمایت اداره آموزش و پرورش به شرح زیر انجام می‌شود:

- سازمان‌دهی یک مأموریت عملی به‌عنوان تحقیق به‌منظور اجرا و سازمان‌دهی برنامه درسی که معلمان، کارکنان خدمات آموزش، متخصصان مطالعات آموزشی، متخصصان برنامه‌ریزی درسی، والدین، افراد جامعه و صنعت می‌توانند اعضای این مأموریت باشند.
- راه‌اندازی و تنظیم اولویت‌های آموزشی با توجه به ویژگی‌های منحصر به فرد و منطقه‌ای، موقعیت آموزشی، نیازها و درخواست‌های دانش‌آموزان، معلمان و شهروندان و تهیه و تدوین رهنمودهایی برای اجرا و سازمان‌دهی یک برنامه درسی.
- تشکیل یک گروه پژوهشی مدرسه‌ای برای بهبود سازمان‌دهی و اجرای برنامه درسی و حمایت فعال گروه‌های تحقیقاتی از پژوهش‌های معلمان برای بهبود و پیشرفت کلاس.
- سازمان‌دهی یک سیستم هدایتی برای مشاوره آموزشی. به این منظور هر شخص می‌تواند برنامه درسی مدرسه را از طریق اجرای مجموعه‌ای از برنامه‌های رتبه‌بندی شده و یا سازمان‌دهی مؤثر فعالیت‌های یادگیری تجربی فعال، به پیشرفت انواع

- مختلف اطلاعات برای سازمان‌دهی و اجرای برنامه درسی پردازد.
- ثبت و اجرای یک برنامه درسی برای مدرسان هر پایه به‌منظور پیشبرد توانایی و ظرفیت راهنمایی در مورد فعالیت‌های یادگیری تجربی خلاق و سازمان‌دهی و اجرای فعالیت‌هایی برای برنامه درسی مدرسه.
 - توسعه و ارائه برنامه درسی که به سازمان‌دهی و اجرای اطلاعات پردازد. از این رو هر مدرسه می‌تواند قبل از شروع هر ترم، سازمان‌دهی و اجرای برنامه خود را طراحی کند و در زمان مناسب به معلمان منتقل کند.
 - تأمین حمایت‌های مالی و اجرایی مورد نیاز برای تسهیلات آموزشی مورد نیاز، تجهیز اطلاعاتی مدارس برای سازمان‌دهی و اجرای برنامه درسی مدرسه.
 - حمایتی که مدرسه بتواند برنامه درسی و فعالیت‌های یادگیری تجربی خلاق را از طریق همکاری و تعامل فعال با جامعه اجرا کند و روش‌های خاص حمایتی مثل آماده‌سازی لیست منابع منطقه‌ای که مدارس موجود می‌توانند از آن استفاده کنند، فراهم کند.
 - حمایت از اجرای مؤثر کلاس‌هایی که با توجه به ظرفیت تعداد دانش‌آموزان تقسیم‌شده‌اند و تأمین حمایت اجرایی و مالی برای ارائه و اجرای دوره‌های اضافی ویژه به‌منظور جایگزینی و جبران کمبودهای یادگیری.
 - تنظیم مجدد دوره متمرکزی که میان مدارس هر منطقه اجرا خواهد شد و مدنظر قرار دادن تمایل و موقعیت‌های هر مدرسه و حمایت از سازمان‌دهی و اجرای آن فقط برای مدارس که دوره‌های ویژه و متمرکز را تنها برای تعداد محدودی از دانش‌آموزان ثبت‌نام کرده‌اند.
 - حمایت و تأمین فرصت‌های آموزشی برای دانش‌آموزان با استعداد و دانش‌آموزانی که دارای ناتوانی (معلولین) هستند.
 - حمایت از بازگشت دانش‌آموزان از کشورهای خارجی و دانش‌آموزان چند

- فرهنگی، با مدنظر قرار دادن ویژگی‌های پیش‌زمینه تجربه آموزشی آن‌ها و اطمینان از عدم وجود مشکل برای آن‌ها در طی اجرای برنامه درسی.
- فراهم‌سازی فرصت‌های مختلف برای دانش‌آموزانی که برنامه درسی را به دلیل انتقال از یک مدرسه به مدرسه دیگر یا بازگشت از کشورهای خارجی تکمیل نکرده‌اند، با این فرصت‌ها می‌توانند برنامه درسی را به اتمام برسانند و روشی را برای پذیرش این دانش‌آموزان از سوی مؤسسات آموزشی دولتی مناطق بومی معرفی کنند.
 - تقویت عملکردهای مدرسه به جهت حمایت و مراقبت از دانش‌آموزان ابتدایی پایه‌های پایین در مدرسه با توجه به موقعیت جامعه و مدرسه بومی، همراه با توجهات ویژه اداره آموزش و پرورش.
 - در موقعیتی که موضوعی از برنامه درسی معرفی یا اجرا نشده باشد، اداره آموزش و پرورش رهنمودها و هدایت‌های مرتبط را جهت اجرای فرآیندهای مورد نیاز ارائه می‌دهد.
 - تأمین حمایت‌های مالی و اجرایی، همچون توزیع معلمان، توسعه فرصت‌های یادگیری دانش‌آموزان و غیره.
 - تأمین نیازهای اجرای برنامه درسی مدارس کوچک، همچون برقراری و تشکیل کلاس‌های ترکیبی.
 - می‌بایست برای اجرای مؤثر برنامه درسی مدارس، یک سیستم مشارکتی و تعاملی میان مدارس و اداره‌های آموزش و پرورش با هدف توزیع دانش‌آموزان، معلمان، کاربرد مشترک مدارس، تسهیلات و تجهیزات، توسعه و کاربرد اطلاعات راه‌اندازی شود.
 - تلاش برای پذیرش، توسعه و جایگزینی کتاب‌های آموزشی موردنیاز برای فعالیت‌های آموزشی دانش‌آموزان.

- به صورت مقطعی و دوره‌ای، حمایتی که به مدرسه برای اجرای برنامه درسی، سازمان‌دهی و اجرای برنامه درسی تعلق گرفته است را مورد ارزشیابی قرار داده و حمایت‌های مناسب و مورد نیاز برای اجرا، بهبود و مدیریت کیفیت برنامه درسی مؤثر را تأمین کنند.
- ارزشیابی نتایج یادگیری به منظور مدیریت کیفیت، سازمان‌دهی و اجرای برنامه درسی مدرسه و تقویت شایستگی و تأثیر سیستم اجرایی و سازمان‌دهی برنامه درسی اجرا شود.

اصلاحات آموزش و پرورش در کره

پیشرفت و توسعه سریع آموزش در کره، استثنائی است و این توسعه در پیشرفت اقتصادی کره نقش اصلی را ایفا می‌کند. یکی از اولویت‌ها پیشبرد «آموزش و پرورش و مراقبت دوران اولیه کودکی»^۱ است. علاوه بر این، کره به آموزش فنی و حرفه‌ای جهت کاهش مشکلاتی که مشارکت شغلی جوانان را محدود می‌کند نیز می‌پردازد. آموزش و تحصیلات در سطوح بالاتر نیازمند ارتقای کیفیت آموزش و پرورش است. به علاوه، سهم زیاد خصوصی‌سازی در آموزش و پرورش موجب افزایش اثر مؤلفه‌های اجتماعی - اقتصادی بر نتیجه و محصول آموزش و پرورش می‌شود؛ بنابراین اصلاحات آموزشی باید از طریق بهبود و توسعه دسترسی کودکان کم‌درآمد به کیفیت بالای آموزش و پرورش و مراقبت دوران اولیه کودکی، کاهش تدریس خصوصی با بهبود و ارتقای فرایندهای آموزش دانشگاهی، توسعه کیفیت و تنوع مدارس و ارتقای آموزش شغلی، افزایش وام دانشجویان با مزایای بازپرداخت پس از فارغ‌التحصیلی، ارتقا یابند.

آموزش و پرورش ابتدایی و متوسطه در کره

سال ۲۰۰۹ در سنجش پیزا^۱، کره در میان کشورهای «سازمان همکاری و توسعه اقتصادی» در ریاضیات، خواندن و علوم در رتبه سوم قرار گرفت. علاوه بر این، عملکرد کلی کره در پیزا از سال ۲۰۰۶ و از زمانی که در علوم یازدهم، در ریاضیات چهارم و در خواندن اول شد؛ بهبود یافت. از سال ۲۰۰۰، کره درصد دانش‌آموزانی که نمره عالی را در ادبیات خواندن نشان می‌دادند را دو برابر کرد. ۱۳٪ از دانش‌آموزان در سطح پنجم یا بالاتر از آن در مقایسه با میانگین کشورهای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی که ۸٪ بوده، حرفه‌ای‌تر بودند با وجود این که کره در بین این کشورها رتبه‌ی بسیار بالایی دارد، اما با اقتصادهای نوظهور و با رقابت‌های تنگاتنگ مواجه است. در سنجش پیزا سال ۲۰۰۹، شانگهای رتبه‌ی برتر از کره را در سه حوزه گفته‌شده به دست آورد، در حالی که هنگ‌کنگ، چین و سنگاپور تنها در ریاضیات و علوم برتر از کره بودند.

مسئولیت آموزش ابتدایی و متوسطه در ۱۶ ایالت و شهرهای بزرگ بر عهده اداره‌های آموزش و پرورش محلی است که از دولت جدا شده‌اند. اداره‌های آموزش و پرورش نقش اجرایی در تخصیص منابع و مدیریت تسهیلات و استخدام کارکنان ایفا می‌کنند ولی هیئت‌مدیره آموزش و پرورش، اختیار تصمیم‌گیری در مورد آموزش را دارد. بودجه این ادارات از مالیات سهم آموزش محلی که نسبت ثابتی از مالیات ملی است، تأمین می‌شود. سهم این ادارات در سال ۲۰۱۰، از ۲۰٪ به ۲۷٪ افزایش یافت، ۱۸٪ دیگر مالیات اختصاصی از سوی دولت برای ادارات بومی (محلی) است. در مقابل، سهم منابع دولتی

1. Program for International Students Assessment (PISA)

به‌عنوان یک مطالعه‌ی بین‌المللی بر کاربرد ریاضی در زندگی واقعی تأکید دارد. پیزا به‌عنوان یکی از تحقیق‌های پیمایشی «سازمان همکاری و توسعه اقتصادی» به‌طور ویژه برای دانش‌آموزان ۱۵ ساله در سه حوزه سواد ریاضی، خواندن و علوم، از سال ۲۰۰۰ آغاز شده و هر سه سال یکبار، برگزار می‌شود. به‌طور کلی، آزمون‌های پیزا طوری طراحی می‌شوند تا معیارهایی مبنی بر این را ارائه دهند که تا چه حد، دانش‌آموزان می‌توانند با به‌کارگیری آنچه در مدرسه آموخته‌اند، به حل مسائل واقعی و چالش‌هایی که احتمالاً در زندگی روزمره تجربه می‌کنند، بپردازند.

2. The Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD)

آموزش و پرورش محلی مثل حقوق کارکنان آموزش و پرورش کمتر از ۱٪ است. در حالی که سهم بخش‌های خصوصی در آموزش ابتدایی و دبیرستان در سایر کشورهای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، ۲۲٪ است.

حقوق معلمان در کره بالاست و همین امر موجب جذب افراد با استعداد برای حرفه‌ی تدریس شده است. در حقیقت، بالاترین میزان حقوقی برای معلمان مدارس ابتدایی است که معادل ۷۴ هزار دلار است که در سال ۲۰۱۲، ۶۴٪ بالاتر از میانگین کشورهای سازمان همکاری و توسعه‌ی اقتصادی بوده است؛ اگرچه درآمد در کره تنها یک چهارم کمتر از میانگین این کشورها است. از این رو این درآمد موجب تشویق معلمان به حفظ شغلشان می‌شود. علاوه بر این، زمان تدریس در سطح متوسطه در کره ۹٪ زیر میانگین این کشورها در سال ۲۰۱۰ است.

از آنجایی که کشور کره بهترین عملکرد را در سنجش پیزا داشته است، این حوزه نیازمند توجهات بیشتری برای بهبود عملکرد مدارس دارد. اگرچه بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰ تعداد دانش‌آموزان ۹٪ کاهش یافته است.

اجرای اصلاحات آموزشی همیشه چالش برانگیز بوده است و در هر کشوری که آغاز شود، نقش اصلی و مهمی دارد. در کشور کره نیز به دلیل اهمیت زیاد آموزش و پرورش، سیاست‌گذاری برخی موضوع‌های آموزشی اصلی، اصلاحات را پیچیده و سخت‌تر هم نشان می‌دهند. بین سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۷، وزیران آموزش و پرورش تنها برای مدت هشت ماه به کار خود ادامه دادند و به اصلاحات جدی اشاره‌ی مختصری کردند (چانگ، ۲۰۰۹). بروز اصلاحات به عوامل زیادی بستگی دارد:

- در مرحله‌ی اول، شرکت فعال سهام‌داران، والدین، معلمان، دانش‌آموزان و کارمندان و عوامل مدرسه در تشکیل و اجرای عملکردهای سیاست‌گذاری بسیار مهم است. خصوصاً معلمان باید این اطمینان را کسب کنند که ابزارهای مورد نیاز جهت موقعیت به وجود آمده را کسب می‌کنند.

- در مرحله‌ی دوم، توصیف و شرح واضح و کامل اصول و اهداف اصلاح، لازم و ضروری است.
- در مرحله‌ی سوم، اصلاحات بهتر است بر اساس اسناد (شواهد) و مدارک معتبر باشد. علاوه بر این، حتی با وجود سیاست‌های خوب، نتایج آموزشی رشد یافته زمان زیادی را به خود اختصاص می‌دهند و مدت‌زمان لازم برای مشاهده رشد نیز طولانی‌تر می‌شود؛ بنابراین تمام سهام‌داران باید انتظاراتی واقعی و منطقی مبنی بر احتمال کسب نتایج آموزشی بالاتر داشته باشند؛ در غیر این صورت، ارتقای سیستم آموزشی بسیار مهم می‌شود؛ به طوری که حتی پیشرفت‌های کوچک و جزئی نیز می‌توانند اثرات مثبت قابل توجهی داشته باشند.

تحلیل پیشرفت و نتایج آموزش ابتدایی اجباری بعد از جنگ کره

این مبحث به شرح وضعیت فعلی مدارس کره که غالباً تحت عنوان «فروپاشی مدرسه^۱» یا «شکست کلاس^۲» در سال ۱۹۹۹ معرفی شدند؛ می‌پردازد. ماهیت این بحران را می‌توان به عدم علاقه دانش‌آموزان به یادگیری کلاسی در میان سایر مؤلفه‌ها و ویژگی‌های این پدیده نسبت داد.

سه عامل سهیم در عدم وجود اثربخشی تدریس و یادگیری کلاسی وجود دارد؛ که عبارتند از:

۱. در برنامه درسی که باید دانش‌آموزان نسبت به سایر بخش‌های موضوعی ترجیح داده شوند، نادیده گرفته شده است.
۲. آماده‌سازی قوانین و مقررات برای تدریس معلم.
۳. فرآیندهای آموزشی غیرمستقیم.

1. school collapse

2. classroom breakdown

پایین بودن تعداد کلاس‌ها و انتظار داشتن ارتباطات قوی با دانش‌آموزان، منجر شد تا برنامه درسی ملی هفتم از سوی وزارت آموزش و پرورش جهت بهبود و ارتقای استقلال و خلاقیت دانش‌آموزان به‌عنوان یکی از مسیرهای درست، مورد ارزشیابی قرار گیرد. اما مدارس فعلی کره را با عنوان عدم وجود علاقه دانش‌آموزان به یادگیری در مدرسه و وجود انتخاب‌های محدود و اندک تشریح می‌کنند. با این حال گزارش‌های متناقض اولیه در مورد اثربخشی اجرای واقعی برنامه درسی جدید، انجام تحقیقات تجربی دقیق در آینده را به‌منظور دسترسی به نتایج صحیح لازم و ضروری می‌داند. از آنجایی که در برنامه درسی جدید انتظار می‌رود که دانش‌آموزان به یادگیری در کلاس درس کمک کنند، در می‌یابیم که معلمان کره‌ای مسئولیت بسیار سنگینی برای ارائه آموزش با کیفیت بسیار بالا برخوردار دارند. از این‌رو از سایر وظایف خود غافل می‌شوند تا بتوانند بر تدریس خود تمرکز کنند.

بهبود کیفیت تدریس و افزایش کیفی و کمی تعامل فعال معلم- دانش‌آموز و فراهم نمودن فعالیت‌های کلاسی مختلف است. برای مثال، در گذشته برای معلمان داشتن تعامل انفرادی و معنادار با تک‌تک دانش‌آموزان یک کلاس ۵۰ نفر بسیار دشوار بود، اما امروزه خوشبختانه تعداد نفرات کلاس‌ها به کمتر از ۳۵ نفر کاهش یافته است، بنابراین وظیفه‌ی معلمی چالش کمتری با خود به همراه دارد و منطقی‌تر به نظر می‌رسد. در نهایت، استقلال و آزادی دانش‌آموز در مورد انتخاب، صرف‌نظر از ارتباط انتخاب با حوزه موضوع درسی، اهمیت موضوع و پروژه‌های گروهی یا وظایف فردی، مورد تأکید قرار گرفته است.

نتایج ظریف متعددی وجود دارد که می‌توانیم از این بحث به دست آوریم. برخی از این نتایج برای کشورهای دیگر نیز می‌تواند با ارزش باشد.

۱. تجربه‌ی کره، به‌وضوح نشان داد که آموزش به‌صورت عمومی‌تر و تجمع سرمایه انسانی برای رشد سریع اقتصادی بسیار حائز اهمیت است. تجمع سریع سرمایه انسانی یک موقعیت ضروری و لازم برای پیشرفت سریع اقتصادی است.

۲. به‌عنوان سرمایه انسانی مورد نیاز برای تغییرات و پیشرفت اقتصاد در طول زمان، مسیر آموزشی باید توانایی تأمین این تغییر تقاضا را داشته باشد. برای خلاصه

کردن این نقطه چرخش در کره، ابتدا به یک نیروی کار تحصیل کرده‌ی متوسط که توانایی خواندن و نوشتن را داشته باشد و برای تلاش زیاد به اندازه کافی منظم باشد؛ نیاز بود. سیستم آموزش و پرورش توانایی تأمین چنین نیروی کاری را از طریق آموزش اولیه دانشگاهی (آموزش خارج از مدرسه برای بزرگسالان) داشت. زمانی که با توسعه ساختار صنایع، نیاز به نیروی کار ماهر و تحصیل کرده افزایش یافت، سیستم آموزش و پرورش از این نظر اهمیت زیادی پیدا کرد و در نهایت با فراهم نمودن پیش‌زمینه و مقدمات نیاز، آموزش و پرورش با این نیاز تطابق یافت و سازگار شد.

۳. بخش خصوصی بیش از نیمی از هزینه‌های آموزش و پرورش را پرداخت می‌کند. بدین معنا که آموزش و پرورش فراسوی سطح ابتدایی هیچ‌گاه آزاد و رایگان نبوده است. والدین همواره مجبور به پرداخت هزینه‌ها بوده‌اند. حتی آموزش و تحصیلات ابتدایی نیز هیچ‌گاه کاملاً رایگان نبوده است. این‌گونه تنظیمات تقسیم هزینه، موجب جلوگیری از به تأخیر افتادن بیش از حد مراحل سیستم آموزش و پرورش می‌شود. در

۴. به نظر می‌رسد آموزش و پرورش مؤثرترین مکانیسم جهت ارتقای کیفیت زندگی در بین شهروندان بوده است. آموزش و پرورش تقریباً به‌عنوان فرصت یکسانی که به همگان داده شده، عادلانه به نظر می‌رسد. در گذشته دولت سهم بیشتری از هزینه را در پرداخت می‌کرد. از این رو یک فرصت در اختیار دانش‌آموزان خانواده‌های فقیر برای ادامه تحصیل قرار می‌گرفت. دولت کره بر این باور است که برای برقراری عدالت در امر آموزش، به‌جای کمک به خانواده‌های فقیر، بهتر است فرصت آموزش و تحصیل را برای آن‌ها فراهم کنند.

۵. مهم‌ترین مشکل عدم وجود رقابت سازنده میان مدارس، خصوصاً دوره آموزش متوسطه است. جالب‌توجه است که کره به سیستم انتخاب اتفافی دانش‌آموزان مدارس بازگشته است. اطمینان داشته باشید که انتخاب تصادفی (اتفافی) موجب ضعیف شدن فشار رقابتی میان دانش‌آموزان متوسط می‌شود. البته دانش‌آموزانی

که از دبیرستان فارغ التحصیل شده‌اند نیز برای ورود به دانشگاه باید با هم رقابت کنند. از آنجایی که سرعت برگشت به آموزش دانشگاه بالاست و ثبت نام کلی برای دانشگاه‌ها سخت و فلج‌کننده می‌شود، هنوز هم تقاضای بسیار زیادی برای تحصیل در دانشگاه وجود دارد؛ در نتیجه رقابت برای ورود به دانشگاه شدید می‌شود. به نظر می‌رسد که این رقابت مشکلاتی نیز به همراه داشته باشد و همین‌طور نیز هست.

۶. به نظر می‌رسد که جلوه دادن مدارس متوسطه به عنوان کسب آمادگی آزمون ورودی دانشگاه، وجهه آن را ویران کرده است. از آنجایی که دبیرستان‌ها توانایی تأمین این نیاز را ندارند، آموزش خارج از مدرسه جهت تأمین این نیاز به سرعت رشد کرد. آموزش خارج از مدرسه بسیار پرهزینه است و خانواده‌های کم‌بضاعت توان پرداخت آن را نخواهد داشت. سیستم فعلی آموزش و پرورش متوسطه ممکن است به مکانیسمی با اختلافات درآمدی یا هزینه‌ای بسیار بالا تبدیل شود. این مشکل تنها یک نمونه از اثرات مخربی است که از سوی قوانین وضع شده از سوی حکومت و کنترل سیستم آموزش و پرورش، ایجاد شده است؛ بنابراین برای تبدیل سیستم به دستگاہی آزاد و غیرمتمرکز که به بخش‌های خصوصی امکان فعالیت بیشتر بدهد نیاز اساسی وجود دارد.

۷. باز کردن درهای آموزش و پرورش بر روی افراد خارجی، یک اقدام مهم دیگر است که کشور کره می‌تواند مدنظر داشته باشد.

فصل ۷

برنامه درسی ابتدایی

ژاپن

